

کد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

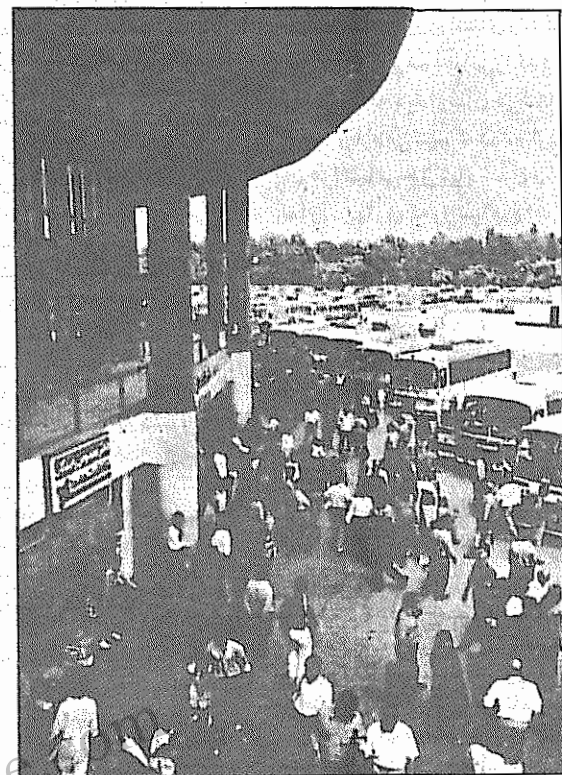
چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۷۳ - ۱۵ مارس ۱۹۹۵ - دوره سوم شماره ۱۰۴

KAR, No. 104 Wednesday 15 Mar 1995

افزایش بی وقفه قیمت هادر آستانه سال نو

- گرانی ها، سفره های هفت سین رابی روتق کرده است.
- قیمت هر کیلو گوشت ۸۰۰ تومان شد.
- نرخ مواد غذایی دو برابر شد و قیمت بلیط های مسافرتی افزایش یافت.
- از اول سال نوبهای سوخت صد درصد و هر مکالمه تلفنی ۸۰ درصد گران می شود

ایران بار دیگر هوای بهار و نوروز به خود گرفته است. خیابانها و مغازه ها شلوغ تر از همه وقت و جنب و جوش در خیابانها بیشتر از پیش است. سفره های هفت سین گشوده شده است و مردم، هریک به فراخور حال خود، می کوشند این سفره ها را رنگین تر سازند و به تاسی از طبیعت لباس نو بپوشند. میلیونها تن از هم اکنون در تدارک سفرها و دید و بازدید های نوروزی اند. فرارسیدن نوروز، فرصتی است که دیدار با کسان و خوشان و آشنا یان که غالباً بدلیل تلاش شبانه روزی برای معاش جایی برای آن نمانده است، تازه شود. کدورتی اگر هست زوده شود و دوستی ها و مهربانی ها محکمتر شود. این رسم هزاران ساله مردم ما است که در هر وضعی که هستند به استقبال بهار روند و در این روزگار، انگیزه تازه ای برای



تهران ترمینال جنوب. ازدحام مردم برای تهیه بلیط مسافرت نوروزی

ادامه در صفحه ۳

۸ مارس

روز جهانی زن

گرامی باد!

صفحه ۱۱

پرسش و پاسخ

با اعضای

شورای مرکزی

سازمان

صفحه ۱۲

کنفرانس لندن:

جنبش چپ

وتحوالات آن

سخنرانی های

فرخ نگهدار

ویژن حکمت

صفحات ۱۳ و ۱۴



بهاران خجسته باد!

کار فرارسیدن نوروز باستانی را به همه هم میهنان تبریک می گوید و برای آنان در سال نو، آرزوی شادمانی، موفقیت و سربلندی دارد.

باشد، که در سال نوبه همت همه ایرانیان، جوانه های آزادی در میهن ما شکوفا گردد و ایران نیز گام در راه توسعه و پیشرفت و رفاه و نیک بختی بگذارد.

مردم اعتراض می کنند

تظاهرات مردم صومعه سرا

روز دوشنبه ۱۵ اسفند ماه مردم صومعه سرا در اعتراض به گرانی دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان به مراکز دولتی و بانک حمله بردند. تظاهرات در همان روز به شهر رشت کشیده شد. مردم به حجره تجار وابسته به حکومت هجوم آوردند. مأمورین حکومتی به مقابله با تظاهر کنندگان برخاستند و عده ای از آنها را دستگیر کردند.

تظاهرات کارکنان

بیمارستان میثاقیه تهران

دههاتن از پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان میثاقیه تهران (مصطفی خمینی) روز هفتم اسفند ماه در برابر ساختمان اصلی این بیمارستان دست به تظاهرات زدند و علیه سیاست های رژیم به اعتراض برخاستند.

به موجب گزارش حزب ملت ایران، تظاهر کنندگان که با استقبال مردم کوچه و بازار روبرو شده بودند، نسبت به دستور جدید سازمان امور استخدامی کشور که بر پایه آن حقوق و مزایای کارکنان بیمارستانهای کشور کاسته خواهد شد، اعتراض داشتند.

تظاهرات در بابل

مسابقه فوتبال در بابل نیز به تظاهرات علیه رژیم انجامید. در این مسابقه که روز ۱۵ اسفند ماه برگزار

ادامه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی در سازمان ملل مجدداً محکوم شد

سازمان ملل قرار گرفت، به موارد گسترده نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی، از جمله شکنجه، سرکوب و پیگرد افراد به علل مذهبی اشاره کرده است. گالیندوپل همچنین جمهوری اسلامی را به خاطر شمارش از حد اعدام ها مورد انتقاد قرار داده است. طبق این گزارش، گالیندوپل خبر انجام ۶۳ مورد اعدام در سال ۱۹۹۴ را دریافت کرده است. در این گزارش، نماینده سازمان ملل از وضع مجازات اعدام برای جرایم اقتصادی نیز انتقاد کرده است.

گالیندوپل از سال ۱۹۸۶ گزارش هایی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه می کند. قبلاً جمهوری اسلامی به وی ویزای ورود می داد اما پس از آنکه رژیم،

ادامه در صفحه ۲

مقایسه با سال گذشته ۵ رأی بیشتر کسب کرد. این ۳۴ رأی بار است که رژیم ولایت فقیه توسط یک ارگان سازمان ملل محکوم می شود. در قطعنامه مصوب هفته گذشته نسبت به "آمار کماکان بالای اعدام ها، موارد شکنجه و رفتار و مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیر آمیز و نیز اعمال تزییفات در مورد پیروان مذاهب بهایی و مسیحی عمیقاً ابراز نگرانی شده است.

بخشهایی از گزارش

گالیندوپل گزارشگر سازمان ملل

گالیندوپل مأمور ویژه سازمان ملل در امر وضعیت حقوق بشر در ایران، در گزارش جدید خود نیز که اخیراً مورد تأیید مجمع عمومی

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ماه جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر، از جمله شکنجه و افراط در صدور احکام اعدام محکوم کرد. قطعنامه کمیسیون، با ۲۸ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع به تصویب رسید. کمیسیون حقوق بشر، که عالی ترین ارگان دیپلماتیک سازمان ملل در امور حقوق بشر است، همچنین نگرانی عمیق خود را بابت فتوای قتل تهران علیه سلمان رشدی اعلام کرد.

کمیسیون حقوق بشر که در آن ۵۳ کشور عضویت دارند، جمهوری اسلامی را هر سال محکوم کرده است، اما نکته برجسته در رأی گیری امسال این بود که قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی در

فراخوان سازمان

عفوین الملل

برای نجات جان

دوزندانی

سازمان عفوین الملل در بولتنی که روز ۲۸ بهمن ماه انتشار یافت، خواهان اقدام عاجل برای نجات جان دوزندانی جمهوری اسلامی که خطر شکنجه و اعدام آنها را تهدید می کند شد. این زندانیان، عبارتند از ملا احمد خضری، ۲۹ ساله، و مجید سولدوزی، ۳۸ ساله، که احتمالاً در زندان ارومیه به سر

ادامه در صفحه ۲

ماهنامه تکا پوهم توقیف شد

نشریه مستقل تکا پوهم توقیف شد. وزارت ارشاد جلوه چاپ شماره جدید این نشریه را گرفت و پرونده آن را به دادگاه فرستاد. دستاویز وزارت ارشاد ظاهر درج شعری از رضا براهنی در آخرین شماره این نشریه است. در این شعر از زبان زنبور عمل به برخی از جنبه های حیات این زیستمنده اشاره شده و تلویحاً به مسائل و روندهای اجتماعی و انسانی پرداخته شده است.

اما به گفته آگاهان، مسئله اصلی در ناراضی رژیم از شرکت فعال نشریه تکا پوهم در بیان و تنظیم و انتشار نامه ۱۳۴ تن از نویسندگان و هنرمندان و همچنین انتشار همین

ادامه در صفحه ۲

آئین کهن که کهنه نمی شود

نوروز قدمتی چند هزار ساله دارد، پیشینه ای کهن تر از کیش زردشت و ریشه ای ژرف تر از تاریخ مدون ما، در اعماق ناشناخته اساطیر.

آئینی است کهن که کهنه نمی شود. و پس از چند هزار سال، به رغم تکفیر هزار و چند صد ساله، همچنان سرسبز و تناور، بر جای مانده است. ضایعات یورش اعراب به ایران جبران ناپذیر بود، ویرانی شهرها، کشتار و غارت مردم، کتابسوزان های دردناک و دریغ انگیز. در پی این تهاجم، عرصه بر آئین ها و باورهای مردم نیز تنگ شد. ایرانیان، در سده های یکم و دوم هجری، بویژه در دوران خلافت بنی امیه، ناگزیر بودند - در صورت حفظ معتقدات دینی شان - جزیه ای سنگین بپردازند. خلفای بنی امیه البته، به تداوم غارت بیش از ترویج دین مایل بودند و به رغم تعصب عربی و تحقیر ایرانیان، بر مسلمان شدن مردم مغلوب چندان اصرار نداشتند، که مبادا در آمد دستگاه خلافت از محل جزیه کاهش یابد.

تداوم فشار اقتصادی ناشی از پرداخت جزیه، پایندی علنی به دین و آئین های پیشین را دشوار تر و گرایش به اسلام (نوع اسلام ایرانی شده) را تسهیل کرد. گرایشی که آمیزه ای از اسلام و باورهای ایرانیان بود. مبارزه مردم در حمایت از عباسیان و سرنگونی بنی امیه، جلوه ای آشکار از گرایش استقلال طلبانه ایرانیان علیه اسلام مبتنی بر تعصب عربی بود.

در عباسیان نیز این تعصب البته بر جای بود. اما نیاز آنان به ایرانیان در اداره امپراطوری اسلامی و نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت، بر این تعصب مهار می زد. با سلطه ترکان غزنوی بر ایران - که بویژه در عرصه شرع سرسپرده خلقای بغداد بودند - نقش ایرانیان در دستگاه خلافت تضعیف شد و تعصب عربی عباسیان فزونی گرفت. از سوی دیگر با تحکیم قدرت عباسیان و تقویت نفوذ فقهای حنبلی و مالکی، اسلام، بتدریج به دستگاه دینی مدون و جامد بدل شد. بدین ترتیب، دستگاه خلافت بغداد، از اواخر قرن چهارم هجری، کانون و گره گاه تعصب عربی و تعصب مذهبی شد.

آتش تنگ نظری و تعصب، دیگر باره دامن آئین های غیر اسلامی را گرفت. و آتش آوران این بار نه تنها اعراب که فقها و متشرعین ایرانی نیز بودند. امام محمد غزالی، مدرس نظامیه بغداد، در کتاب معروف "کیمیای سعادت"، بر ضرورت منسوخ شدن نوروز و سده فتوی می دهد و می گوید: "شمشیر و سپر جوین فروشند برای نوروز بوق سفالین برای سده. و از این چیزها بعضی حرام است و بعضی مکروه... نوروز باید که مندرس شود و کسی نام آن نبرد.

و برای آنکه منسوخ شود و نام آن بر زبان کسی نیاید، به تشبثات خام

ادامه در صفحه ۲

به یاد یاران شهید توماج، مختوم، جرجانی، واحدی

۱۵ سال از شهادت چهار تن از فرزندان صحرای شریف و آزاده توماج، عبدالحکیم مختوم، حسین جرجانی و طواق محمد واحدی گذشت. روزهای آخر بهمن ۵۸، این چهار تن در یک توطئه چنانکارانه روده شده و پس از شکنجه به طرز فجیعی به قتل رسیدند. کالبد بیجان آنان در حاشیه پارک جنگلی واقع در میان گنبد و گرگان کشف شد. طراحان این جنایت همان به قدرت برکشیدگان انقلاب مردم بودند که از همان فردای به قدرت رسیدن، آرزوهای انسانی و آزادخواهانه ملت را زیر کوه آواری از دهشت و مرگ مدفون ساختند. اینان پایه های قدرت خود را اینچنین محکم کردند. در این ۱۶ سال نیز فقط به زور شلاق و نیزه و گلوله حکومت کرده اند.

شمرزبیره یاد این چهار انسان مبارز و محبوب مردم خویش، در روزهای نخست اسفند ۵۸ در ویژه نامه "کار" چاپ شده بود. یادشان گرمی باد.

آماج تیرهای فراوان شد، توماج

آری
آماج تیرهای فراوان شدند
رزندگان خلق
در موسم ترانه و گل چیدن
در روزهای فصل شکفتن
در لحظه ای که جنبش "شوراها"
می رفت تا حماسه مردم را
پربارتر کند
وقتی سرود سرخ فدائی
یا جان جرجانی و مختوم
یا هستی مبارک توماج،
با طواق
پیوند عاشقانه ای می بندد
بر آسمان آبی گنبد
نامی بزرگ می گذرد، از عشق
نام عزیز "شورا"

قلب جوان دشت
با سر نوشت روشن و خوینش -
می داند
بی نام عاشقان وطن، این بار
گنند نمی تواند
راه بلند و سرخ شکفتن را -

"تایماز"
اسطوره شهادت توماج
از مرزبستانی تاریخ درگذشت
بر مادرت، عروس عروسان،
بر خوان
آواز و سفتی گندم را

آری
آماج تیرهای فراوان شد
توماج

"توهین" به خامنه ای، علت اصلی تعطیل روزنامه ی جهان اسلام

سردبیر جهان اسلام: پیش از تشکیل جلسه هیئت نظارت، از انتشار روزنامه جلوگیری کردند

است که شاید وجود روزنامه ای با طرح انتقادها زمینه ای باشد برای طرح سؤالات مهم تری از مسئولان، به ذائقه ی عده ای خوش نیايد. روزنامه ی سلام و بسیاری از خوانندگان آن روزنامه در تماس تلفنی با آن که در ستون الوسلام چاپ می گردد کارزاری حقوقی را برای بررسی این مسئله و پیشگیری از تعطیل احتمالی روزنامه ی سلام به بهانه های مشابه آغاز کرده اند. این روزنامه ضمن درج مقاله ای از عباس عبدی که ماه ها پیش در ارتباط با تعطیل نشریه ی حوادث نوشته شده، اما به خاطر مصلحت اندیشی هایی چاپ نشده بود، هیئت نظارت را فاقد حق لغو امتیاز نشریات بر مبنای قانون مطبوعات دانسته است. گردانندگان روزنامه ی سلام معتقدند که هیئت نظارت طبق ماده ی ۱۲ این قانون لازم است موارد خطا را به دادگاه متعین کند و دادگاه با حضور متهم در دادگاه هیئت منصفه حکم لازم را صادر کند که این ضوابط در مورد روزنامه ی جهان اسلام رعایت نشده است.

درد؟
ظاهراً آنچه خشم سردمداران رژیم را برانگیخته و آنان را به اقدام عاجل تعطیل روزنامه ی جهان اسلام واداشته است، تشبیه تلویحی خامنه ای به دابی جان ناپلشون، شخصیت اصلی رمانی از ایرج پزشک زاد به همین نام می باشد. قهرمان پارونوید این رمان که از آن در گذشته سریال تلویزیونی هم تهیه شده است، هذیان گونه خود را در معرض توطئه های حکومت انگلیس می دید. امری که موجب تفریح و احیاناً بهره برداری اطرافیان وی از این مسئله شده بود. چنین اقدامی از جانب روزنامه ی جهان اسلام سبب شد که دست اندرکاران حکومتی با عجله و بدون طی مراحل مورد نیاز قانونی جلوی انتشار این روزنامه را بگیرند.

هادی خامنه ای مدیر مسئول روزنامه ی جهان اسلام در ارتباط با روند غیرقانونی تعطیل روزنامه دریک مصاحبه ی مطبوعاتی اعلام کرد که معاون مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک روز قبل از تشکیل جلسه هیئت نظارت بر مطبوعات، به چاپخانه اعلام می کند که از انتشار و عرضه ی روزنامه ی جهان اسلام خودداری کنند و در جلسه ی روز بعد هیئت نظارت، تصمیم از قبل گرفته و اجرا شده، به نام آن هیئت صادر گردید بدون آنکه مشخص شود که ابلاغ روز قبل مستند به دستور کدام مرجع بوده است. هادی خامنه ای در مورد انگیزه ی تعطیل روزنامه گفت یکی از دلایل نزدیک شدن زمان انتخابات مجلس ریاست جمهوری

به رغم گذشت چند هفته از تعطیل روزنامه ی جهان اسلام توسط هیئت نظارت بر مطبوعات و لغو امتیاز آن برای همیشه، بحث پیرامون علل این اقدام و شیوه ی آن در مطبوعات کشور جریان دارد. اشعری معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی در توجیه علت لغو امتیاز نشریه تلاش نمود گناه بیرونی تظاهرات ۲۲ بهمن را به گردن روزنامه ی جهان اسلام با وجود تیراژ اندکش بیاندازد. وی گفت در حالیکه مردم ما علی رغم تبلیغات گسترده ی استخبار جهانی می رفتند تا با حضور چشمگیر خود در یوم الله ۲۲ بهمن با دیگر خاطره ی روزهای پیروزی انقلاب رازنده کنند و بانمایش یکپارچه ی قدرت و حمایت از مسئولین نظام مشتم محکمی به دهان پیاوه سرایان و بداندیشان انقلاب بزنند، متأسفانه این روزنامه با درج مطالبی توهین آمیز نسبت به مسئولین نظام تلاش در خدشه دار کردن ذهن مردم نسبت به ایشان را داشت. وی در جای دیگر مشخص تر نشان می دهد که منظور از "ایشان" کسی جز خامنه ای رهبر رژیم جمهوری اسلامی نیست. اومی گوید: "وقتی رهبر معظم انقلاب در خطبه های اولین نماز جمعه ی ماه مبارک رمضان به طور مفصل و مستدل و تاریخی راجع به سیاست های استخباری آمریکا و انگلیس سخنرانی می فرمایند، مواضع نشریات ما بخصوص روزنامه ها چگونه باید باشد؟ آیا استفاده از شگردهای زورنالیستی و چاپ مطالبی سخیف در کنار آن بیانات که به طور سمبولیک به آن بیانات طعنه بزنند، چه معنایی

'کیهان هوایی: رفسنجانی سوء استفاده می کند

مراسم ۲۲ بهمن امسال گرچه رونق و گستردگی خاصی نداشت، لیکن رفسنجانی کوشید آن را نشانه ای از حمایت مردم از برنامه های دولت تلقی کند. این اقدام خشم کیهان هوایی را که خود را مخالفان سیاست های رفسنجانی می شناسد برانگیخته است. نشریه مزبور در شماره ۱۱۰ اسفند خود عملاً رفسنجانی را فاقد پایگاه مردمی دانسته و می نویسد: "موقعیت دولت و پیامد سیاست های اتخاذ شده توسط هیئت دولت طی سالیهای اخیر، شخص رئیس جمهوری را بیش از هر زمان دیگری نیازمند کسب مشروعیت و حمایت مردمی و سیاسی کرده است. تا زمانی که رئیس جمهوری خود، دولت و سیاست های رادرموقعیت خاصی نمی دید، خود را نیازمند برخورداری از چنین حمایت هایی نمی دانست. اکنون که ایشان با دیدگاه راهپیمایان نسبت به وضع موجود آشنا شده و نسبت به عملکرد دولت خویش نگران است می گوید... با بهره گیری از حضور گسترده (!) مردم آن رانشانه حمایت از اقدامات دولت و نظر مساعد نسبت به سیاست های دولت اعلام کنند."

حمله وزیر دفاع فرانسه به جمهوری اسلامی

دهند، و ایران زبرداری نیز خریدار است. وزیر دفاع فرانسه افزود مقاصد جمهوری اسلامی، عراق و لیبی می تواند به بی ثبات شدن منطقه بیانجامد، و خاطر نشان کرد تهران همچنان از انقلاب اسلامی سخن می گوید و به تروریسم کمک می کند.

وزیر دفاع فرانسه گفت جمهوری اسلامی، عراق و لیبی به دنبال دستیابی به سلاح های نابودی جمعی اند و می خواهند با داشتن سلاح های استراتژیک، به قدرت های منطقه ای قادر به ایجاد بی ثباتی تبدیل شوند. به گفته لئونار، هر سه کشور می خواهند شمار موشک های دوربرد خود را افزایش

فرانسوا لئونار وزیر دفاع فرانسه در سخنانی که روز ۳۰ بهمن در کنفرانسی در پاریس ایراد کرد، جمهوری اسلامی، عراق و لیبی را متهم نمود که عوامل اصلی بی ثباتی در منطقه خاورمیانه و مدیترانه اند. لئونار همچنین از سوریه به خاطر اینکه خود را قیم لبنان می داند، انتقاد کرد.

افزایش بی وقفه قیمت...

بکاهد و بر نرخ آن بیفزاید. **نرخ مکالمه هر پالس تلفن ۱۷ ریال می شود** به پیشنهاد شرکت مخابرات و با تصویب شورای عالی اقتصاد از سال ۷۴ نرخ مکالمه هر پالس تلفن (۳ دقیقه) از ۱۰ ریال به ۱۷ ریال افزایش خواهد یافت. بر اساس این مصوبه از هر مشترک در هر سه دقیقه ۱۲ ریال بابت مکالمه و ۵ ریال بابت هزینه توسعه دریافت خواهد شد. ۱۷ ریال نرخ مکالمه در شبکه های مسکونی است و بر نرخ شبکه های اداری و تجاری هزینه های مصوب سال گذشته افزوده می شود. قرار است به زودی نرخ تلفن های سیار نیز افزایش یابند. طبق بودجه سال ۷۳ قرار بود نرخ هر پالس مکالمه ۱۰ ریال باشد، ماهها پس از تصویب بودجه معلوم شد که وزارت پست، تلگراف و تلفن به جای ۱۰ ریال ۱۲ ریال برای هر پالس مکالمه از مردم گرفته است. در پی اعتراض مردم مجلس از دولت خواست که نرخ پالس را از اول سال ۷۳ بر مبنای ۱۰ ریال محاسبه کند و اضافه دریافتی ها را که از این بابت طی چندین ماه اخذ کرده بود، به تدریج و از آذرماه سال جاری به مردم بازگرداند و در فیش های تلفن منظور کند. اضافه دریافت دولت از مردم بیشتر از ۵ میلیارد تومان است. دولت نه تنها پول مردم را باز پس نداد بلکه قیمت مکالمه تلفنی را به ۱۷ ریال رساند. دولت از یک سو هر چه را که می تواند گران می کند و از سوی دیگر با هر وسیله ای که در دست دارد

در باره افزایش قیمت بلیط اتوبوسهای شرکت واحد روزنامه سلام به نقل از خوانندگان خود نوشته است: "دولت قیمت های اکثر اجناس را افزایش داده و از جمله بلیط اتوبوسهای شرکت واحد که ۱۰ ریال بود یکدفعه ۱۰۰ ریال کرده است و شایعه است که ۲۰۰ ریال کند." و این تازه پیش درآمد گرانی های بیشتر در سال نواست.

تومان، سبب زمینی ۸۰ تومان، لیمو شیرین ۱۴۰ تومان. صعود قیمت آجیل و شیرینی سربله فلک می زند و صعود قیمت ها همچنان ادامه دارد. **افزایش قیمت بلیط ها** افزایش قیمت بلیط اتوبوس میلیونها مسافر نوروزی را غافلگیر کرد. رئیس سازمان حمل و نقل و پابانه های کشور روز سه شنبه ۱۹ اسفند در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد "قیمت بلیط اتوبوس در ایام نوروز ۷۴ افزایش خواهد یافت. وی از میزان دقیق افزایش قیمت بلیط اتوبوس اظهار بی اطلاعی کرد و افزود: قیمت بلیط در مسیرهای مختلف متنوعاً اعلام خواهد شد. از روز جمعه ۱۲ اسفند بلیط ها پیش فروش شدند. کسانی که کارت شناسایی معتبر همراه نداشتند به تصمیم نیروهای انتظامی از فروش بلیط به آنها خودداری شد. اجتماع مردم در مراکز فروش بلیط اتوبوس ها نشانگر آن بود که نتوانسته اند بلیط تهیه کنند و به موقع به مقصد تعطیلات نوروزی نخواهند رسید. بهای بلیط پروازهای داخلی نیز در آستانه نوروز بار دیگر ۵ درصد افزایش یافت. در ایام نوروز ۷۳ بیش از ۱۹ میلیون نفر در ایام عید در سراسر کشور جابجا شدند طبق برآورد سازمان حمل و نقل کشور امسال ۳۰ درصد به مسافران نوروزی افزوده خواهد شد. قیمت های اضافی از چه زمانی روال عادی خواهد یافت روشن نیست. تجربه نشان می دهد که قیمت ها به هر بهانه ای که ترقی یافته اند دیگر تنزل نکرده اند.

ادامه از صفحه ۱
بزرگداشت نوروز پدید آمده است. هر چه این مراسم کهن ملی باشکوه تر برگزار شود، اعتراض آشکار تر به حکومتی است که درد شمنی با سنت های کهن مردم ما سابقه ای طولانی دارد. اما مردم در هر قدم برای تدارک نوروز با سد ستر گرانی و بر و همتند. امروز دیگر نه اخم و تخم سران رژیم به نوروز و نه بسیج پاسداران نشان، که غول گرانی مانتع اصلی مردم در برگزاری آیین های نوروزی است. گرانی که همچون غولی از شیشه رها شده است. با نزدیک شدن شب عید، بهای بسیاری از کالا های اساسی و مورد نیاز مردم در تهران و شهرستانها به میزان زیادی افزایش یافته است. **قیمت مواد غذائی دو برابر شد** گزارش ها حاکی است که در آستانه عید و روزهای پایانی سال ۷۳ قیمت کالا های مصرفی به شدت افزایش یافت و برخی کالاها کمیاب شدند. افزایش قیمت چای، روغن، کره، پنیر، گوشت، میوه و مرکبات بی سابقه بود. قیمت چای از ۴۰۰ تومان به ۵۵۰ تومان رسید و در فروشگاه های سپه، شهروستا و اتکانا باب شد. عرضه روغن نباتی در برخی فروشگاهها به صورت محدود بود. قیمت گوشت قرمز به ۸۰۰ تا ۸۵۰ تومان و هر شانه تخم مرغ به ۴۰۰ تومان افزایش یافت. علی رغم توزیع میوه و مرکبات در میادین گرانی قیمت آنها سرسام آور بود. سبب قرمز هر کیلو ۱۴۰ تا ۱۸۰ تومان، نارنگی ۱۲۰ تومان، پرتقال ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان، سیبزی ۱۰۰

فروش تکنولوژی هسته‌ای

وسيله‌ای برای اهداف استراتژیک مسکو و واشنگتن

در حالی که آمریکا تلاش می‌کند روسیه را از اجرای قرارداد تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر بازدارد، مسکو اعلام کرد قصد دارد به همکاری هسته‌ای خود با تهران ادامه دهد و دو کشور در آینده نزدیک قرارداد تازه‌ای را امضا خواهند کرد.

بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت نیروی روسیه، هدف مسکو از قرارداد جدید احداث ۳ راکتور هسته‌ای دیگر در بوشهر است. بنا بر اظهارات وی طرفین برای ایجاد یک کارخانه شیرین کردن آب دریا از طریق یک راکتور توافق کرده‌اند.

آمریکا تا کنون در تلاش‌های خود برای جلوگیری از همکاری هسته‌ای میان روسیه و جمهوری اسلامی به اهدافش دست نیافته است. عدم توفیق دولت کلینتون به متقاعد ساختن مسکو به قطع همکاری با جمهوری اسلامی باعث شده است که در مجلس سنا و کنگره آمریکا نمایندگان این کشور از دولت بخواهند بر تلاش‌های خود بیفزاید و در صورت لزوم پرداخت کمک مالی به مسکو قطع کند. مبلغی که قرار است در صورت تصویب کنگره به عنوان کمک مالی به روسیه اعطا شود ۲۶۹ میلیون دلار است.

رئیس کنگره آمریکا از حزب جمهوریخواه، روز چهارشنبه سوم اسفند در مصاحبه با روزنامه واشنگتن تایمز تاکید کرد: دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای برای آمریکا غیرقابل تحمل است و در صورت ادامه همکاری هسته‌ای روسیه با جمهوری اسلامی باید کمک‌های آمریکا به روسیه قطع شود.

همزمان با اظهارات رئیس کنگره آمریکا، معاون وزیر خارجه آمریکا با مدافع همتای روسی خود در واشنگتن ملاقات کرد و به او یاد آورد که کاخ سفید همچنان خواهان پایان دادن به فروش

آمریکای مدعی است که جمهوری اسلامی قادر است با پلوتونیوم حاصل بمب اتمی بسازد و کنترل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی مانع عمده‌ای جهت دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای نخواهد بود. اما مقامات روسیه می‌گویند این

کارآموز مریگری انتخاب شد. مری ۶۵ ساله تیم ملی ایران پیش از این نیز یکبار مسئولیت تیم ملی فوتبال ایران را در مسابقات جام ملت‌های آسیا در کویت که همزمان با آغاز جنگ بین ایران و عراق برگزار شد، عهده‌دار بوده است. در مسابقات، کویت ایران به مقام سوم آسیا دست یافت. او قبلاً نیز پلوتونیوم اتمی را در عراق به مقام سوم آسیا دست یافت. تیم آرارات تهران بود. بهمین صالح نیا، هم‌اکنون شاهرخی و جلال چراغپور به عنوان دستیاران وی و مریبان تیم‌های ملی امید و بزرگسالان ایران منصوب شدند.

حسن حبیبی از سوی فدراسیون فوتبال به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال انتخاب شد. او سال‌های متعددی سمت کاپیتان تیم ملی و پاس تهران را بعهده داشت. تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۹۶۸ با کاپیتان وی به مقام اول جام ملت‌های آسیا دست یافت. حبیبی پس از خداحافظی از فوتبال به‌عنوان بازیکن فعالیت خود را در مقام مربی ادامه داد و با تیم پاس تهران دوبار قهرمان ایران شد. در اوایل دهه ۵۰ حبیبی در کلاس‌های مریگری که زیر نظر دتمار کرامر مربی سرشناس آلمانی اداره می‌شد به‌عنوان بهترین

ولایتی: با حامیان رشدی رابطه عادی نخواهیم داشت

در حالی که وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌کوشد در خارج از ایران به طرف‌های صحبت غربی خود القا کند فتوای قتل سلمان رشدی "کاری است که شده" و از دست دیپلمات‌های "متمدن" حکومت آخوندی دیگر کاری ساخته نیست، علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برخی رسانه‌های غربی او را به عنوان "میانه رو" و "معتدل" می‌نامند، هفته گذشته اظهاراتی داشت که بهتر است طرف‌های گفتگوی او قبل از اینکه با او سر یک میز بنشینند، آن را بخوانند.

ولایتی که در مصاحبه با روزنامه "ایران" ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی سخن می‌گفت، اظهار داشت حمایت کشورهای غربی از سلمان رشدی، در کشورهای اسلامی به "انزجار" از غرب دامن می‌زند و چشم انداز روابط دوستانه این کشورها با غرب را تخریب می‌کند. این سخنان ولایتی در پاسخ به موضوع گیری داگلاس هرد وزیر خارجه بریتانیا بود که گفته است تا وقتی جمهوری اسلامی از تغییر رویه خود در مورد رشدی سرباز می‌زند، لندن روابط خود را با تهران عادی نخواهد کرد. در مقابل این سخنان، ولایتی گفت عکس قضیه نیز صادق است، و جمهوری اسلامی هرگز به کشوری که از اذیت کننده به اسلام حمایت کند، روی نخواهد آورد.

وی افزود حامیان رشدی فرصت بهبود روابط را نه تنها با جمهوری اسلامی، بلکه با سایر کشورهای اسلامی از دست خواهند داد.

مسکو، مطبوعات روسیه با استناد به تناقض سیاست خارجی آمریکا نوشتند که واشنگتن بر خلاف جنجال تبلیغاتی صلح طلبانه اش نگران توسعه سلاح‌های هسته‌ای نیست و هدف آن جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه در ایران است.

ستاره سرخ روزنامه چاپ مسکو نوشت: آمریکا همیشه منافع خود را در ایران مد نظر داشته و همچنان به عنوان یک ذخیره به آن می‌نگرد. این کشور حضور خود را در این منطقه، یک امر عادی دانسته و به روسیه اجازه نمی‌دهد که حتی تمایل به نفوذ در آنجا داشته باشد.

"ایزوستیا" و "ستاره سرخ" صراحتاً نوشتند که هدف طرفین حضور و احیای نفوذ گذشته است و فروش و عدم فروش تکنولوژی هسته‌ای وسیله‌ای برای دستیابی مسکو و واشنگتن به این هدف می‌باشد.

سخنگوی وزارت انرژی اتمی روسیه در گفتگو با خبرنگار "اینتارناس" درباره علت اظهارات آمریکا بر قطع همکاری هسته‌ای روسیه با جمهوری اسلامی گفت: آنها بلافاصله پس از لغو قرارداد ایران و روسیه همانگونه که در مورد

رویدادهای ورزشی

خبرهای کوتاه

مشکینی مجدداً به ریاست خبرگان انتخاب شد

روزیکنشبه ۱۲ اسفند مجلس خبرگان در قم تشکیل جلسه داد. در این جلسه آیت‌الله مشکینی مجدداً به عنوان رئیس مجلس خبرگان انتخاب شد. هاشمی رفسنجانی به هنگام انتخاب مشکینی در جلسه حضور داشت. در کشمکش بر سر جانشین از اکی، آیت‌الله مشکینی مدافع مرجعیت خامنه‌ای بود.

هفته‌نامه "صبح" منتشر شد

بر شمار مطبوعات رسمی ایران، هفته‌نامه تازه‌ای افزوده شد. هفته‌نامه جدید "صبح" نام دارد و مسئولیت آن بر عهده مهدی نصیری، مسئول پیشین روزنامه کیهان چاپ تهران است. نخستین شماره "صبح" روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۷۴ چاپ خواهد شد. "صبح" یک هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. در سز مقاله پیش شماره هفته‌نامه "صبح" یادآوری شده است که رسالت "صبح" پاسداشت از آرمان‌های است که ریشه در اعماق فرهنگ، تاریخ و دین دارند. مهدی نصیری در دوران مسئولیت خود در روزنامه کیهان، این روزنامه را به ارگان فعال مخالفت با هر دگراندیشی بدل ساخت.

محا کمه ۳ تن به اتهام ترور کشیش میکائیلیان

روابط عمومی دادگاه انقلاب اسلامی اعلام کرد سه تن به نام‌های فرحناز انامی، مریم شهبازپور و بتول وافر روز چهارشنبه ۲۴ اسفند محا کمه خواهند شد. دادگاه انقلاب اسلامی می‌خواهد این سه تن را به اتهام ترور کشیش میکائیلیان و بمب گذاری در مشهد و قبر خمینی محا کمه کند. در گزارش سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران جمهوری اسلامی مسئول قتل کشیش میکائیلیان توصیف شده است.

استعفای آیت‌الله گیلانی از شورای نگهبان

آیت‌الله محمدی گیلانی با ارسال نامه‌ای به خامنه‌ای از عضویت در شورای نگهبان استعفا داد. به جای گیلانی، آیت‌الله محمود هاشمی منصوب شد. آیت‌الله گیلانی هنوز ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده دارد. وی از انتخاب آیت‌الله منتظری به عنوان مرجع تقلید شیعیان حمایت کرده بود.

خودکشی و کیل داد گستری

دکتر لطیف زاهدی قاضی پیشین و وکیل پایه یک داد گستری هفته گذشته خود را از طبقه هشتم کانون وکلا به زیرانداخت وجان سپرد. به نوشته روزنامه سلام، تنها روزنامه‌ای که خبر این خودکشی را در شماره روزشنبه خود منعکس کرده زاهدی هنگامی که با رد تقاضای تمدید وکالت خود مواجه شد، دست به خودکشی زد. سلام می‌نویسد کانون وکلا به دلایل سیاسی از تمدید پروانه وکالت زاهدی سرباز زده بود. در گزارش‌های غیر رسمی گفته می‌شود، پس زاهدی به دلایل سیاسی اعدام شده و دخترش نیز چند سالی را در زندان جمهوری اسلامی گذرانده است.

مراسم یادبود دکتر لطیف زاهدی روز یکشنبه ۲۱ اسفند در مسجد الجواد تهران برگزار گردید که چندین هزار نفر از جمله شمار زیادی از وکلای داد گستری در آن شرکت داشتند.

۱۳ تن نماز گزار کشته شدند

۱۳ تن از نماز گزاران در مصلاهی نماز جمعه رشت جان خود را از دست دادند و ۲۶ تن دیگر زخمی شدند. به نوشته روزنامه‌های کشور بر اثر اتصال سیم برق در طبقه دوم ساختمان، یک لامپ گازی ترکیده و خانم‌هایی که در این طبقه مستقر بودند، به تصوراتی که یک بمب منفجر شده است، به سمت درهای خروجی هجوم بردند که ۱۳ تن بر اثر سقوط از پلکان و فشار جمعیت جان باختند. در این حادثه اسفبار ۱۲ زن و یک کودک کشته شدند.

۶ دانش آموز بر اثر آتش سوزی کشته شدند

شش تن از دانش آموزان یک مدرسه دخترانه بر اثر آتش سوزی جان خود را از دست دادند. آتش سوزی به علت واژگون شدن بخاری نفتی در دبستان غیرانتفاعی دخترانه "سوده" بوقوع پیوست. این دبستان در یک ساختمان دو طبقه واقع بود و بخاطر چوبی بودن سقف، قسمت عمده آن در آتش سوخت. این دانش آموزان در کلاس پنجم مشغول تحصیل بودند. با وجود اینکه مدارس غیرانتفاعی پول‌های کلان به‌عنوان شهریه از والدین دانش آموزان دریافت می‌کنند، ولی از امکانات لازم برخوردار نیستند. سوختن شش تن از دانش آموزان در آتش، نشانه‌ای از بی مسئولیتی وزارت آموزش در اعطای امتیاز به این دسته از مدارس است. تاکنون حوادث مشابه زیادی رخ داده است. چند بار اتوبوس حامل دانش آموزان تصادف و یا سقوط کرده و عده‌ای از دانش آموزان کشته شده‌اند.

بررسی علل شیوع سرطان در استان مازندران

رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی مازندران اعلام کرد که میزان شیوع سرطان مری و معده در شرق مازندران ۲۰ برابر میزان متوسط آن در دنیا و ایران است. به گفته وی بر اساس آمار بین‌المللی میزان این نوع سرطان در دنیا و ایران ۱۰ درصد هزار است در حالیکه این رقم در شرق مازندران حدود ۲۰ درصد هزار می‌باشد. وی شرایط اقلیمی، خاک و آب و زمینه‌های خانوادگی و ژنتیکی را از جمله عوامل شیوع سرطان مری و معده در این منطقه مطرح کرد و گفت که تحقیق برای بررسی علل شیوع این بیماری در استان مازندران آغاز خواهد شد.

غیبت برادران خادم در مسابقات کشتی آزاد جهان

نیمه فروردین سال ۷۴ مسابقات کشتی آزاد جهان در آمریکا برگزار می‌شود. برای شرکت در مسابقات کشتی آزاد ۳۲ کشتی‌گیر به اردوی آمادگی که در ورزشگاه آزادی برگزار می‌شود، دعوت شده‌اند. در جعب کشتی‌گیران امیررضا خادم و رسول

کاپیتان تیم ملی کشتی آزاد ایران است. روزنامه اطلاعات علت عدم حضور برادران خادم را به نقل از محمدرضا طالقانی، عدم آمادگی وی و آسیب دیدگی رسول خادم توصیف کرد.

کشتی‌گیران فرنگی ایران در بلغارستان دوم شدند

۳۳ مدال طلا و یک نقره حاصل بیکار کشتی‌گیران ایران در جام نیکا پتروف در بلغارستان بود. کشتی‌گیران ایران در این مسابقات در رده بندی پایانی در مقام دوم جای گرفتند.

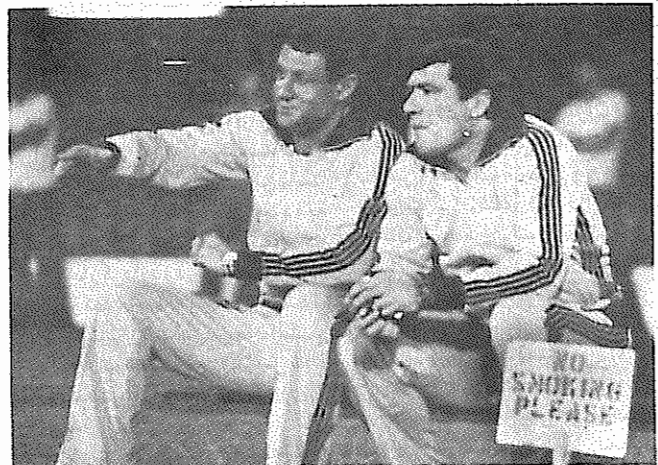
در وزن ۴۸ کیلوگرم محسن سوریان، ۵۲ کیلوگرم حمید صمدی و ۱۰۰ کیلوگرم ایوب نامرادی مدال طلا کسب کردند. محسن نادری خرم به مدال نقره دست یافت.

کره جنوبی و ژاپن

کاندیدای میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲

در ژوئن سال ۱۹۹۶ (خرداد ۷۵) کشور میزبان جام جهانی ۲۰۰۲ را اعلام خواهد کرد. مکزیک یکی دیگر از رقبای کره جنوبی برای میزبانی جام جهانی فوتبال آینده است.

کره جنوبی طی درخواستی از فیفا به طور رسمی نامزدی خود را برای میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲ اعلام کرده است. در این میان کاپیتان ژاپن به طور رسمی میزبانی جام جهانی ۲۰۰۲ در این کشور را به تصویب رساند. کمیته اجرایی فیفا



حسن حبیبی و هما یون شاهرخی

قرارداد یک میلیارد دلاری جمهوری اسلامی

بایک شرکت نفتی آمریکایی

● تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر بستن قرارداد با آمریکایی ها، یک تصمیم سیاسی است

● یک سناتور جمهوریخواه اعلام کرد دست اندرکار تدوین قانونی بمنظور جلوگیری از همکاریها با جمهوری اسلامی است

انتقاد دولت آمریکا

یک روز پس از اعلام خبر توافق ایران و کونوکو، کاخ سفید واکنش از این قرارداد به عنوان امری که به پیشبرد سیاست آمریکا کمک نمی کند نام برد. در همین حال رئیس یکی از کمیته های سنای ایالات متحده گفت دست اندرکار تدوین قانونی مبنی بر منع چنین همکاری هایی با جمهوری اسلامی است. سخنگوی رئیس جمهوری آمریکا اظهار داشت طبق قوانین موجود این کشور، اما افزود این قرارداد مغایر با اصول سیاست ایالات متحده در قبال ایران است که مضمون آن را اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای تغییر رفتار در عرصه بین المللی تشکیل می دهد.

آلفونس داماتو سناتور جمهوریخواه ایالت نیویورک، قرارداد نفتی اخیرا شدید تر مورد انتقاد قرار داد و گفت کمیته امر مالی

در حالی که دولت آمریکا برای محدود کردن مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و ژاپن به این کشورها فشار وارد می آورد، هفته گذشته اعلام شد شرکت نفتی آمریکایی کونوکو که متعلق به کمپانی بزرگ دوپون است، با شرکت نفت ایران یک قرارداد یک میلیارد دلاری برای انجام عملیات اکتشاف و استخراج نفت فلات قاره در خلیج فارس بسته است. این نخستین بار است که جمهوری اسلامی، بهره برداری از منابع نفتی ایران را به یک شرکت خارجی می سپارد. منطقه ای که کونوکو در آن فعالیت خواهد کرد، جزیره سیری است. کارشناسان نفت در آمریکا انعقاد قرارداد اخیر را از دو جهت حائز اهمیت ارزیابی کردند: نخست از این لحاظ که این توافق علیرغم تشدید رویارویی سیاسی دو کشور حاصل شده، دوم اینکه ممکن است این تنها آغازی برای بستن قراردادهای مشابه بین جمهوری اسلامی و شرکت های بین المللی نفتی برای یافتن منابع جدید نفتی ایران باشد. یک کارشناس آمریکایی گفته است تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر بستن قرارداد با آمریکایی ها، یک تصمیم سیاسی است که هدف آن، نشان دادن چشم انداز مناسبات اقتصادی در شرایطی است که شاخص های سیاسی، ظاهراً در راستای چنین مناسباتی نیستند. به لحاظ فنی، انگیزه عملیات

سقوط ارزش دلار و بحران در بازارهای مالی

ارزش برابری دلار در برابر دیگر ارزهای معتبر جهان هفته گذشته به نحو فاجحی سقوط کرد و به پایین ترین میزان خود در ظرف دهه های اخیر رسید. به نظر کارشناسان اقتصادی این امر دلایل چندگانه ای دارد. بحران اقتصادی و سقوط فاحش پول ملی مکزیک یعنی کشوری که در مجاورت آمریکا واقع شده و به لحاظ اقتصادی پیوندهای تنگاتنگی با آن دارد در هفته های گذشته دولت واشنگتن را وادار ساخت که برای پیشگیری از سرایت این بحران به اقتصاد آمریکا با یک کمک ۲۰ میلیارد دلاری در جهت حل بحران مکزیک اقدام کند و بدینسان ارزی خود متحمل شود. از دیگر سروس دولت آمریکا از رهگذر سیاست های نولیبرالی دوران ریگان و بوش مقروض ترین دولت جهان به شمار می رود، امری که به نوبه خود به ضعف دلار کمک می کند. زلزله اخیر در کوبه ژاپن و خروج بخشی از ذخیره های این کشور از بانکهای آمریکا برای بازسازی منطقه یاد شده نیز نوسانات مشخصی را در سامانه بانکی آمریکا و مالاً تشدید کاهش ارزش دلار پدید آورده است. با اینهمه بنظر می رسد که دولت آمریکا چندان هم از سقوط ارزش دلار ناراضی نبوده است، زیرا چنین روندی تا میزان مشخصی به ارزان شدن صادرات آمریکا در بازارهای جهانی منجر می شود و تقاضا برای

سنای آمریکا که اوریاست آن را بر عهده دارد، به زودی مذاکراتی را برای سخت تر کردن تحریم های آمریکا علیه ایران آغاز خواهد کرد. این سناتور آمریکایی گفت با توجه به خریدهای نفتی سالانه ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلاری شرکت های آمریکایی از ایران، از تحریم هایی که ایالات متحده به دنبال اشغال سفارت این کشور در تهران وضع کرد، چیزی بیش از یک مضحکه باقی نمانده است. طبق طرح پیشنهادی داماتو، دولت آمریکا باید هرگونه مبادله تجاری و مالی بین شرکت های آمریکایی و جمهوری اسلامی را به استثنای موارد کمک انسانی ممنوع کند.

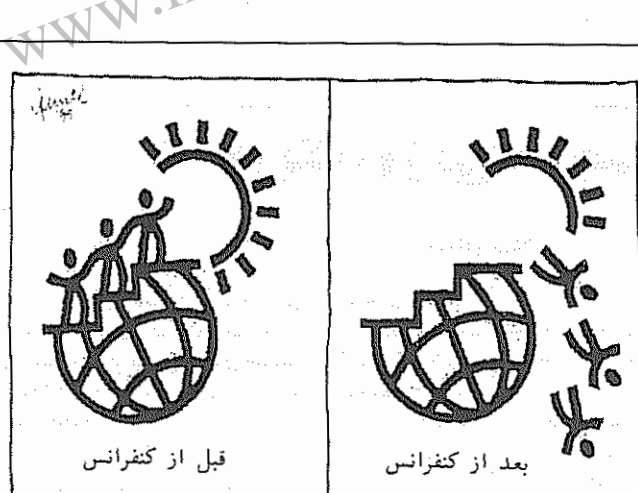
طبق آمار وزارت بازرگانی آمریکا، این کشور که سابقاً رهبر بازارها با علت داشتن رابطه اقتصادی با جمهوری اسلامی تحت فشار قرار می دهد، در سال ۱۹۹۳ به ارزش ۶۱۶ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرد. با اینکه طبق این آمار، واردات آمریکا از ایران صفر اعلام شده است، به گفته سناتور داماتو شرکت های آمریکایی حدود ۲۵ درصد تولید نفت ایران را می خرید، تصفیه می کنند و در خارج از آمریکا می فروشند. قرارداد نفتی ایران و کونوکو نیز که با شعبه هلند این شرکت بسته شده است، ظاهراً ورود نفت ایران به بازار نفت آمریکا را شامل نمی شود. شرکت کونوکومی گوید دولت کلینتون از قبل در جریان همه جزئیات قرارداد بوده است.

سیاست های اجتماعی اینک گامکان با فقر گسترده، ناآرامی و بی ثباتی اجتماعی مواجه اند. به سبب اختلاف نظرها کنفرانس نهایتاً قید الزام اجرای قرارداد ۲۰ به ۲۰ را لغو کرد و اقدام در راستای آن را به خواست داوطلبانه دولتها وانهاد. راست این است که به سبب الزامی نبودن مصوبات کنفرانس، آنها همچون توافق های سایر کنفرانس های سازمان ملل از پشتوانه حقوقی بی بهره اند و هیچ کشوری مقید به پایندی کامل به آنها نیست. از همین رو چه عملیاتی کنفرانس و چه برنامه های عملی برای رفع فقر و بیکاری و در راستای اعطای حقوق بیشتر به زنان تصویب نمود، کمک چندانی به حل مشکلات عمده جهان معاصر نخواهند کرد.

نگاهی به کنفرانس های قبلی سازمان ملل نیز نشان می دهد که فقدان مبانی حقوقی و ضمانت های عملی برای اجرای مصوبات، موجب فراموشی آنها و ادامه یافتن همان روندها و شرایط پیشین شده است. به دیگر سخن، ۴۰ سال پس از کنفرانس ریو تخریب محیط زیست در همان ابعاد سابق ادامه دارد، دو سال پس از کنفرانس حقوق بشر، این حقوق کماکان در بسیاری از کشورها و از جمله در کشور خودمان و یاد ترکیه و عربستان که بیشترین پیوندها را با اروپا و آمریکا دارند به شدت ترین وجه پایمال می شوند و از تأثیر توافق های کنفرانس جهانی جمعیت هم هنوز نشانه ای پدیدار نیست. اما مهم اینکه این کنفرانس ها دشواری ها و مشکلات اصلی جهان معاصر را گهگاه عمده و برجسته می کنند و بیشتر به راه درنگ و تلاش در راه رفع آنها فراموش خوانند و نیز این واقعیت که اسناد آنها قسماً دستمایه قوی تری برای کوشندگان راه عدالت و آزادی فراهم می آورد مهم و قابل اعتنا هستند و از همین رو نباید آنها را کاملاً خنثی و بی ارزش تلقی کرد.

اجلاس جهانی درباره امور اجتماعی (۱۱۵ اسفند تا ۱۲۱ اسفند / ۱۲ تا ۱۳ مارس)

اعلام مشکلات آشکار یا تلاش برای رفع آنها؟



گیرنده است از دیگر خواست های این کشورهاست. نکته دیگر مورد اختلاف تا کید کشورهای جنوب بر لزوم پایبندی کشورهای غربی به قول و قرار بیست سال پیش خود مبنی بر اختصاص ۰/۷ درصد تولید ناخالص ملی خود برای کمک اقتصادی به کشورهای در حال توسعه است. در حال حاضر تنها نروژ، سوئد، دانمارک و هلند به این قول عمل میکنند. تلاش سایر کشورهای غربی آن بود که این مورد، از سند نهایی کنفرانس کاملاً حذف شود و به انجام این کار هم موفق شدند.

قرارداد بیست به بیست نیز در هر دو جنبه مخالفان عمده ای داشت و اختلاف نظر بر سر آن کماکان لا ینحل مانده است. بر طبق این قرارداد از یکسو کشورهای صنعتی باید بیست درصد کمک های اقتصادی خود به کشورهای جنوب را صرف طرح های اجتماعی و فقر زدایی کنند و خود کشورهای جنوب نیز باید ۲۰ درصد بودجه خود را به چنین طرح هایی اختصاص دهند. بسیاری

یکی دیگر از اثرات فاحش فقر و ناداری و بیسوادی تخریب محیط زیست است. در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا جنگلها به سرعت نابود می شوند برای اهالی کم درآمد به صورت سوخت مورد نیاز و یا چوب قابل فروش در آیند. در ایران امروز بر اثر فقر و ناآگاهی به گفته یکی از کارشناسان سازمان محیط زیست در هر ثانیه ۲۲۰ متر مربع جنگل و ۴۵۰ متر مربع از مراتع موجود روبه نابودی می رود که سیل های ویرانگر و افزایش بسامد زلزله از زیاده های آن است. در آن دسته از کشورهای در حال توسعه نیز که از رشد اقتصادی بالا بی بهره اند، محیط زیست به راحتی قربانی رشد شده است. به گونه ای که بسیاری از کارشناسان برای مثال چین را در آستانه فاجعه بزرگ زیست محیطی ارزیابی می کنند. شهرهای بزرگ کشورهای همچون اندونزی و کره جنوبی و تایوان که به بهره های آسیا مشهور شده اند نیز با مشکلات محیط زیستی بزرگ ابعادی مواجه اند و زندگی در برخی از آنها به سوی ناممکن سیر می کند. این سبب با طبیعت که در غرب نیز هنوز در ابعاد گسترده ادامه دارد به تغییر و تحولات شدید اقلیمی، طغیان سرکش رودخانه ها، تخریب اوزون جو و افزایش توالی و شدت زلزله ها انجامیده است.

سیل گسترده ای که همین چندی پیش بخشهایی از اروپا را به کام خود کشید و زلزله ای که ژاپن را با خسارات و ویرانی های بسیار روبرو ساخت را قسماً باید از زیاده همین بی اعتنایی به طبیعت و تخریب آن دانست، تخریبی که با فقر و ناآگاهی و بی آزر قربانی کردن همه چیز به پای رشد اقتصادی ناشی می شود.

نیاز به توافق ها و تصمیمات بین المللی

این مسائل دشوار در هم تنیده را دیگر تنها با سیاستها و تدابیر صرفاً ملی و منطقه ای نمی توان حل نمود و

محمد زهری در گذشت

محمد زهری از چهره های مطرح شعر امروز ایران و صداهای مؤثر آن در بعد از کودتای ۲۸ مرداد است که با نخستین کتابش "چیز به چه جامعه ادبی ایران معرفی می شود. اما چهره اصلی او در کتاب "گلاب" خود را به درستی می نمایاند و پس از آن در کتاب های "تمه"، "مشق در جیب"، "پیر ما گفت" و "شنامه" جا و مقام شایسته ای در شعر امروز ایران می یابد.

زهری در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در شهسوار یا به عرصه هستی گذاشت. از نخستین سالهای دبیرستان، عاطفه سیالش با دنیای شورانگیز شعریوندی خلاق می یابد. وی در مصاحبه ای که در سال ۴۸ با مجله "امید ایران" کرده است فرازهای زندگی هنری خود را بدین گونه باز می گوید: "بسیار به این دروآن دردم تا راه خود را با زیانم و به شعرو می آورد. نخستین شعرم در جهان نوجاب شد که در آن روزگار - سال ۱۳۲۹ - مجله ای دو هفته ای بود. در ذات خود، خصیصه نوجوانی داشتم از همین رو نیما را جستجو می کردم. ابتدا شعرهای "گلچین گیلانی" برای من حلاوت بیشتری داشت اما بعد ها نیما را از همه برتر دیدم. سالهاست بی هیچ ادعائی شاعرم. شعرم را به دست مردم می دهم بدین امید که مقبول افتد. در شعر به روزگار دراز با لا آمد. جهش در ذات من نیست. در زندگی هم همینطور. بهترین تفریح برایم گم شدن و حل شدن در انبوه خیابان است. ملاک و ضابطه هائی دارم که اگر عقلی نیست احساسی است. نه می خواهم چیزی را ثابت کنم و نه می خواهم چیزی را برایم ثابت کنند. حرفهای من در شعرهای من است، از آن رودخانه آب بردارید. روزوشم در تلاش آب و دانه می گذرد. بارها آرزوی داشتن دو گاو و مزرعه ای را داشتم. باری، محمد زهری، شاعر برجسته شعر به فردا، "مردی که با هر گریه می گریید و با هر خنده می خندید"، سرانجام روی در نقاب خاک کشید اما نام و شعرهای زلالش خود، "به فردا" ها پیوست.

به فردا

به گلگشت جوانان

یاد ما را زنده دارید ای رفیقان،
که ما در ظلمت شب،
زیر بال وحشی خفاش خون آشام،
نشان دیم این نگین صبح روشن را،
به روی پایه انگشتر فردا
و خون ما،
به سرخی گل لاله
به گرمی لب تباری بیدل
به پاکی تن بیرنگ زاله
ریخت بر دیوار هر کوچه
ورنگی زده خاک تشنه هر کوه
ونقشی شد به فرش سنگی میدان هر شهری...
و این است آن پرند نرم شنگرفی،

و این است آن کل آتش فروز شعمدانی،
که در باغ بزرگ شهر می خندد
و این است آن لب لعل زانی را
و پر پر می زند ارواح ما
اندر سرود عشرت جاوید تان
و عشق ماست لای برگهای هر کتابی را
شما یاران نمی دانید؛
چه تب هایی، تن رنجور ما را آب می کرد
چه لب هایی، به جای نقش خنده، داغ می شد
و چه امید هایی، در دل غرقاب خون، نابود می گردید
ولی ما دیده ایم اندر نمای دوره خود،
حصار ساکت زندان
که در خود می فشارد نغمه های زندگانی را
ورنجی کاندرون کوره خود می گذارد آه تن ها.
طلسم پاسداران فسون، هرگز نشد کارا
کسی از ما
نه پای از راه گردانید
و نه در راه دشمن گام زد
و این صبحی که می خندد به روی بامها تان
و این نویسی که می جوشد میان جامها تان
گواه ماست ای یاران!
گواه پایمردی های ما
گواه عزم ما،
کز زرم ها
جانانه تر شد

نویسنده سیاست



نادین گوردیمر

گذشته یکی از یاران کنگره ملی آفریقا بوده و به رغم سفید پوست بودنش، برای لغو آپارتاید در آفریقای جنوبی چه در نویسندگی و چه در عرصه های دیگر فعالیتی چشمگیر داشته است. مصاحبه را هفته نامه آلمانی وخن پست با نویسنده گان مزبور انجام داده و ما بخش هایی از آن را برای خوانندگان کار ترجمه کرده ایم.

وخن پست: خانم گوردیمر! شما اهل آفریقای جنوبی هستید و از دولت این کشور حمایت می کنید در حالی که شما آقای سوینکا مخالف حکومت کنونی نیجریه هستید، آیا این مواضع متفاوت تاثیری هم بر کار نویسندگی شما دارند؟
گوردیمر: تا چندی پیش، یعنی تا زمان لغو آپارتاید و انتخاب ماندلا به ریاست جمهوری من نیز از مخالفین دولت بودم. این نظر که نویسنده درباره بهبود و تحول مثبت اوضاع و یا در مورد تعهد مثبت خویش در قبال نظم سیاسی و اجتماعی نباید چیزی بنویسد، اشتباه و غیر واقعی است. کار ما نوشتن درباره رموز و راز و درونیات انسانها و واکنش های آنها در قبال موقعیت های مختلف است. در مورد وضعیت خود می توانم بگویم که سوینکا: انسانها موجودات پیچیده ای هستند، نویسندگان هم انسانند و طبعا از این ویژگی میرانستند. ما می توانستیم بنا، نجار، مامور خدمات اجتماعی و یا سیاستمدار باشیم.

سیاست را هم من یکی از مقوله های زندگی می دانم. با اینهمه با گذشتن هر نوع قید و بند بر پای نویسنده مخالفم، حال می خواهد این قید و بند استیضاح تعهد، شرکت در کارزارهای اجتماعی، آفرینش

گذشته یکی از یاران کنگره ملی آفریقا بوده و به رغم سفید پوست بودنش، برای لغو آپارتاید در آفریقای جنوبی چه در نویسندگی و چه در عرصه های دیگر فعالیتی چشمگیر داشته است. مصاحبه را هفته نامه آلمانی وخن پست با نویسنده گان مزبور انجام داده و ما بخش هایی از آن را برای خوانندگان کار ترجمه کرده ایم.

وخن پست: خانم گوردیمر! شما اهل آفریقای جنوبی هستید و از دولت این کشور حمایت می کنید در حالی که شما آقای سوینکا مخالف حکومت کنونی نیجریه هستید، آیا این مواضع متفاوت تاثیری هم بر کار نویسندگی شما دارند؟
گوردیمر: تا چندی پیش، یعنی تا زمان لغو آپارتاید و انتخاب ماندلا به ریاست جمهوری من نیز از مخالفین دولت بودم. این نظر که نویسنده درباره بهبود و تحول مثبت اوضاع و یا در مورد تعهد مثبت خویش در قبال نظم سیاسی و اجتماعی نباید چیزی بنویسد، اشتباه و غیر واقعی است. کار ما نوشتن درباره رموز و راز و درونیات انسانها و واکنش های آنها در قبال موقعیت های مختلف است. در مورد وضعیت خود می توانم بگویم که سوینکا: انسانها موجودات پیچیده ای هستند، نویسندگان هم انسانند و طبعا از این ویژگی میرانستند. ما می توانستیم بنا، نجار، مامور خدمات اجتماعی و یا سیاستمدار باشیم.

سیاست را هم من یکی از مقوله های زندگی می دانم. با اینهمه با گذشتن هر نوع قید و بند بر پای نویسنده مخالفم، حال می خواهد این قید و بند استیضاح تعهد، شرکت در کارزارهای اجتماعی، آفرینش

قبال آن واکنش نشان می دهی. من نیز چه اکنون و چه به بویزه در دوران مبارزه آزاد بیخشم همین وضعیت را داشته ام. این انگیزه ای است که انسان را از محبوس کردن خویش در اتاق کارش و پژوهش ذهنی شخصیت انسانها بر کناری دارد. انگیزه ای که فرد را به رفتاری انسانی و اجتماعی امیدارد زمینه ساز و محرک دخالت او در امور سیاسی نیز هست. چگونگی این دخالت به محل زندگی فرد، میزان فشارهای اجتماعی و نوع واکنش انسان در قبال آنها بر می گردد. انگیزه یاد شده یک مسئله شخصی است، چرا که تعهد از درون انسان می جوشد، حتی زمانی که تعهدی اجتماعی باشد.

وخن پست: آیا در هنر ها سلسله مراتبی وجود دارد که سیاست را از خود متأثر می کند؟ به عبارت دیگر چرا جهان تنها درباره تعقیب و پیگرد نویسندگان واکنش نشان می دهد و چرا اذیت و آزار هنرمندان رشته های دیگر حساسیت چندانی بر نمی انگیزد؟

سوینکا: ابزار کار نویسنده کلمه است. کلمات نویسنده گان کمتر از یک نقاشی مهم و نامفهوم اند و چند معنایی موزیک را هم ندارند. از این رو آهنگسازها و موسیقیدانها کمتر تحت سرکوب قرار می گیرند. البته این به معنای درمان ماندن آنها از فشارها و تضعیفات نیست. وقتی که من به میکس نشود را کس و یا به آهنگسازان کشور خودم که به اتهام شورش دستگیر شده اند فکر می کنم ادامه در صفحه ۱۰

در یک روز بی همه چیز بهاری

عمران صلاحی

دربار کتاب مهر منتشر کرده است:

۲۳ سال (رسالت) - علی دشتی ویراستار: بهرام چوبینه مهرماه ۱۳۷۳ - ۴۰۸ صفحه - ۲۰ مارک
پنج مقاله - احمد کسروی وزند گینامه احمد کسروی - بهرام چوبینه فروردین ۱۳۷۲ - ۳۶۴ صفحه - ۲۰ مارک
خاطرات یک زن توده ای - راضیه ابراهیم زاده به کوشش ویراستار: بهرام چوبینه مهر ماه ۱۳۷۳ - ۳۸۱ صفحه - ۱۸ مارک
حیدر بابایه، سلام - شهریار به ۳ زبان آذری، آلمانی، فارسی مهرماه ۱۳۷۳ - ۶۴ صفحه - ۸ مارک
فارسی اول دبستان فروردین ۱۳۷۳ - ۱۰۱ صفحه - ۱۰ مارک
فارسی دوم دبستان فروردین ۱۳۷۳ - ۱۹۹ صفحه - ۲۰ مارک
آدرس انتشارات مهر در آلمان MEHRVERLAG
Blaubach 24
50676 Köln
Tel: 0221-219090
Fax: 021-2401689

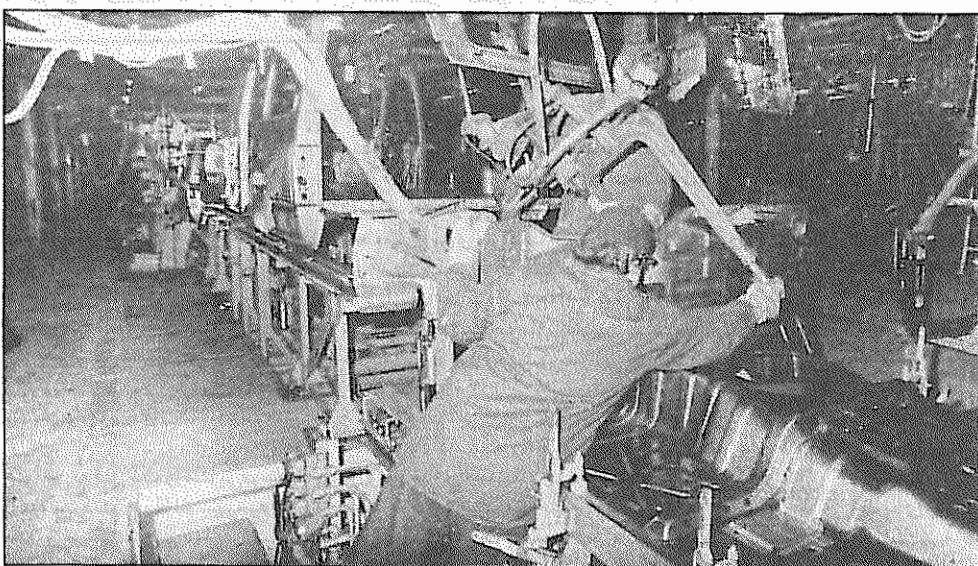
دماغم را هم نمی شد فروخت. چون از ریخت و قیافه می افتادم. زبانم را هم نمی خریدند، می گفتند تند و تیز است. به زبانی احتیاج داشتند که تملق بگوید. نمی دانید با چه مکافاتنی دختر آخری را شوهر دادم. رفت سرخانه و زندگی اش. اما حالا خودم از خانه و زندگی آواره شده ام. زخم مرا به خانه راه نمی دهد و می گوید دیگر به چه امید می با تو زندگی کنم.

بخت فرستادم. یک سال بعد، دختر دوم به سن شوهر کردن رسید. باز همان بساط بود و همان تنگناهای مادی. من آبرو داشتم و نمی توانستم دختر دوم را بدون جهیزیه به خانه ای شوهر بفرستم. باز یک روزی همین نیمکت نشستم و به اعضای دیگر بدنم فکر کردم. البته به اعضای که یک جفت از آنها را داشتم مثلا به چشمم. با خودم گفتم دو تا چشم را می خواهم چکار. مگر چیز جالبی برای دیدن وجود دارد؟ برای چه این دنیای وارونه را دورابرییم و دوبار عذاب بکشیم. هر چه صفحه ای آگهی روزنامه ها را نگاه کردم، دیدم کسی خریدار چشم نیست. خودم یک آگهی مزایده دادم در یکی از روزنامه ها چاپ کردند. روز بعد، خریداری پیدا شد و دختر دوم هم به خانه ای شوهر رفت. حالا یکی از چشمهایم شیشه ای است. یک سال بعد، وقت شوهر کردن دختر سوم بود. همه ی درها به رویم بسته بود. نمی دانستم چه کار کنم. داشتم از غصه دق می کردم. به گوشه ای فکر کردم. گفتم یکی از آنها را می فروشم، اما کی هست که گوش بخرد؟ با نامیدی در همان پارک نشسته بودم و روزنامه ای را ورق می زدم، دیدم در صفحه آگهی ها نوشته اند: "همه گونه اعضای بدن خریدارم". انگار دنیا را به من داده

در یک روز بهاری، زیر درختی پر شکوفه در پارک لاله، مردی که استین دست چپش را توی جیبش گذاشته بود، روی نیمکتی، با مردی که معلوم بود تازه بازنشسته شده است صحبت می کرد:
- درست می فرماید، فشارهای اقتصادی همیشه باعث حذف و تعدیل در زندگی می شود. نمی توان نان و گوشت و روغن نخرد، اما می توان مثلا کتاب را از بیرون نام زدگی حذف کرد. آدم اگر غذا نخورد می میرد، اما اگر کتاب نخواند طوری نمی شود، تازه ممکن است ترقی هم بکند. خلاصه حذف چیزهای غیر ضروری به آدم لطمه ای نمی زند.
اینجانب پنج تا دختر دارم. چهار تا از آنها به هوای پسر متولد شده اند. پنج سال پیش، دختر اولی به سن شوهر کردن رسیده بود. می خواستم او را شوهر بدهم، اما پول نداشتم برای جهیزیه تهیه کنم. نه پس اندازی داشتم و نه چیزی به درد خوری که بتوانم بفروشم. امکان وام گرفتن هم برایم نبود. یک روز در همین پارک نشسته بودم و داشتم روزنامه می خواندم. دیدم در یک آگهی مناقصه نوشته اند: "کلیه خریداریم" با خودم فکر کردم خیلی ها توی دنیا با یک کلیه زندگی می کنند. چرا از این سرمایه خدادادی استفاده نکنم. یکی از کلیه هایم را فروختم و دختر اولم را به خانه ی

کارگران از مشکلات خود می گویند

با این دستمزد چه کنم؟



آقای باری نداشتیم. مجبور شدیم با کرسی بچه هایم را در این سرمای زمستان گرم کنیم و این باعث شد خانه ام آتش بگیرد. حالا باید وام بگیرم تا آنجا را قابل سکونت کنم. بغض گلویش را می گیرد و صدای آرام و درد مندنش در هیاهوی کارخانه گم می شود. کارگر کارخانه کفش پویاست. جوانی اش را در این کارخانه کنار سایر زنان کارگری سپری کرده است. اگر چه سن زیادی ندارد اما در ورنج روزگار چهره خسته اش را سالخورده تر نشان می دهد.

کفش پویا ۷۰۰ کارگر و کارمند دارد. ۱۱۰ تن از کارگران آن زن هستند. اکثر آنان سرپرست و تنها نان آور عائله پر جمعیت خانواده اند. دستمزد روزانه آنان با ۱۵ سال سابقه کار ۵۰۰ تومان است. مبلغی از آن بابت بیمه درمان و مالیات کسر می شود. آنچه دستشان می رسد دو هفته ای بیشتر دوام ندارد. چاه ویل گرانی همه را به کام می کشد. باقی روزهای ماه را باید با بدهکاری و گرسنگی سر کنند. آنان پس از سال ها سابقه کار از تامین اجتماعی و مالی و صندوق کمک نیازهای ضروری برخوردار نیستند. زن کارگری که ۵۰ هزار تومان پول نیاز داشت و وام تقاضا کرده بود، درخواستش همچنان بی جواب مانده است. او صراحتاً به مسئولان شرکت قید کرده است که این مبلغ ناچیز را برای آرتزاق روزانه ۴ فرزندش می خواهد و نه برای پس انداز و نیازهای ثانوی.

سخنان کارگران کارخانه کفش پویا آنچه که در ادامه گزارش به نقل از کارگران دیگر واحدهای تولیدی می آید، مطالبی است که کارگران در حضور محبوب دبیر کل خانه کارگر گفته اند و روزنامه "کار و کارگر" وابسته به رژیم آنها را از صافی گذرانده و با زتاب داده و تلاش کرده است چنین وانمود کند که گویا مشکل کارگران فقط ناشی از مالکیت و مدیریت واحدهای تولیدی است، آنهم به تعبیر انجمن اسلامی.

کارخانه کفش پویا تحت پوشش گروه صنعتی ملی بود. این کارخانه هم کارخانه عاقبتی مانند اکثر شرکت ها و واحدهای تولیدی ملی پیدا کرده است تاکنون دهها کارخانه، شرکت و واحد تولیدی وابسته به این مجموعه تحت عنوان خصوصی سازی و جلب نقدینگی های سرگران سرمایه داران را در اختیار همداستان و نزدیکان رژیم قرار گرفته است. کفش فارس، شرکت شاهد، چرم رخشان، چرم آذر، شرکت زیره ملی، شرکت پوشاک مردم، نسجه ملی، شرکت پارس چاپ، شرکت ریسندگی و بافندگی مهرآباد، شرکت کفش آزاده بخش از کارخانجات تحت پوشش گروه صنعتی ملی هستند که شماری از آنها در چارچوب سیاست دولت



خراج خورده اند و کسانی که این واحدها را در اختیار گرفته اند به جای سرمایه گذاری و کمک به رفاه کارگران آن را وسیله بورس بازی کرده اند.

با ۴۰۰ تومان دستمزد روزانه

شرکت کفش آزاده با ۶۶۰ نفر پرسنل یکی از واحدهای بزرگ گروه صنعتی ملی است. کارگران این شرکت با مواد شیمیایی کار می کنند و محیط کار آلوده به مواد شیمیایی و هوای آن به شدت مسموم است. بوی چسب و مواد شیمیایی حل کننده در فضای کارخانه پیچیده است. اکثر کارگران دچار ناراحتی های مزمن ریوی، معده، چشم و ناراحتی ناشی از کار مستمر نشده و بسیاری هستند. این کارگران از مزایای "کارهای سخت و زیان آور" محرومند، کمیته "کارهای سخت و زیان آور" منحل شده و وزارت کار حاضر نیست کار این کارگران را در ردیف کارهای "سخت و زیان آور" شناسایی کند تا آنان بتوانند از بازنشستگی پیش از موعد با دستمزد کامل دوره بازنشستگی برخوردار شوند.

کارگران از شرایط بد و غیر بهداشتی محیط کار، پایین بودن دستمزدها، کمی حق مسکن، عدم توزیع بن کارگری ناراضی اند.

در باره دستمزدهای یکی از کارگران جوان شرکت می گوید: ۲۵ سال سن دارم. از صبح تا شب اینجا کار می کنم. روزانه می بینم. بهترین دوران زندگی من در محیط کارسپری می شود. ولی با زحم بدهکار هستم. روزی ۴۰۰ تومان حقوق می گیرم. بده فقط ۴۰۰ تومان. حرف او را کارگر دیگری بی می گوید: "با ۲۴ سال سابقه کار روزی ۶۳۵ تومان حقوق می گیرم. برای ثبت نام فرزندم ۵۰۰ تومان پرداخت کرده ام. حقوقم جوابگوی زندگی من نیست. با

شرمندگی به خانه می روم. به دلیل مشکلات مالی، امسال نتوانستم پسر مرا به مدرسه بفرستم. آیا ما زن و بچه نداریم. با این حقوق چگونه زندگی کنیم. برنج کیلویی ۲۰۰ تومان، تخم مرغ دانه ای ۱۳ تومان، پنیر... کارگر سومی از شدت خشم برگ حقوقی خود را درمی آورد و به محجوب نشان می دهد: "این فیش حقوقی من است. زیردیف بدهکار، بستانکار و قابل پرداخت قید شده است: حقوق روزانه ۵۲۴ تومان حق مسکن و خواربار ۱۰۰ تومان، حق اولاد ۲۳۳۶ تومان، غیبت ۱۳۵۸ تومان، مالیات ۴۲۰ تومان، بیمه ۱۱۳۲ تومان، مساعده ۶۴۶۰ تومان، وام ۱۵۰۰ تومان، پول ناچار ۱۲۰ تومان، مبلغ قابل پرداخت ۸۹۷۱، این کل دریافت من است. با ۸ هزار تومان چه کنم.

کارگر دیگری که ۵۰ سال دارد و ۱۲ سال از عمر خود را در فضای آلوده و سمی محیط کارسپری کرده است از دشواری شرایط معیشت خود می گوید. روزی ۵۸۰ تومان حقوق می گیرم. هفت ساعت کار می کنم. به خدا قسم با نان و سیب زمینی نان و بادمجان شکم بچه ها را سیر می کنم. بچه ام پول می خواهد، ندارم بدهم. این شرمندگی را چگونه تحمل کنم.

کار سخت و زیان آور

تلاش کارگران برای دستیابی به مزایای کارهای سخت و زیان آور تاکنون به جایی نرسیده است. انحلال کمیته کارهای سخت و زیان باعث شده است که تقاضای آنان بی پاسخ بماند. برخی از کارگران علیرغم بیماری و معلولیت در هراس از بیکاری و زیان خرید اجباری با دشواری و اضطراب بیشتری مواجه اند. یکی از کارگران برشکار رویه کفش می گوید: ۳ سال است که فرم کارهای سخت و زیان آور را تکمیل کرده ام اما هنوز از آن خبری

طی یک هفته ۱۵ کارگر در محیط کار کشته شدند

بر اساس گزارش رسمی دولت طی یک هفته ۷۹ مورد حادثه ناشی از کار در سطح کشور روی داد که در ۱۵ مورد به مرگ کارگران منجر شد. گزارش وزارت کار و امور اجتماعی فقط حوادث ثبت شده روزهای ۲۳ تا ۳۰ دی ماه را دربرمی گیرد. بر اساس این گزارش سایر آسیب دیده گان از قسمت های مختلف بدن به شدت مجروح و معلول شده اند. آسیب های وارده در بیشترین موارد قطع انگشتان دست، شکستگی کمر، دست، پا، فک و سوختگی بوده است. در مورد نحوه بروز حادثه و بی گیری عاملان کشتار و آسیب کارگران از سوی دولت گزارشی بازتاب نیافته است. فقدان وسایل ایمنی در محیط های کار و بی توجهی کارفرمایان به جان و زندگی کارگران می شود و تاکنون مدیر هیچ کارخانه ای به دلیل عدم مراعات ضرورت های ایمنی کار و آسیب رسانی عمد و سهو به جان کارگران مورد بازخواست قرار نگرفته است.

نیست. وجود مواد شیمیایی در محیط کار و سرپایی کار کردن مر بیمار کرده است.

حق بیمه پیردازید اما مرخص نشوید

بخشی از حقوق ناچیز کارگران ماه به ماه سرمورد مقرر به عنوان هزینه بیمه درمانی از سوی سازمان تامین اجتماعی کسر می شود اما متناسب با پولی که از دسترنج کارگران برداشت می شود، خدمتی از سوی بیمه درمانی سازمان تامین خدمات اجتماعی صورت نمی گیرد. دفترچه بیمه درمانی سازمان اجتماعی به علت تعلل این سازمان در پرداخت هزینه ها اعتبار ندارد و اکثر بیمارستانها و پزشکان و داروخانه ها حاضر به پذیرش بیمار بیمه ای نیستند. کارگر و اعضای خانواده او اگر مرخص شوند باید با مبادای سرپایی و دریافت چند قرص بسازند یکی از کارگران شرکت در مورد بیمار و برخورد سازمان تامین اجتماعی می گوید: "یک روز مرخص شدم ولی دفترچه درمانی را قبول نکردند. ۴۰۰ تومان پول دکتروارو دادم. آن روز به محل کار نیامدم و تقاضای مرخصی کردم، با وجود اینکه مرخص بودم قبول نکردند. یکی دیگر از کارگران می افزاید: در دوران بیماری به ما حقوق نمی دهند. برای حقوق ایام بیماری باید به بیمه مراجعه کنیم اما بعد از شش ماه به ما پول می دهند. ۴ هزار تومان خرج کردم تا توانستم ۲۷۰ تومان از بیمه پول بگیرم. کارگر دیگری که دچار بیماری چشمی است می گوید: پرده چشمم پاره شده است. برای درمان آن فقط سه قلم وسیله را باید تهیه کنم که قیمت آنها می شود ۷۵ هزار تومان، پس این دفترچه به چه دردی می خورد. پسر من به من می گوید، بابا اگه پول نداری من به مدرسه نمی روم، می روم کار می کنم. صحبت کارگران ادامه دارد. محجوب آمده بود سخن بگیرد ولی شنونده شد. او را وادار کردند که بیاستد و فقط گوش بدهد. همه دل پری از رژیم دارند. سخن از حق مسکن و گرانی ها است و دستمزدهای ناچیز کارگران. هنوز بن کارگری سال ۷۰ و ۷۱ را کامل عرضه نکرده اند. در تعاونی مصرف کارگان قسه ها خالی اند. تعاونی شرکت برای ۶۶۰ کارگر فقط ۵۰ هزار تومان جنس دارد. قیمت اجناس آن هم تفاوتی با قیمت بازار ندارد. برای دریافت کالا کارگران باید پول آن را نقد بپردازند. کسانی که بخواهند جنس بگیرند و سرمایه از حقوقشان کسر شود، دست خالی برمی گردند.

اخبار علمی

جایگاه علمی آمریکا و کشورهای اروپایی

گزارش انجمن نظارت بر علوم و فنون نشان می دهد که آمریکا با اینکه از نظر پژوهش و پیشرفت علوم نسبت به سال ۸۳ حدود یک درصد افت داشته است، همچنان مقام اول را در دنیا دارد. پس از آن به ترتیب انگلیس، ژاپن، آلمان و فرانسه قرار دارند. نتیجه ی بالا بر اساس شمارش انتشارات علمی و میزان تأییدیه های پژوهشی هر کشور به دست آمده است. اتحادیه ی اروپا که با مجموع ۲۹/۶٪ در مقابل ۳۵/۸٪ آمریکا مقام علمی دوم را کسب کرده است، از اینکه توانسته است در مدت ده سال به میزان حدود ۲٪ درصد رشد علمی داشته باشد بر خود می بالد. ژاپن نیز دارای همین مقدار افزایش بوده است.

میزان اوزون در آسمان اروپا به حداقل رسیده است!

در نیمه ی ژانویه سال جاری میلادی، مقدار اوزون موجود در لایه ی اوزون فراز اروپا به میزان بیشتر از ۲۰٪ نسبت به سابق کاهش نشان داد. این مقدار در آسمان سیبری به ۳۵٪ رسیده است.

بر اساس گزارش سازمان جهانی هواشناسی که ۱۴ فوریه در ژنو انتشار یافت این پدیده می تواند به واسطه ی انجام واکنش شیمیایی حاصل از مونواکسید کلر ناشی از افزایش میزان کلروفلورئور و کربور (CFC) باشد. در حال حاضر در نیمکره ی شمالی، تعداد بیرویه ای برای حفاظت از اشعه ی ماوراء بنفش، از قبیل استفاده از کلاه ضروری محسوب نمی شود.

سیستم دفاعی گیاهان

می دانیم گیاهان مثل انسان دارای سیستم مصونیت نیستند. با این حال مشخص شده است که آنان هنگامی که مورد حمله ی یک ویروس، میکروپ یا قارچ قرار می گیرند، مواد مخصوصی تولید می کنند. این مواد در تمام گیاه بخش می شوند و مکانیسم دفاعی در مقابل تهاجم خارجی را بوجود می آورند. در حال حاضر در کارولینای شمالی در آمریکا بررسی ای موضوع تحقیق می شود.

افسردگی فصلی

شاید شما نیز جزو عده ای باشید که در زمستان آسیب پذیری روحی بیشتری دارید. در این صورت بدانید که افسردگی فصلی در پزشکی بیماری شناخته شده ای است که در بعضی از افراد بواسطه ی کمبود نور ایجاد می شود. کمبود نور تنظیم حالات روحی انسان به هم می زند. این بیماران دچار افسردگی و بی حوصلگی می شوند، اشتهاشان زیاد می شود و میل شدیدی به مواد قندی پیدا می کنند که نتیجه ی طبیعی آن افزایش وزن است. پزشکان برای درمان بیماری تا قبل از فرارسیدن بهار نور درمانی یعنی استفاده از نور چراغ را بجای نور خورشید تجویز می کنند. این هم یک دلیل دیگر برای استقبال از بهار!

قدیمی ترین غار باقیمانده از دوران پارینه سنگی

یافتن یک غار قدیمی با نقاشی های دیواری با زمانه از ۲۰۰ قرن پیش در منطقه ای در فرانسه، سرودهای زیادی در محافل علمی و باستان شناسی جهان به راه انداخته است.

در این منبع غنی که در آستانه ی سال نو کشف شده بیش از ۳۰ نقاشی با رنگ قرمز و ذغال چوب یافت شده است. خصوصیتی که این غار را از غار معروف لا سکو مشخص می سازد وجود نقش حیواناتی از قبیل خرس و کرگدن است. در کنار آن کشف اسکلت سر خرس که بر روی سنگ هایی جا داده شده باستان شناسان را به بررسی و تجدید نظر در مورد عقاید مذهبی مردمان آن دوره واداشته است.

دسترسی به این غار بزرگ که در بالای دراز تو در توی آن در طی هزاران سال بواسطه ی انسداد دهانه ی آن محفوظ مانده است، داده های جدیدی از زندگی انسان های دوره ی پارینه سنگی را در اختیار بشر امروزی قرار می دهد.

بیماری مرموز در میان سربازان آمریکایی

بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا کمیسیون را مسئول تحقیق در مورد علل شیوع بیماری مرموز در میان سربازان آمریکایی که در جنگ خلیج بر علیه عراق شرکت داشته اند کرده است. وی در یک سخنرانی در مقابل انجمن شرکت کنندگان در جنگ ضمن اعلام این خبر گفت که این کمیسیون قرار است بررسی راه حلها یی برای تحقیق علل بیماری و بهبود راههای معالجه آن کار کند. دولت آمریکا بودجه ای در حدود ۱۳ میلیون دلار به این امر اختصاص داده است. قرار است تحقیق شود که آیا بیماری به اصطلاح جنگ خلیج "از مواد سمی، از داروهای Pesticide، از داروهای بی خطر برای مقابله با سلاح های بیولوژیک و شیمیایی یکبار رفته، و یا از مواد منفجره سلاح های ضد تانک ناشی شده است. هزاران نفر از سربازان شرکت کننده در جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ از علائم این بیماری از قبیل تنگی نفس، درد عضلات، ضعف حافظه، سردردهای مزمن و ناراحتی های پوستی رنج می برند.

سال امنیت، ناامن ترین سال برای حکومت بود

نگاهی به مهمترین رویدادهای سیاسی کشور در سال ۱۳۷۳

آزادی بیان ادامه یافت.

فعالیت نیروهای مخالف رژیم

حادث اوضاع اقتصادی و تشدید جنبش های اعتراضی، نیروهای سیاسی مخالف رژیم رانیز به فعالیت بیشتر برانگیخت و دامنه مخالفت با رژیم را گسترده تر کرد. فعالیت احزاب و شخصیت های ملی گرا و موکرات داخل کشور در مخالفت با دیکتاتوری حاکم از این موارد بود. نامه های اعتراضی چندی در ایران علیه استبداد منتشر شد و دامنه مخالفت و نافرمانی حتی تا درون نیروهای مسلح و ارتش نیز کشیده شد. تشدید فعالیت سیاسی در میان نیروهای وابسته به رژیم نیز چشمگیر بود. آیت الله منتظری پس از مدت ها ساکت با انتشار نامه ای به رفتار غیرانسانی و توهین آمیز با سداران حکومت علیه خود اعتراض کرد. این نامه انعکاس وسیعی یافت. نیروهای وابسته به رژیم اما مخالف باند حاکم، قدم های جدیدی را برای تجدید فعالیت خود برداشتند که تجدید فعالیت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از جمله نمونه های آن بود. این فعالیت ها بدون استناد در زیر تیغ سرکوب صورت گرفت. جمهوری اسلامی به هیچ حزب و دسته مخالف جناح حاکم اجازه فعالیت قانونی و آزادانه نداد و ادامه استبداد خواست تامین فعالیت قانونی و آزادی احزاب سیاسی را به خواست بخش وسیع تری از جامعه تبدیل کرد.

بحران مرجعیت

آیت الله محمداراکی در آذرماه درگذشت. بامرگ او بحران بر سر مرجعیت بالا گرفت. عده ای از آخوند های حکومتی کوشیدند قیام مرجعیت را بر تن خا منه ای کنند. خا منه ای خود از مدت ها قبل یادستگیری عده ای از طلاب، تشدید فشار بر منتظری و دولتی کردن حوزه علمیه قم تلاش داشت که بمقام مرجعیت هم دست یابد. بزودی، جنبی و ناطق نوری از مرجعیت خا منه ای حمایت کردند.

بخش مهمی از روحانیون از جمله آذری قمی مخالف با مرجعیت خا منه ای مخالفت کردند. آیت الله منتظری به عنوان شایسته ترین فرد برای این مقام مذهبی در میان محافل غیرحکومتی و بخشی از نیروهای حکومت باردیگر مطرح گردید. در اعلامیه ای که در ایران بخش شد عده ای از روحانیون نظیر مهدوی کنی، محقق داماد، موسوی اردبیلی، مومن، توسلی و محمد گیلانی، منتظری را بعنوان مرجع شیعیان معرفی کردند.

در این کشمکش تیر خا منه ای به سنگ خورد و نتوانست بمقام مرجعیت ارتقا یابد. اودریک سخنرانی صریحا اعلام کرد که نظریا بنکه مسئولیت رهبری نظام و انقلاب برایش به حد کافی سنگین است، از قبول بار مسئولیت مرجعیت استنکاف می کند.

ارتجاع بیشتر در حکومت

سال ۷۳ چرخش باز هم بیشتری در نیروی حاکم در جهت فرادستی بیشتر مرجع ترین نیروها صورت گرفت و قدرت جناح بازار و رسالت تحکیم شد. همراه با تحکیم قدرت این جناح، رفسنجانی که زمانی ستاره اقبال جمهوری اسلامی به شمار می رفت در موقعیتی نامناسب قرار گرفت. مجلس شورای اسلامی به صورت آشکارتری با او به مخالفت برخاست و برخی از مهمترین وزرای او نظیر وزیر اقتصاد و دارایی و وزیر ارشاد اسلامی را علی رغم خواست او عوض کرد. جناح رسالت و اکبریت مجلس بطور آشکاری اعلام کرد که با تجدید ریاست جمهوری رفسنجانی مخالف است. ناطق نوری به عنوان کاندیدای این جناح فعالیت آشکار و گسترده ای را برای ریاست جمهوری آینده آغاز کرد.

چشم انداز سال آتی

شاخص های عمده سال ۷۳ را می توان وخامت علاج ناپذیر اوضاع اقتصادی و گسترش جنبش های مردمی و سیاسی دانست. سرنوشت جمهوری اسلامی بیش از هر وقت به این دو شاخص عمده وابسته شده است و همین دو عامل است که زمین را زیر پای جمهوری اسلامی به لرزه در آورده و آینده آن را به زیر سوال فرور برده است. وسخن از آینده دور نیست، سخن از آینده ای است که می تواند همین سالی باشد که اینک در آستانه آن قرار گرفته ایم. رویدادهای عمده سال نوبی شک تحت تاثیر این دو عامل عمده شکل خواهد گرفت. این امیدواری امیدواری بیپوده ای نیست که سال نوراسالی بدینیم که برای مردم ایران و آزادی خواهان در نبرد با استبداد پیروزی های بزرگی به همراه داشته باشد و در این تردید نکنیم که سال نوبی برای حکومت اسلامی سالی سخت و تروهراس انگیز تر از سالی خواهد بود که رو به پایان می رود.

خیابانهای اطراف دانشگاه تهران ریخته و با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" به تظاهرات و راهپیمایی پرداختند. این تظاهرات، دامنه دارترین حرکت اعتراضی دانشجویان بعد از "انقلاب فرهنگی" بود. دانشجویان در این تظاهرات با یگان ضد شورش نیروهای نظامی که برای سرکوب آنها آمده بودند، درگیر شدند. در این تظاهرات دهها تن از دانشجویان دستگیر گردیدند. اما گردانندگان حکومت در وحشت از ادامه خا منه ای، قانون اخذ شهری را لغو نمودند.

علاوه بر این حرکت های وسیع، میتوان اعتراض دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران در اعتراض به روند اخراج اساتید و جوانان مطلوب علمی، تظاهرات دانشجویان دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران، تظاهرات دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس علیه سیاست های وزارت آموزش عالی را نام برد. محیط دانشگاه ها در سال ۷۳ تا اندازه ای علیه رژیم و سیاست های آن فعال شد که بسیاری از کارگزاران رژیم و نمایندگان مجلس در مورد آن هشدار دادند.

بیانیه نویسندگان و هنرمندان

یکی از رویدادهای برجسته سال ۷۳ انتشار بیانیه ۱۳۴ تن از نویسندگان و هنرمندان بود. آنان در این بیانیه

و با سنگ و چوب به مقابله با نیروهای نظامی برآمدند. سرکوبگران حکومت بر اثر مقاومت مردم صحنه را خالی کردند. ولی گردانندگان حکومت، واحدهای نظامی را از شهرهای مختلف گرد آورده و با نیروی وسیعی بمقابله با مردم پرداختند. در این جریان دهها تن کشته، صدها نفر زخمی و هزاران تن دستگیر شدند که عده ای زیادی از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند.

در اوایل خرداد ماه تماشاگران مسابقه فوتبال در تبریز با دستاویز اعتراض به نحوه قضاوت داور، مامورین نظامی را از محل برگزاری مسابقه بیرون کردند و به خیابان ها آمده و علیه رژیم شعار دادند. در درگیری بین مردم و نیروهای سرکوب گرد عده زیادی زخمی و دستگیر شدند.

مردم زنجان در اعتراض به قتل یک روستایی توسط پاسداران دست به تظاهرات زدند. در قاعده شهر مردمی که شاهد خود سوزی یک جوان دستفروش در اعتراض به سیاست های رژیم بودند به اعتراض برخاستند و به ساختمان شهرداری حمله نمودند.

آخرین حرکت اعتراضی وسیع در شهر تهران بود. روز ۲۷ دیماه مسابقه فوتبال در استاد بوم آزادی، به حرکت وسیع ضد دولتی تبدیل شد. جمعیت عظیم به خیابانها ریخته و علیه رژیم شعار دادند و هرچه سد راهشان بود، در هم شکستند. وسعت تظاهرات تا آنجا بود که روزنامه های رژیم نتوانستند آن را پنهان کنند.

در سال گذشته اعتراض در میان کارگران گسترش



خواهان تامین آزادی بیان و قلم و برچیدن دستگاه سانسور شدند. در این بیانیه تاکید شده است: "نویسنده در چگونگی خلق اثر، نقد و تحلیل آثار دیگران و بیان معتقدات خویش باید آزاد باشد". هدف اصلی ما از میان برداشتن موانع راه آزادی اندیشه و بیان و نشر است. "بیانیه نویسندگان و هنرمندان در داخل و خارج از کشور با تائب و وسیعی یافت. خبرگزاریها متن آن را در سطح جهان مخابره نمودند و شماری از روزنامه های معتبر جهان همراه با انتشار متن آن، مقالات و تفاسیر مختلفی را منتشر کردند. برخی از سازمانهای جهانی از جمله انجمن قلم از نویسندگان بیانیه حمایت کردند. سازمانهای سیاسی اپوزیسیون کشور و تشکل های دمکراتیک در خارج از کشور به پشتیبانی از نویسندگان برخاستند. انعکاس این بیانیه در حدی بود که بی گمان می توان آن را یک اقدام برجسته در افشای سیاست های ضد دمکراتیک حکومت اسلامی محسوب کرد.

انتشار بیانیه نویسندگان و اکنش شدید عوامل حکومتی را برانگیخت و انواع فشارها متوجه امضاء کنندگان بیانیه شد. اما رویدادهای بعد از آن با قوت بیشتری ضرورت تامین خواست های نویسندگان را نشان داد. فشار بر روزنامه های کشور ابعاد بیشتری یافت. رژیم از طریق اهرم های اقتصادی، خودداری از آرایه کمک های دولتی، جلوگیری از دادن آگهی به روزنامه های غیر موافق و انواع فشارهای دیگر بر سر راه انتشار و با انتشار منظم این گونه نشریات موانع متعدد فراهم آورد. اعمال مستقیم سانسور و توقیف نشریات نیز هیچ گاه از برنامه کار سرکوبگران حذف نشد. در آخرین روزهای سال از ادامه انتشار نشریه "تکاپو" جلوگیری کردند. بیشتر از آن امتیاز نشریه جهان اسلام که یک نشریه وابسته به رژیم، اما مخالف سیاست های حاکم بود لغو و این روزنامه تعطیل شد. بیشتر از آن امتیاز نشریات دیگری را لغو کرده بودند.

تهدیدها چندان موثر نیافتاد و مبارزه برای تامین

مشخصه برجسته سال ۷۳، که اینک آخرین روزهای آن را پشت سر می گذاریم، عجز و ناتوانی حکومت اسلامی در حل معضلات عظیم جامعه ما بویژه در عرصه اقتصادی، افشا تروریسم رژیم در سطح جهانی و رشد اعتراضات مردم، دانشجویان و نویسندگان و هنرمندان بود. سران حکومت امسال بیشتر نشان دادند که هیچ برنامه ای برای غلبه بر بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه ما ندارند و همچنان با سرکوب و نیروی قهر حکومت می کنند و کشور ما را به فلاکت بیشتر و سرانجام به سوی انفجار می کشانند.

سرکوب حقوق بشر و تروریسم

در سال ۷۳ تنها هیچ بهبودی در زمینه وضع حقوق بشر در ایران حاصل نشد، بلکه در عرصه های بسیاری بر شدت محدودیت ها و بگیر و ببندها افزوده شد و بازداشت ها، شکنجه ها و اعدام ها ادامه یافت. گزارش اخیر گالیندویل به واقعات زیادی در این زمینه اشاره کرده است. عده زیادی از تظاهرها کنندگان قزوین در دادگاههای فرمایشی محاکمه و به جوخه های اعدام سپرده شدند. سعیدی سیرجانی نویسنده نامدار ایران را بازداشت و بنام او جعلیاتی منتشر ساختند و اتهام های ناروا به او بستند و سرانجام وی بر اثر فشارهایی که با او آوردند، در زندان درگذشت. حکومت گران مرگ اورا مرگی طبیعی جلوه دادند ولی حاضر نشدند که به درخواست سازمان عفو بین المللی مبنی بر تحقیق کامل پیرامون مرگ او موافقت کنند.

دو تن از کشیش های مسیحی بطرز مرموزی به قتل رسیدند. هر دو کشیش از امضای بیانیه دست پخت رژیم به نام "برابر حقوقی مسیحیان" در ایران خودداری کرد و بارها علیه پایمال شدن حقوق اقلیت های مذهبی در ایران اعتراض کرده بودند. رژیم تلاش کرد که قتل کشیش ها را به مجاهدین نسبت دهد ولی افکار عمومی مسئولیت این جنایت را متوجه جمهوری اسلامی دانست.

عملیات تروریستی رژیم در خارج از کشور ادامه یافت. غفور حمزه ای عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، در بغداد بدست عوامل جمهوری اسلامی به قتل رسید. بگفته این حزب طی یک ماه پنج تن از اعضای آن توسط مامورین رژیم ترور شدند. اما تشدید مبارزه علیه سیاست تروریستی حکومت اسلامی توسط مخالفین در خارج کشور و همچنان بر گزار می شود. محاکمات پاریس و برلین که افکار عمومی اروپا را بیش از پیش متوجه تروریسم حکومت کرد، موجب آن شد که رژیم در این زمینه با دشواریهای بزرگ و رسوا کننده مواجه شود و از دامنه فعالیت آن کاسته شود.

محاکمات برلین و پاریس

داگاه برلین که جلسات متعدد آن امسال تشکیل شد، به محاکمه رژیم اسلامی تبدیل گردید. تعداد زیادی از شاهدین در مورد سیاستهای تروریستی جمهوری اسلامی شهادت دادند و تروریسم رژیم را محکوم نمودند. همزمان با برگزاری دادگاه، مقالات متعددی در مطبوعات آلمان در مورد تروریسم جمهوری اسلامی منتشر گردید و اطلاعات زیادی در مورد مراکز تروریستی رژیم و اقدامات این مراکز افشا گردید. محاکمه هنوز ادامه دارد اما متأسفانه ادامه آن که به صورتی خسته کننده و تلف کردن وقت درآمده است، باعث آن شد که حساسیت اولیه نسبت به این دادگاه در افکار عمومی کاهش یابد.

برعکس دادگاه برلین، در پاریس جلسات محاکمه قاتلین دکتر بختیار به سرعت به نتیجه رسید. دادستان دادگاه در کيفرخواست خود سازمان های اطلاعاتی رژیم اسلامی را مسئول مستقیم قتل بختیار و صدوسیما و وزارت پست و تلگراف و تلفن را هم دست آن اعلام کرد. دادستان برای وکیل راد منتم اصلی این جنایت، حبس ابد و برای هندی و سرحدی، همدستان وی، از ۱۳ تا ۱۵ سال تقاضای زندان کرد. دادگاه ۵ هفته طول کشید و سرانجام علی وکیل راد را به حبس ابد و مسعود سید هندی را به ده سال زندان محکوم کرد و سرحدی آزاد شد. دادگاه تأیید کرد که یک گروه تبه کار در تهران، زنو، استانبول و در خاک فرانسه برای قتل دکتر بختیار و راد عمل شده بودند. رای دادگاه در رابطه با آزادی سرحدی و اکنش منفی در بسیاری از مطبوعات برانگیخت. اغلب روزنامه های چاپ پاریس بر اثر سرحدی را با احتمال توافق پنهانی میان تهران و پاریس مربوط دانستند.

حرکات اعتراضی مردم

تظاهرات مردم قزوین در مردادماه، بعد از شورش مشهد بزرگترین حرکت اعتراضی مردم علیه رژیم اسلامی بود. دستاویز این حرکت عدم تصویب طرح استان شدن قزوین در مجلس اسلامی بود. مردم در اعتراض به تصمیم مجلس به خیابانها ریختند و علیه رژیم شعار دادند

اقتصاد ایران در سال ۷۳

آینده تیره تر از امروز

واقعی بود و نه این همدردی با مصائب مردم. چرا که عامل گرانی در درجه نخست خود دولت بود. وبه همین دلیل نیز تب تند مبارزه با گرانی خیلی زود به عرق سرد نشست و به دنبال وقفه دوسه هفته ای، موج گرانی این بار بصورت جهش وار همه جا را فرا گرفت. در اثر این تورم موقعیت ریال چنان متزلزل و نگران کننده شد که بسیاری را بر آن داشت بخاطر حفظ ارزشش تا مانده اند و خسته های خود به خرید ارز و سکه طلا روی بیاورند. هجوم برای خرید سکه طلا در دو سه ماه گذشته به حدی بود که بهای آن نسبت به ماههای آغاز سال به بیش از دو برابر افزایش یافت.

مقایسه بهای ارزهای خارجی در فاصله یک سال واحد به ریال

نوع ارز	در اسفند ماه ۷۲	در اسفند ماه ۷۳
دلار آمریکا	۲۵۰۰	۴۲۰۰
مارک آلمان	۱۴۸۰	۳۰۱۰
پوند انگلیس	۳۷۵۰	۶۹۵۰
فرانک فرانسه	۴۳۰	۸۵۰

بار سنگین بدهی های خارجی

اقتصاد ایران، سال ۷۳ را با بیش از ۳۰ میلیارد دلار بدهی کوتاه مدت و میان مدت خارجی آغاز کرد. ۱۰ میلیارد دلار آن جزو بدهی های سرسید شده در سال ۷۲ بود که دولت نتوانسته بود آنها را باموقع پرداخت نماید. مذاکرات مقامات بانکی جمهوری اسلامی با طلبکاران خارجی در هفته های آغازین سال ۷۳ منجر به آن شد که



صف کالا در برابر یک فروشگاه. در سال ۷۳ به طول این صف ها بسیار افزوده شد

برای تجدید زمان بندی با زبردخت این بدهی های عقب افتاده توافق حاصل شود. این توافق ها شامل ۶ میلیارد دلار بدهی که زمان با زبردخت آن سال ۷۳ بود، نمی شد. بر اساس جزئیات توافق ها دولت جمهوری اسلامی باید ظرف ۶ سال (از سال ۹۴ تا ۲۰۰۰ میلادی) با احتساب سرسید بدهی های میان مدت، سالانه بین ۸ تا ۸ میلیارد دلار بابت اصل و بهره این بدهی ها پرداخت نماید. باید یاد آورد که بابت این تجدید زمان بندی دولت ایران ناگزیر به پرداخت حدود ۳/۵ میلیارد دلار بهره اضافی است.

حصول به این توافق ها که بر غم فشارهای آمریکایی کشورهای اروپایی و ژاپن برای امتناع از تجدید زمان بندی بدهی های ایران بدست آمد، امید هائی را در حکومت اسلامی و سیاست گزاران اقتصادی کشور برانگیخت تا جائیکه دکتر عادلی خبر داد که بزودی کلیه امور در با زبردخت بدهی ها و خرید های خارجی به روال عادی باز خواهد گشت. انعکاس چنین توافقی البته تا اثرات معینی هم در وضع بازار نرخ ارزهای خارجی داشت و سایر شتابان سقوط ارزش ریال تا حدی کند گردید، ولیکن فراتر از این، آنهم برای یک مقطع کوتاه اثر نداشت. این توافق ها به خلاف انتظار دولت منجر به آن نشد که خرید های خارجی ایران روال عادی پیدا کند. کشورها و

از همان اواسط سال ۷۲ که سیاست سخت کردن کمر بند ها به اجراء آمد، تمام فعالیتهای اقتصادی دچار رکود گردید. آهنگ این رکود در سال ۷۳ به حدی رسید که فعالیت اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی به وضع مشابه سالهای جنگ و دوران نخست وزیر میرحسین موسوی بازگشت. بسیاری از واحدهای که به قطعات و مواد خام خارجی وابسته بودند، بدلیل عدم تخصیص ارز از فعالیت بازماندند و باقی مانده بانصاف ویا یک سوم ظرفیت خود کار کردند. حجم سرمایه گذاریها بشدت کاهش یافت و بسیاری از پروژه های عمرانی و صنعتی در دست اجرا متوقف گردید. آثار و عواقب چنین وضعی از اواسط سال ۷۲ که گذشت کاملاً نمایان گردید: کمبود کالا های تولید داخلی بوضوح محسوس شد، حجم بیکاری افزایش یافت و تورم و گرانی مهار گسیخت.

بنابراین آثار منافع خارجی رشد تولید ناخالص داخلی ایران که در سال ۷۲ ۹۶۹۰ درصد رسیده بود، در سال ۷۳ به رشد منفی ۴ درصد سقوط کرد. یکی از اهداف سیاستهای انقباضی دولت آن بود که با مهار بجران مالی جلوی سقوط ارزش پول ملی را بگیرد. در نتیجه نتایج حاصله همین یک نمونه کافی است که ریال از آغاز تا پایان سال ۷۳ به میزان بیش از دو سوم ارزش خود را از دست داده است.

بیداد گرانی و جنجال مبارزه با گرانی

اعمال سیاستهای انقباضی تنها به واردات و کنترل جریان ارز محدود نشد. دولت سراسیمه از و خامت وضع ذخایر ارزی و مالی خود فشارها را این بار مستقیماً متوجه توده مردم ساخت و سیاست حذف سوبسیدها و برچیدن سیستم توزیع کوپنی کالا های اساسی را در پیش گرفت. این سیاست به فاصله کمی منجر به آن شد که بهای کالا ها و خدماتی چون آب، برق، تلفن، مواد سوختی و خدمات پستی که همه آنها از سوی دولت و شرکت های وابسته به دولت عرضه می شد، بطور جهش وار افزایش یابد. همزمان، توزیع کوپنی برخی از کالا های اساسی حذف و عرضه آن دسته از کالا هایی که هنوز با سیستم کوپنی توزیع

سال ۷۳ برای اقتصاد ایران سالی توفانی بود. سال اوج بحران و هرج و مرج مالی اقتصادی و سالی که عمر تصمیمات و اقدامات دولت و حکومت برای مهار بحران و یا حتی تخفیف آن به شمار روز از تعداد انگشتان دست تجاوز نکرد و یکی پس از دیگری به شکست انجامید و حکومت گران در مانده و ناتوان چون پر کاهی در گردباد بحران سرگردان بودند. کمر مردم زیر فشار بار گرانی و مشقات اقتصادی بیش از پیش خم گردید. تولید داخلی دچار رکود بود، واردات از خارج به شدت کاهش یافت، نرخ تورم از مرز ۵۰ درصد گذشت و در هفته اخیر بنا به آمار منابع غیر دولتی تا ۸۰ درصد رسید. ریال، پول ملی کشور تنها در این یک سال بیش از دو سوم ارزش خود را از دست داد. کمبود ما یجتاح عمومی و گرانی آنها به درجه ای رسید که یک بار دیگر صفهای طولانی تهیه ارزاق عمومی همانند سال های جنگ ایران و عراق در مقابل فروشگاههای عرضه کالا های کوپنی برقرار گردید. ابعاد بحران چنان بود که همه رشته های دولت و حکومت در طول ۵ سال گذشته در زمینه اصلاحات اقتصادی و روی آوردن به اقتصاد بازار را رها کرده و دولت سراسیمه به سیاست ها و اقداماتی روی آورد که پایان دادن به آنها اهداف اصلی برنامه ۵ ساله دولت آقای رفسنجانی بود.

دولت در این سال توانست برای تمدید مهلت بدهی های خارجی و تجدید زمان بندی با زبردخت آنها با طرف های خارجی به توافق برسد، اما این امر مانع از آن نشد که فشار بدهی های خارجی بر اقتصاد کشور مرتفع گردد چنانکه، دولت ناگزیر است سالانه حدود ۷ میلیارد دلار از درآمد های خود را بابت پرداخت اقساط این بدهی ها کنار بگذارد. علاوه بر این، تجدید زمان بندی بدهی های خارجی منجر به آن نشد که همچون گذشته اعتبار خارجی در اختیار ایران قرار گیرد. بهای نفت در بازار های جهانی در نیمه دوم امسال اندکی افزایش یافت و درآمد ایران از فروش نفت تا حدی بالا رفت، اما چاه ویل بدهی های خارجی مانع از آن شد که این افزایش درآمد تأثیری چندان مثبت در فلات مالی دولت داشته باشد. سال ۷۳ را می توان سال کناره رفتن همه پرده ها و عیان شدن همه آن نا هنجار یها و گر ه های کوراقتصاد ایران دانست که حکومت اسلامی طی ۱۶ سال عمر خود آنرا به این روز انداخت.

در این مدت سال به سال توان تولیدی اقتصاد کشور رو به زوال رفته و به موازات آن و با سرعتی شگفت آور دلاری و واپس مانده ترین شکل اقتصاد تجاری تمام رگ و بی اقتصاد کشور را در چنبره خود گرفته است. دلایل اصلی نابسامانی اقتصاد ایران را باید در همین جاها جستجو کرد. با تضعیف اشتغال مولد و اقتصاد مولد، وابستگی کشور به ارز نفتی بیشتر شده و لذا هنر نو سانی در بهای نفت پایه های اقتصاد کشور را به شدت می لرزاند. اکنون در غیاب یک تولید ملی با بنیه و بنیانات، پول ملی کشوری پستوانه و آینده اش بس نگران کننده شده است.

سیاست "سفت کردن کمر بند ها" و ثمرات آن

بحران مالی ای که از اواسط سال ۷۲ در اثر کاهش چشمگیر در درآمد های ارزی دولت آغاز شده بود، در طول سال ۷۳ اثرات و خامت باری بر اقتصاد ایران بجای گذاشت. دولت نه تنها از با زبردخت بموقع بدهی های خارجی اش عاجز ماند، بلکه آنچه که از فروش نفت و صادرات غیر نفتی بدست می آورد کفایت هزینه های رانیز نمی داد. برای مقابله با عواقب این بحران مالی بود که دولت از اواسط سال ۷۲ سیاست انقباضی شدیدی را در پیش گرفت. اجرای این سیاست با وخیم تر شدن وضع مالی دولت در سال ۷۳ به مراتب شدید شد. نخستین اقدام دولت در این چارچوب، در دست گرفتن کنترل معاملات خارجی و تقلیل شدید واردات بود، بطوریکه میزان واردات کالا های خارجی که در سالهای ۷۰ و ۷۱ به بیش از ۲۹ میلیارد دلار رسیده بود، در سال ۷۲ به نصف و در سال جاری (۷۳) به حدود ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافت. گذشت سیاست کنترل و کاهش واردات بدانجا رسید که دولت اعلام کرد واردات هر کالایی که قبلاً در وزارت بازرگانی ثبت سفارش نشده و ارز آن از طریق شبکه بانکی تأمین نشده باشد، ممنوع است. علاوه بر این مجوز ورود کالا برای کسانی صادر می شد که معادل آن کالا ثبتی صادر کرده و ارز آن را وارد شبکه بانکی کشور کرده بود.

این تدابیر شامل سیاستهای ارزی و مالی نیز شد. ارائه ارز آزاد از سوی بانک مرکزی که در پی اجرای سیاست تک نرخی کردن ارز آغاز شده بود، قطع گردید. صرف نظر از اهداف و نتایج این سیاستها، دولت رفسنجانی گام به راهی گذاشت که از هنگام آغاز ریاست جمهوری اش هم خود و اساس برنامه های دولت خود را گسست از آن قرار داده بود. دولت با اتخاذ این سیاستها خواسته یا ناخواسته نقطه پایان بر آن مشی و سیاستهای اقتصادی نهاد که یکی از اهداف مهم آن کاستن از کنترل دولت بر اقتصاد و تأمین آنچنان شرایطی بود که عوامل بازار عرضه و تقاضا کنترل کننده و تعیین کننده روندهای اقتصادی باشد.

برای مهار بحران مالی، این بهای سنگینی بود که رفسنجانی می برداخت، اما این بهای بسیار سنگین تر شد و وقتیکه بجای نتایج دلخواه فاجعه ببار آمد. برای اقتصادی که بشدت به ارز خارجی وابسته است، برای کشوری که بیش از نیم از نیاز مند یهای اولیه خود را باید از خارج تهیه نماید، این سیاست صرفه جوییانه و کنترل و کاهش واردات تا به سطحی که امسال اعمال گردید، نمی توانست آثار و عواقب زیانبار بجای نگذارد.

موسسات مالی خارجی از صدور اعتبارات جدید برای ایران سر باز زدند و در تمام سال گذشته از هر گونه معاملات اعتباری با طرف های ایرانی خودداری کردند. گره اصلی بحران مالی دولت که همچنان ناگشوده مانده بود در جای دیگری بود. بهای نفت که منبع اصلی تأمین ارز برای دولت ایران است، تکان چندانی نخورد. علاوه بر آن نیمی از ارزی از نفت و غیر نفت بدست می آمد، می یا بست صرف با زبردخت بدهی های می شد.

از این رودر نزد طرف های خارجی جای نسبت به حال و آینده وضع اقتصاد ایران جای خوش بینی نبود که مجدداً اعتبار خرید در اختیار تهران قرار دهند. تنها اخیراً اعلام شد که شرکت بیمه دولتی "هرمس" آلمان حدود ۱۵۰ میلیون مارک کالا به ایران را بیمه کرده است. این اقدام دولت آلمان در این اوضاع و اوضاع و احوال گشایش و دستاوردی برای رژیم اسلامی است، ولی میزان آن چنان ناچیز است که دردی را دوا نخواهد کرد.

اما در کنار این خیر خوش خبر دیگری هم هست: نمایندگان شرکتهای خارجی در تهران می گویند که دولت ایران از آغاز سال ۹۵ به این طرف، دوباره از زبردخت به موقع تعهدات مالی خود به برخی شرکتهای خارجی باز مانده و مسئله معوقه ها پس از چند ماه از تو پدیدار شده اند!

اقتصاد غرقه در فساد

سالی که گذشت با روشن شدن یکی دو پرونده اختلاس و دزدی گوشه ای از فساد حاکم بر اقتصاد کشور نمایان گردید. آنچه که رو شد تنها پرونده اختلاس در دو شعبه بانک صادرات بود که رقم اختلاس ۱۲۴ میلیارد تومان بود. پرونده های سوء استفاده های کلان دیگر از جمله در شرکت دخانیات، بنیاد مستضعفان که هیچگونه حسابرسی در امور مالی آن وجود ندارد، وزارت معادن و فلزات، گمرکات کشور، وزارت نفت، شرکت ملی فولاد و ذوب آهن اصفهان و... آنچنانکه باید گشوده نشد و تنها خیر کوتاهی از هر یک از آنها به بیرون درز کرد. در گزارشی راجع به عملکرد بدو ده دولت در سال ۷۱ که از سوی نمایندگان مجلس تهیه شده، آمده است که تاکنون بیش از ۲۵۸۵ پرونده اختلاس و دزدی و حیف و میل اموال عمومی تشکیل شده است. اینها مواردی است که در عرف معمول و بنا به قوانین و مقررات، دزدی و چپاول محسوب می شود. ولیکن ابعاد فساد بسیار فراتر از اینهاست. امروز چنان آشفته بازاری بر گردش امور در اقتصاد کشور حاکم است که تمام سیستم از کل تا جزء آن فاسد است. هر کسی در هر گوشه ای که دستش به جانی از اقتصاد کشور بند است، به میزان قدرت و نفوذی که دارد و به اندازه ارتباطاتی که با کانون های قدرت می تواند برقرار نماید مشغول چپاولگری است. سردبیر روزنامه انگلیسی زبان "کیهان بین المللی" تصویر واضح تری از وضع ارائه داده است: "اوضاع از کنترل خارج شده است. همه در صدد چاپیدن یکدیگرند، تجار، واسطه ها، دلالان، تولید کننده ها، عمده فروشان، خرده فروشان، صادر کنندگان... در جستجوی غارت چیزهایی هستند که به دیگران تعلق دارند."

سیطره فساد بر اقتصاد ایران با هیچ جای دیگر و با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نیست. و این در درجه نخست معلول آن است که منافع بخش بزرگی از هیات حاکمه و بدنه پشتیبان آن با چنین سازو کار فاسد گردش امور آمیخته شده است. آنان تنها از رهگذر چنین نظامی است که می توانند کبسه های خود را به زیان ملت و منافع کشور هر روز برتر کنند بی آنکه به کسی حساب پس بدهند.

آینده تیره تر از امروز

آنچه آمد نگاه می از چند گوشه و البته نه چنان کامل و دقیق، به وضع اقتصاد ایران در سال ۷۳ بود. ناگفته پیداست وضعی که اقتصاد ایران در حال حاضر گرفتار آنست، نه عوارض سیاستهای یک یا دو سال و حتی ۵ سال گذشته، که بهیامد ۱۶ سال ویرانگری در اقتصاد ایران است. در این ۱۶ سال قدرت تولیدی اقتصاد ایران با آهنگی لا ینقطع فرسوده شده است. فساد و هرج و مرج تمام پیکره آنرا فرا گرفته است. امنیت و ثبات در چرخه اقتصاد ایران امری دست نیافتنی شده، پول ملی بی ارزش و نرخ تورم می رود که با اعداد سه رقمی نمایانده شود. نیمی از جمعیت فعال کشور بیکار است، فقر پیدا می کند و آینده اقتصاد و جامعه در غبار غلیظی از ابهام.

براستی کشور ما با این حال و روز اقتصادش به کجا می رود؟ مسئولان دولت چه برنامه ای برای حال و آینده ای اقتصاد زمین گیر و روه تلاشی ایران دارند؟

در این یکسال و نیمه که از حدت بحران اقتصادی در کشور میگذرد، سیاست گزاران رژیم هر چه در چنته داشتند به میدان آوردند و هر چه میخواستند برای مهار اوضاع بکار بستند بی آنکه کوچکترین نتیجه ای گرفته باشند و یا گوهی از کلاف پیچیده ای امور بگشایند. در یک کشور متعارف، آنجائیکه برای مردم حق سؤال و بازخواستی هست و مخالفان امکان حضور و بیان نظر دارند، چنین بحرانی نمی توانست چندین دولت را جابجا نماید و دهها مقام و مسئول را با بین و بالا کشد. در ایران ما اما چنین نیست. یک عده هر چه می خواهند می کنند و یا نمی کنند، بدون آنکه امکان سؤال یا بازخواستی از آنها در میان

برای ورزش ایران سال ۷۳ سالی برپا نبود. به جز کشتی آزاد هیچ یک از رشته های ورزش موفق به کسب پیروزی شایانی در میادین مهم قاره ای و جهانی نشد.

کشتی

تیم ملی کشتی آزاد ایران سال ۷۳ را با کسب مقام نیابت قهرمانی در جام جهانی آغاز کرد. در شهر یوروماه در مسابقات کشتی قهرمانی جهان تیم ملی کشتی آزاد ایران به مقام چهارم رضایت داد. پیش از آن در مرداد ماه آزاد کاران جوان ایرانی نایب قهرمان جهان شده بودند. در دوازدهمین دوره بازی های آسیایی در هیروشیما ژاپن نیز تیم ملی کشتی آزاد موفق ترین تیم ورزشی ایران بود. آزاد کاران ملی پوش ایرانی با کسب ۶ مدال طلا، یک نقره و دو برنز برپام کشتی آزاد آسیا ایستادند.



رسول خادم قهرمان طلای ۹۰ کیلویی ایران عنوان بهترین و فنی ترین کشتی گیر آسیا را از آن خود کرد. در بهمن ماه تیم ملی کشتی آزاد ایران موفق شد جام جهان پهلوان تختی را در خانه نگاه دارد. تیم ملی کشتی فرنگی ایران نیز پس از کسب نیابت قهرمانی در بازی های آسیایی هیروشیما در جام جهان پهلوان تختی به پیروزی رسید.

ورزش ایران در سال ۷۳ ناکامی های بزرگ

فوتبال

سال ۷۳ برای فوتبال ایران سالی بدون پیروزی بود. در اردیبهشت ماه تیم ملی فوتبال جوانان در مرحله مقدماتی فوتبال قهرمانی جوانان آسیا حذف شد و از صعود به دور نهایی بازی ها بازماند. تیم ملی نوجوانان ایران نیز در مرداد ماه طعم تجربه تلخ جوانان را چشید و در خانه پذیرای شکست شد و از دور نهایی جام ملت های آسیا به دور ماند. اما کاری ترین ضربه بر پیکر نحیف فوتبال ایران با حذف تیم ملی بزرگسالان در دور مقدماتی بازی های آسیایی هیروشیما پس از دو تساوی با بحرین و ترکمنستان، شکست در برابر چین و پیروزی بر چین وارد شد. فوتبالست های ملی پوش ایرانی که پس از تعویض چند سرمربی و بدون تدارکات کافی با به میدان بازی های آسیایی گذاشته بودند، در دفاع از عنوان قهرمانی ایران ناکام ماندند. در عرصه مسابقات باشگاهی نیز نمایندگان ایران در مسابقات قهرمانی باشگاه ها و مسابقات جام در جام قهرمانی آسیا توسط رقبای خود حذف شدند. سایپای تهران در جام باشگاه ها و جنوب اهواز در جام در جام به ترتیب در مقابل تیم های نفتچی ازبکستان و الشعب امارات متحده عربی از صعود به دور بعد بازماندند. عدم حضور در جام جهانی فوتبال نیز برای فوتبال و فوتبال دوستان ایران درد آور بود.

اما اگر چه تیم فوتبال ایران در جام جهانی حاضر نبود، درخشش فرهنگی مسئولان دوراندیش کشور اسلامی نام ایران را در این جام طرح کرد. همه فرستنده های رادیویی و تلویزیونی گزارش دادند که هنگام بخش مسابقات جام جهانی از تلویزیون جمهوری اسلامی هر گاه دوربین فیلم برداران جمعیت

حاضر در استادیوم را نشانه می رفت، مسئولان تلویزیون جمهوری اسلامی صحنه هایی از جماعت حاضر در مسابقات المپیک زمستانی را بخش می کردند تا دیدگان مسلمانان را از هجوم هیکل های بی حجاب فرنگیان کافر مصون دارد. گذشته از این، فوتبال موجب وقوع رویدادی مهم شد که جلوه آن محدود به امور ورزشی نماند. در یکی از هفته های آخر سال اعتراض حاضرین در استادیوم آزادی به داور دیدار استقلال و پیروزی با دخالت مأمورین انتظامی به نظاهرات ضد دولتی بدل شد. در جریان این نظاهرات بیش از صد هزار ایرانی به خیابان ها ریختند و علیه حکومت اسلامی شعار دادند.

بازی های آسیایی

در دوازدهمین دوره بازی های المپیک آسیایی هیروشیما کاروان ورزشی ایران با کسب ۹ مدال طلا، ۹ نقره و ۸ برنز و مجموع ۲۶ مدال ششم شدند. موفق ترین تیم های ورزشی ایران کشتی آزاد، کشتی فرنگی، سوزاکاری و واترپلو بودند که به ترتیب به مقام های نخست، دوم سوم و چهارم دست یافتند و بزرگ ترین ضربه حذف تیم ملی فوتبال در دور مقدماتی و پس از ارائه فوتبالی ضعیف بود.

وزنه برداری

تیم ملی وزنه برداری ایران اوایل سال در خانه برنده جام نامجو شد. جوانان وزنه بردار ایرانی در مغولستان بین چهار تیم، به مقام سوم آسیا رسیدند. جالب ترین رویداد وزنه برداری در سال گذشته سفر هیئت ورزشی وزنه برداری به مسابقات جهانی بدون همراه بردن

وزنه برداران بود. علت عدم سفر وزنه برداران عدم تامین بودجه مربوطه بود، امری که به هر جهت مانع از سفر همراهان به مسابقات جهانی نشد. این که هر کشور دیگری در مواجعه با کمبود مالی قلم قرمز را نه بر لیست ورزشکاران که بر لیست همراهان می کشید، واقعیتی غیر شرعی بود.

وزرش ایران هیچگاه در تمامی رشته ها سر آمد نبوده است، اما حداقل در سطح قاره از مدعیان بودیم. اوضاع در چند سال آغازین دوران حکومت اسلامی نیز با قدری افت همراه بود، گرچه در این سال ها حکام اسلامی مانع از حضور ورزشکاران ما در میادین بین المللی شدند. اما اینک چند سالی است که مردان و زنان ورزشکار ما اگر هم اجازه حضور در میادین بین المللی را کسب کنند، اغلب با امید یک معجزه به مصاف رقبای می روند و دریغ که حتی شق القمر هم تنها در عصر حجر یعنی برنده داشت. حیثیت ورزشی میهن ما هر روز پیش از پیش خدشه دار می شود.

فوتبال ما که روزگاری با اطمینان به پیروزی بر چمن می دید و جز از بد روزگار و حادثه ای نامرتقبه از پیروزی باز نمی ماند، امروز در برابر تیم های درجه دوم و سوم قاره نیز به سختی پیروز میدان بدر می آید و اغلب شکست می خورد و اگر اوضاع به همین منوال بماند چند سال بعد کمتر تیمی خواهد ماند که در دیداری ملی پوشان فوتبالست ما را به شکست و انداخته باشد. وضع در سایر رشته های ورزشی نیز وضع به همین روال است. حتی کشتی آزاد نیز درخششی چون قبل را ندارد.

سال گذشته نیز بر ورزش ما همان گذشت که در سال های پیش از آن. کمتر کشوری است که در دران ورزش رو به اضمحلال گذارد. حکام اسلامی در ایران در حال تکمیل این حدیثند.

مذاکرات سری

جمهوری اسلامی و اسرائیل درین

حزب الله پایان دهد. فرانکفورتر آگمانه نوشت گفتگوهای نمایندگان جمهوری اسلامی و اسرائیل، به طور مستقیم و رودررو انجام نگرفته است. طرفین در اتاق های مجزایی در دفتر صدراعظم آلمان حضور می یافته اند و پیام های آنان را اشمید باوئر، هماهنگ کننده سزوسن های جاسوسی آلمان به هم می رساند.

به دنبال انتشار گزارش مزبور، یک سخنگوی دولت بن گفت قادر به تأیید یا تکذیب فوری این خبر نیست.

روزنامه نگار آلمانی تدوین کننده این خبر گفته است که از شش ماه پیش در جریان مذاکرات سری بن قرارداد امنیتی خواسته است با افشای آن، جان رون آرادر را به خطر افکند. وی افزود اخیراً از فردی که در مذاکرات شرکت دارد، چراغ سبز انتشار خبر را گرفته و شنیده است آزادی آرادر، نزدیک است و افشای گفتگوها، جان آرادر را به خطر نخواهد انداخت.

سفارت جمهوری اسلامی در بن، ضمن تکذیب گزارش فرانکفورتر آگمانه مدعی شد که جمهوری اسلامی و اسرائیل، گفتگوهای نداشته اند و فرستادن آنها فرستگانی به تقاضای هلمرت کول صدراعظم آلمان دستور داده است مقامات جمهوری اسلامی دست به جستجوی آرادر بزنند، اما این جستجو بی نتیجه مانده است. اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل نیز ادعای مشابهی دارد و می گوید از گفتگوهای ناموفق آلمان با جمهوری اسلامی برای آزادی آرادر اطلاع دارد.

آینده تیره تر از...

می تواند به گشودن آن همت گمارد. به چند نمونه اشاره می کنیم: اقتصاد ایران از باری هزاران مدیر و برنامه ریز و کارشناس آگاه و مہین دوست بی بهره است. ایشان با در داخل کشور متکوب و منزوی اند و با جلائی وطن کرده و در خارج پسر می برند. اقتصاد ایران نه تنها از امکانات بین المللی و سرمایه گذارهای خارجی و دسترسی به بازارهای جهانی بی بهره است، بلکه از خارج از مرزهای کشور آشکارا زبر فشار است. اقتصاد ایران خوب بی ثباتی سیاسی و عدم امنیت قضایی را می خورد که ۱۶ سال است همچنان بر کشور ما مستولی است. در اقتصاد ایران فرهنگ غالب نه فرهنگ کار و تولید، که فرهنگ دلالتی و تجارت است. اقتصاد ایران بی هیچ کنترلی جولانگاه تاراجگری مشتکی دلال و تاجر و جیره خواران آنهاست، که در نزد آنها منافع جامعه و مصالح کشور فاقد معنا و سخنان پوچی بیش نیست.

اینها و بسیاری دیگر چون اینها، گره های اصلی و ماندگی اقتصاد کشور ما هستند و تا باقی اند، اقتصاد ایران طریق نجات نخواهد برسد. و آشکار است که همه اینها معلول علت های کاملاً سیاسی اند. آن نظم و سیستم سیاسی اند که روحانیون و شرکای بازاری آنها بر کشور ما تحمیل کرده اند و تا این حکمرانان و این نظم سیاسی پابر جاست، بسیار بعید است گشایشی در اوضاع و روزنه ای امید در برابر اقتصاد ایران پدید آید.

ادامه از صفحه ۹ باشد. در حوادث توفانی سال ۷۳ تنها دکتر عادل بود که قربانی بحران شد و او نیز اگر شکاف و چند دستگی درون هیات حاکمه نبود، به احتمال زیاد هنوز در پست و مقام خود باقی بود. اکنون وضع بجایی رسیده که ادامه آن دیگر مقدر نیست. این را خود حکومتهای نیز بخوبی فهمیده اند.

اما، راه پیش رو کدام است؟ آیا اقتصاد ایران دوباره به دوره سیستم بسته و ریاضت کشانه ی زمان جنگ با عراق باز خواهد گشت؟ هر چند تمایلاتی در این جهت در لایه های زیرین پدیدار شده، اما، نه تجربه شکست خورده آن دوره و نه آرایش نیرو در میان دسته بندی های حاکمه اجازه بازگشت مجدد به نظم آن دوره را نخواهد داد.

اکنون باره ای خیرهای درخند شایعه حاکی از آنست که بزودی تیم تازه ای به جای مسئولان و سیاست گزاران فعلی اقتصادی وارد میدان شده و تمسیت امور بر عهده خواهند گرفت. از برخی از مہرہ های رسالتی از جمله علینقی خاموشی نیز در این میان نام برده می شود. ولی سؤال اینجاست این تازه واردان احتمالی و حتی قطعی بفرض صحت خیرها چه خواهند کرد که از دست آن دیگران بر نیامد و یا نخواهند انجام دهند؟

حقیقت آنست که گره کور اقتصاد ایران در جاهایی است، که این حکومت و هیچیک از محافل و دسته بندی های آن نه حاضر است و نه

منحرف کردن افکار عمومی از علل اصلی بروز این حادثه می باشد. به این ترتیب نکات مهم فراوانی پیرامون علل این سانحه وجود دارد. در صورت روشن نشدن این نکات بیم آن می رود که مسئولان واقعی مرگ ۶۶ سرنشین بی گناه هواپیمای ساقط شده شناخته نشوند و تعدادی از کارمندان عادی و خدمه ی پروازها به عنوان مقصر به مردم معرفی شوند.

نویسنده و سیاست

سوتینکا: دروجه عمده نه. باید اشاره کنم که خطر تنها از سوی دولت ها نیست. تنگاتنگ تر شدن ارتباطات جهانی برای مثال نتوانست مانع حمله متعصبان مذهبی مصر به نجیب محفوظ شود، این ارتباطات همچنین نتوانست حکومت نجریه را از انحلال در کار و فعالیت من بازدارد. البته گسترده تر شدن پیوند های جهانی در جنبه های معنی کار ساز و مفید است و من هم قصد نفی و یا انکار جنبه های سود مند این پیوند ها را ندارم. منتها صرف نظر از هر گونه چتر حمایتی است که به دستبرد به حقوق اجتماعی فردی دارد و همین باعث می شود که همه جویندگان واقعیت اعم از نویسندگان، نقاشان و یا آهنگسازان را دشمن خود می داند.

علت سقوط هواپیمای فوکر: رازی مکتوم؟!؟

لغو یوآد ستگیری یا بازجویی مکرر کادر پروازی هواپیمایی، وقفه ی جدی در کار پرواز این شرکت ایجاد شده است. بر خورد دستگاه قضایی کشور با دستگیر شدن گان مناسب نبوده و با آنها بد رفتاری شده است اظهارات و اقدامات ضد و نقیض مسئولان و نهاد های رژیم در مورد سانحه ی جانگداز سقوط هواپیمای آسمان نشان دهنده ی تلاش آنان برای

برای کشف علت بروز سانحه ی هوایی باشد. مسئول دیگری درباره ی جمعی سیاه هواپیمای مزبور اعلام کرده است که آسیب دیدگی ظاهری مشکلی بوجود نمی آورد و مکالمات قابل استفاده است و جمعی سیاه به فرانسه ارسال شده است. ظاهراً بر اثر شکایت بازماندگان قربانیان حادثه، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی موضوع علل سقوط هواپیمای شناسایی مقصران احتمالی آن را پی گیری می کند. یزدی رئیس فوهی قضایی در نیمه ی دی ماه اعلام کرد که تحقیقات مربوط به سانحه انجام شده و پرونده آماده شده و ظرف یکی دو هفته پس از آن به محکمه ارسال خواهد شد.

با این وجود در هفته پیش منشی کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که گماکان مراحل تحقیق ادامه دارد و این کمیسیون در جلسه خود تصویب کرده است که دستگاه قضایی موضوع رسیدگی به پرونده رادر کنار کمیسیون جلوگیری از بروز سوانح پیگیری کند. در هفته اخیر تعدادی از پروازهای شرکت هواپیمایی آسمان در مسیرهای مختلف از جمله تهران - خرم آباد، تهران - سنج و غیره بدون ذکر دلیل

با گذشت بیش از ۵ ماه از سانحه ی دلخراش سقوط هواپیمای فوکر متعلق به شرکت آسمان در پرواز از اصفهان به تهران، که به مرگ تمامی ۶۶ سرنشین آن منجر شد، هنوز مسئولان رژیم و دستگاه قضایی آن، علت بروز این سانحه را فاش نکرده اند. بر پایه ی اطلاعات رسیده از ایران این هواپیمای ۵۵ هواپیمای فوکر اف ۲۸ خریداری شده از سوی ترکیه بوده است که ۳ عدد آنها در خاک ترکیه سقوط کرده و متعاقب آن ترکیه یکی از دو هواپیمای باقیمانده را به کانادا و دیگری را به فرانسه فروخته بوده است. معلوم نیست چگونه این هواپیمای دوباره توسط فرانسه به ایران فروخته شده است و چه کسانی (فاعدتا با اطلاع از همه ی این سوابق) این معامله را تدارک دیده اند.

اظهارات ضد و نقیض مسئولان جمهوری اسلامی این حدس را دامن می زند که آنان در لاپوشانی علت بروز سانحه منافع شخصی دارند. اکبر ترکان وزیر راه و ترابری در اوایل آذرماه علت سقوط هواپیمای یک پدیده ی ناشناخته (؟) اعلام کرد و نایب رئیس کمیسیون راه ادعا کرده است که جمعی سیاه همواره طوری طرح ریزی و تعبیه می شود که در هر شرایطی حاوی اطلاعات لازم

زنان در جهان، زنان در ایران

بیش از هشتاد سال است که جهان روز ۸ مارس را گرامی می‌دارد، روزی که نقطه عطفی در جنبش جهان زنان و فرصتی سالانه که برای بازنگری فعالیت‌ها، مبارزات و دستاوردهای گذشته و تعیین خطوط و اهداف آتی این جنبش است.

کلا راتسکنین زن مبارز و چهره برجسته نهضت زنان و جنبش چپ آلمان سال ۱۹۱۱ با پیشنهاد این روز به عنوان روز جهانی زن بر آن بود که ظلم و اجحاف و تبعیضات جنسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی در حق زنان بیش از پیش عیان و برجسته شود و زنان به مبارزه‌ای متحدانه ترو آگاهانه تدریجاً حقوق خویش گام نهند. از آن هنگام تا کنون به یمن مبارزات زنان و نیروهای مدافع حقوق آنها هم سیمای جهان دگرگون شده و هم موقعیت زنان کمابیش تغییر یافته است. امروز دیگر جهان بیش از هر زمان دیگری به این واقعیت آگاهی دارد که بدون زنان و مشارکت فعال آنها در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و تولیدی و بدون تأمین برای زن و مرد حل مشکلات بشری در سطح ملی و چه در مقیاس بین‌المللی غیرممکن است. بی‌سبب نیست که ظرف همین یکسال اخیر در دو کنفرانس بزرگ بین‌المللی یعنی هم در کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه در قاره‌ها و هم در کنفرانس جهانی در باره مسائل اجتماعی در کنهنگ که سه روز پیش پایان یافت مسئله زنان، افزایش آگاهی آنان و تأمین حقوق حقه‌اشان بعنوان یکی از اصلی‌ترین کلیدهای حل مسائل عموم بشری و یکی از ملزومات دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی تلقی گردید و در بیانیه‌های

پایانی این کنفرانس هادول مختلف به اجرا و رعایت حقوق زنان فراخوانده شدند. در بیانیه پایانی اجلاس کنهنگ که از سوی رهبران و هیئت‌های نمایندگی ۱۸۰ کشور جهان به امضاء رسیده است چنین می‌خوانیم: "ما خود را موظف به تحقق برابری و عدالت میان زنان و مردان و تقویت نقش رهبری زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روندهای توسعه می‌دانیم. گنجانده شدن این بند در وجه عمده محصور تلاش جنبش زنان کشورهای مختلف و پیگیری و با فشاری نمایندگان آن در روند برگزاری کنفرانس است. بی‌شک این آگاهی جهانی به اهمیت نقش و موقعیت زنان و نیز افزایش خود آگاهی زنان در راه کسب حقوق خویش و پاسداری از آنها، در کنفرانس جهانی زن که از سوی سازمان ملل تاپستان امسال در پکن برگزار خواهد شد نیز نمود و تجلی بارزتری خواهد یافت و برای مبارزه زنان جهان و همه نیروهای مدافع آنها پشتوانه محکمی پدید خواهد آورد.

یکی از امضاء کنندگان بیانیه‌های قاهره و کنهنگ رژیم جمهوری اسلامی است. تعهد عملی به این امضاء با توجه به سابقه و عملکرد رژیم مستلزم چرخشی اساسی در دیدگاه‌ها و نگره‌های آن و در واقع امری ناممکن است. زنان میهن ما که تا سال ۱۳۵۷ با محدودیت‌های ناشی از قوانین مدنی و فرهنگ و سن مردسالارانه مواجه بودند با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی با قید و بندهای قرون وسطایی دیگری روبرو شدند که

مقررات زن ستیز مربوط به حقوق خانواده و گردن نهادن به حضور زنان در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی... و ادانت. زنان مادر تلاش خود برای عقب نشاندن رژیم بر خود آگاهی خویش نیز پیوسته افزوده اند و به درکی روشنتر از حقوق خویش رسیده‌اند. با این همه جنبش زنان ایران همچون سایر گروه‌ها و گرایش‌ها به سبب محدودیت‌ها و موانع رژیم از تشکل و انسجام لازم محروم است و هنوز هم ناگزیر از مبارزاتی غیرمنسجم و سازمان نیافته است. صد البته امروز بر شمار نشريات مستقلی که بیانگر نیازها، خواست‌ها و اعتراضات زنان باشند افزوده شده است لیکن اینها در نهایت امر نمی‌توانند جایگزین تشکل مستقل زنان و مبارزات هدفمند و سازمان یافته آن شوند.

به مناسب سالگرد گذشت دکترها دارایی مرگ بر استبداد!

آرش افسانه بود، همارابه چشم دیدیم. استاد بود. مبارز بود. انسانی بود سرشار از عشق زندگی. سرد و گرم چشیده و روزگار دیده بود. درمانده نبود، اوج غیرت و همت بود. عصیان علیه سیاهی بود. می‌خواست نقطه پایان زندگی‌اش اخگر امید و آگاهی باشد. شراره‌ای باشد در دل تاریکی. می‌خواست طنین فریادش علیه استبداد از بر و ج باری شب پرستان انسانیت ستیز فراتر رود و به گوش جهانیان برسد. بر ما بنگرید ای جهانیان. اینان سفیران تباهی و آزادگی‌اند. بر ما بنگرید ای جهانیان. برستمی که بر ما می‌رود. اینجا خلقی دریند است. اینجا نه من بلکه انسانیت است.

علم و البسه

امیر مبینی

خواه بودند باز زنان را سبک کرده و آنان را مخیر فرمودند که از بین ماتن و روری یا بلوز و دامن و روسری هر کدام را می‌پسند انتخاب کنند، و البته روشن است که در صورت انتخاب چادر خیر اخروی داشته است. قطعات مجاز برای تماشای دم از نظر آنها عبارت بود از دو کف دست و گرده صورت و شاید چهار انگشتی از چانه به پایین. و اما چند کلمه از چپ جنگی بشنوید که از همه شنیدنی‌تر است. اینان که سبیل در سبیل و چکش در داس بیخ ریش حزب الله سبز شده بودند با یک انقلاب مهیج تونیک و شلوار را پیش کشیدند با گیس کوتاه یا افسان نشسته و جانم برای شما بگویند نه تنها دو کف دست و گرده صورت و چهار انگشت زیر گلو همچنین از زیر کتک زانوبه پایین و نیز به اندازه یک وجب از بازو آزاد اعلام کردند. البته با یک قانون پنهانی که تماشای بیش از اندازه مناطق مذکور را مستوجب اخراج فوری از گروه می‌دانست، کاری که پیش از انقلاب کفرش می‌توانست خیلی سخت‌تر باشد.

الباقی، از چپ دنیا دیده اورتونست تا انواع و اقسام لیبرالها - از لیبرال‌های معطر و نیمه معطر گرفته تا بی‌بو و خاصیت‌هایی که ریش را تراشیده و به جایش سنبله جسدانده بودند - به خاطر وحدت ملی رد توامان چادر و مینی‌ژوپ را اعلام کرده و فیما بین این دو قطب را انتخاب احسن می‌دانستند، اگر چه در خفا از این هم می‌توانستند آتش را شورتر بکنند. (خوب البته حساب مادر بچه‌ها سواست!)

طاعتی‌ها که پیش از این خدمت شکم خودشان رسیده بودند و حالا نیازهای جدیدی داشتند، سخت کنجکا بودند که دیگران چه در بقیچه دارند و به همین خاطر از مدتها پیش مینی‌ژوپ را با همه مخلفاتش مجاز اعلام کرده بودند، با یک شرط، و آن اینکه جنس لطیف از یاز نبرد که اصولاً برای چه هدفی این آزادی را یافته است!

اما از قدیم گفته‌اند که چاه کن توی چاه می‌افتد. همین مینی‌ژوپ سبب وحدت کلمه همه فرق ناموس پرست، علیه آنها شد و تا آمدند به خود به جنبند مجموعه عساکری که شمردیم نعره زنان بر

تازه من این یکی را هم نمی‌دونم، استکبار جهانی...
-ببین دخترم، همان لباسی که مادر بزرگ توی عکس خودش به تن داره اسمش "حجاب" (و خنده همچنان ادامه داشت)
-به همان "چاردور" میگن جحاب (و خنده شدیدتر ادامه یافت)
-بابا تو شریعت گرفته‌ها. اگه بدونی که امروز باید چکار کنی اونوقت اصالتی خندی، امروز روز زنه و باید بری برای ماما مان هدیه بخری، برای من هم! ماما مان گفت.
سلسله گیسوان از سلسله در رفته را چرخ می‌داد و ورقص کتان گرد بساط من دوری زد و از اتاق بیرون رفت.
انگار که از تاریخ من بیرون رفت. من ماندم و تاریخ خودم، و مقایسه دو تاریخ و دود دنیا. صفحه روشن رفته رفته به تیرگی می‌گراید، و صفحات انقلاب یکی یکی ظاهر می‌شوند، و گروه‌های سیاسی که با می‌کوبیدند، و طبل و شنبور و چکمه و شمشیر و نبرد و غوغا و شعار و شعار و شعار...
در این صحنای محشر دنبال موضوع به هر دری زدم تا اینکه به میدان انقلاب رسیدم مردم گوش تا گوش صف کشیده بودند و به یکدیگر جنگ و دندان نشان می‌دادند. هر جریان با شکوه و هیمنه بسیار در کنار علم و کتل خود دستورا عملی هم برای آزادی زنان و آگاهی هم برای البسه زبر و روی این طایفه حمل می‌کرد.
به ترتیب صف آرایی که در نظر بگیریم جنبش جوشن بوش حزب الله ریش در ریش در منتهی‌الیه سمت راست میدان کمین کرده و آفرینته‌ای خوف انگیز را با ترگ و وزره و چادر و مقنعه و نقاب و دیگر آلات حرب و ضرب پیش انداخته بود تا نمودار الگوی جدید زن ایرانی باشد.
درست بیخ دنده چپ آن، گروه دیگری از حزب الله ضعیفه‌ای را کت بسته درماند و مقنعه نپانده بود و چادر سیاهی هم به عنوان زرزوری شانه‌اش آویزان و خلق را بین دو انتخاب سرگردان کرده بود. بیخ دنده چپ این جماعت انبوه گروه‌های ریز و درشتی صف کشیده بودند که از وسط آنها علم مجاهدین مثل قله دماوند و شاید هم چند هزار متری بلند تر از آن گردن کشیده بود. از آنجا که اینها دیگر خیلی آزادی

از مارس تا سپتامبر کارزار جهانی برای حقوق زنان

- ۱- نقض حقوق بشر در مورد زنان امری روزمره و جهانشمول است. از این رو امسال سازمان عفو بین‌الملل تحت عنوان "زنان در اقدام" در خطر کارزاری را سازمان داده که از ۸ مارس شروع و تا ۴ سپتامبر ادامه می‌یابد. صدها گروه و انجمن در هفته‌ها و ماه‌های آتی با اقدامات و فعالیت‌های مختلف نظر افکار عمومی جهان را متوجه گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل درباره نقض حقوق زنان در چهار گوشه جهان خواهند کرد و از این رهگذار افراد بیشتری را جهت اعمال فشار بر رژیم‌های زن ستیز ترغیب و تشویق خواهند نمود.
- ۲- تصویب و اجرای قرارداد‌های بین‌المللی در مورد حمایت از حقوق بشر
- ۳- رفع تبعیض‌هایی که مغایر حقوق انسانی زنان است
- ۴- پاسداری از حقوق انسانی زنان در درگیری‌ها و منازعات مسلحانه
- ۵- منع و جلوگیری از تجاوز، سوء استفاده جنسی و اشکال دیگر شکنجه و بد رفتاری توسط نیروهای دولت‌ها و گروه‌های شبه نظامی حامی آنها
- ۶- ممنوعیت از تاپدید کردن و ترور دولتی از سوی نیروهای امنیتی و پرداخت خسارت به قربانیان
- ۷- عدم تعقیب و پیگرد بخاطر روابط و مناسبات فامیلی
- ۸- مراقبت از سلامت زنان زندانی
- ۹- آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی که در مبارزه‌اشان از سلاح استفاده نکرده‌اند.
- ۱۰- محاکمات سریع منصفانه در مورد همه زندانیان سیاسی
- ۱۱- ممنوعیت از نقض حقوق بشر در مورد مهاجرین، پناهنجویان زن همچنین در مورد زنانی که در داخل کشور خود تبعید می‌شوند.
- ۱۲- لغو مجازات اعدام
- ۱۳- حمایت از فعالیت سازمان‌های چند ملیتی و غیر دولتی
- ۱۴- اشاعه و تقویت حقوق زنان به عنوان بخشی از حقوق بشر از طریق برنامه‌های درسی و تربیتی.
- ۱۵- ممنوعیت از حمله گروه‌های سیاسی مسلح به زنان

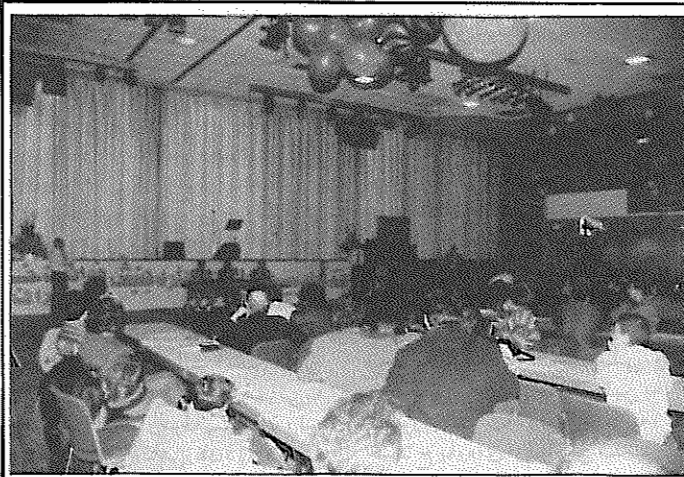
۱ - به رسمیت شناختن جهانشمولی و تفکیک ناپذیری

بحث و گفتگو با اعضای شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون

اتحادها، جمهوری اسلامی، حکومت آینده، حقوق خلق ها...

یک چنین آلترناتیوی که از پیش می خواهد همه را قلع و قمع کند مخالفت می کنیم. و مانند سلطنت طلبان و اسلامی ها می خواهیم آنان را تضعیف کنیم.

اما پیرامون انقلاب، یک عده هستند که انقلاب را عوامی گیرند و یک عده دیگری جشن می گیرند مثل یک مائده آسمانی و خیر و برکت. ما با هیچ کدام از اینها نیستیم. ما بر دستاوردها، آرمانها و ارزشهای انقلاب تاکید داریم اما جهات منفی این انقلاب را انتقاد می کنیم و این در حالی است که پیشنازترین رادیکالهای این انقلاب بودیم. نمی خواهیم یک بار دیگر مردم فقط "نه بگویند" مردم ایران باید برای اثبات بسج شوند. ما هم می گوئیم که این رژیم برود ولی بیش از آن تلاشمان این است که کدام سیستم، ساختار باید جایگزین شود.



به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق، ۳۳ تن از اعضای شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقا: مهدی ابراهیم زاده، علی پورنقوی و بهزاد کریمی، در یک جلسه بحث و گفتگو پیرامون سیاستهای فدائیان (اکثریت) شرکت کردند. فشرده ای از پرسشها و پاسخها را در زیر می خوانید:

سوال: شما اشاره کردید که جمهوری اسلامی باید برود. بنظر شما اگر در این شرایط این رژیم برود با توجه به اینکه ایران ترکیبی از ملیتهای مختلف است آیا سرانجام ایران چیزی مانند افغانستان یا یوگسلاوی باید تراز آن نباشد؟

علی پورنقوی: اگر یک پاسخ کلی به این سوال بخواهم بدهم این خواهد بود که رفتن جمهوری اسلامی می تواند به نتایج مختلفی منجر شود اما مقدمتاً در این حال با تاکید بر همین دو وانشناسی که شاید جمهوری اسلامی هم در ایجادش توفیق داشته است اشاره کنم که ظاهراً رفتن این رژیم موجب چنان خلالتی خواهد شد که نتیجه کار افغانستان خواهد بود یا بدتر از آن و نتیجه گیری منطقی این خواهد شد که پس بگذار این رژیم بماند! این آن نتیجه خطرناک و اشتباهی است که چنین روشناسی بدان منجر خواهد شد. اضافه بکنم که رژیم جمهوری اسلامی در خلال ۱۶ سال حاکمیتش اگر ایران را به افغانستان تبدیل نکرده است، همانگونه که پرسش گران و پاسخ گویان اذعان داشتند کشور را به جایی رسانده که چشم اندازی بهتر از بنگلادش جلوی روی نیست در شرایطی که این حاکمیت تداوم یابد. در این صورت و با وجود یک چنین حاکمیتی الزاماً آینده ای بهتر از افغانستان را در پیش رونداریم. مطمئناً با رفتن جمهوری اسلامی نتیجه کار بدتر از تداوم حاکمیت سیاه این رژیم نخواهد بود.

سوال: نوع موازین تشکیلاتی و دموکراسی درون حزبی در سازمانهای گوناگون - مثلاً در حزب توده ایران، تا چه حد مورد توجه شماست و در رابطه با تعیین خط مشی تان با آنها چه تأثیراتی می گذارد؟

پاسخ: در هر دو مورد اشاره شده است که روند اتحاد نیروهای دموکراتیک کند است. آیا شما فکر نمی کنید در طی زمان و در اثر ضعف امکانات تبلیغی خلالتی بین سیاستهای طرح شده از جانب رهبری و اعضای سازمان ایجاد شده است؟

پاسخ: در حرکت بزرگ اعتراضی توده مردم در استادیوم آزادی این نکته شایان توجه بود که مردم هیچ شعاری در حمایت از هیچ سازمانی را ندادند. آیا این دلیل بر کم کاری سازمانهای سیاسی از جمله فدائیان در عرصه داخل کشور نیست؟

ما احببای انقلاب بهمن یعنی استقلال و عدالت اجتماعی می تواند و باید محتوای یک جنبه متحد باشد.

بهزاد کریمی: با تاکید بر مطالب مندرج در نشریه کار سعی خواهم کرد تا قدری این دو نکته را توضیح دهم. ما همواره اعلام کرده ایم که مخالف سیاست "همه باهم" هستیم در عین حال ما مخالف نفی موجودیت یکدیگر هم هستیم. ما برای هر جریان فکری سیاسی و هر نحله اجتماعی، تاریخی جامعه مان حق حیات قائلیم. ما اعلام می کنیم که سلطنت طلبان یک بخش از این جامعه هستند. آنها حق دارند حزب خودشان را داشته باشند. ما خوشحال خواهیم شد و حتی تلاش می کنیم تا سلطنت طلبان را به حزب تشکیل دادن سوق بدهیم چون به دموکراسی بمشابه یک فرهنگ می اندیشیم. بگذار اینها دیگر رئیس قبیله نداشته باشند و در خانه آنها هم دموکراسی ولو قدری راه بیفتند. بسود

سوال: شخصی بنام نادر صدیقی در روزنامه نیورون مقاله ای داشتند تحت عنوان "حالا نوبت من است". ایشان صحبت از دیالوگ و ارتباطی با نیروهای سیاسی کرده است. آیا سازمان یا افراد شما هم جزو چنین نیروهای بوده است؟

پاسخ: ایشان صحبت از دیالوگ و ارتباطی با نیروهای سیاسی، اخلاقی و حسن اعتماد نمی دانند. ۳- چرا سازمان شما در مقابل چنین مقاله ای هیچ موضعگیری نکرد؟

مطلب در دادگاه میگویند هم مطرح شد و این بود که نادر صدیقی با یک عده از فعالین سابق سیاسی که ارتباطی با سازمانها نداشتند ارتباط گرفت و در آن موقع هم پاسخی در نشریه کار درج شد که ما از مذاکره با هر نیروی سیاسی حتی جمهوری اسلامی هیچ هراسی نداریم ولی این مذاکره باید علنی باشد و موضوع مشخص و در جریان باشد و وقتی تازه از فرنگ برگشته بود حرفهای نرم و لطیفی می زد که با پدر قلدرش قابل مقایسه نبود. اما چه پیش آمد که از او کسی ساخته شد که هیچ خدایی را بنده نبود.

بنابراین ما بر تجارب تاریخی تاکید داریم و سعی می کنیم جبهه ای از جمهوری خواهان را تشکیل دهیم اما هر جمهوری خواهی را؟ خیر بصرف جمهوری خواهی که دموکرات نمی شود. به همین دلیل می گوئیم جمهوری خواهان دموکرات. ما در چنین سستی می خواهیم این نیرو را متحد کنیم تا برآید و آلترناتیو شود. ما مخالف موجودیت مجاهدین نیستیم. حتی آنان را به مذاکره دعوت می کنیم اما در عین حال مواضع غیر دموکراتیک شان را مورد انتقاد و افشا قرار می دهیم. ما با

مقاطع کوتاه در تاریخ دیده شده که تمرکز به ترقی و رشد منجر شده ولی نه به دموکراسی و اصل متباین و متناقض با دموکراسی است. اگر چه هر عزم تمرکز لزوماً دموکراسی نیست.

دلیل دیگرمان نیز بخاطر موقعیت قومی و ملی کشورمان است. بنا بر این در گنگره اول در فورمولیندی ما فدرالیسم بود ولی آن فدرالیسم را ما در چندین مقاله توضیح دادیم که، این فدرالیسم در کشورمان با ویژه گیهایش خواهد بود. هم واحدهای جغرافیایی مثل المان با فدرال های مختلف خواهد بود هم به اعتبار ناظر بودن بر فرهنگها، زبانها، گویش ها، سنت ها و... پاسخ خواهد گفت. در گنگره دوم و سوم بحثی بود که مقوله فدرالیسم نا روشن و نیازمند تحقیقات کارشناسانه بیشتری است در نتیجه ما بر روی محتوا تاکید داشته باشیم ولی خورد واژه را نیاوریم.

سوال: شخصی بنام نادر صدیقی در روزنامه نیورون مقاله ای داشتند تحت عنوان "حالا نوبت من است". ایشان صحبت از دیالوگ و ارتباطی با نیروهای سیاسی کرده است. آیا سازمان یا افراد شما هم جزو چنین نیروهای بوده است؟

پاسخ: ایشان صحبت از دیالوگ و ارتباطی با نیروهای سیاسی، اخلاقی و حسن اعتماد نمی دانند. ۳- چرا سازمان شما در مقابل چنین مقاله ای هیچ موضعگیری نکرد؟

مطلب در دادگاه میگویند هم مطرح شد و این بود که نادر صدیقی با یک عده از فعالین سابق سیاسی که ارتباطی با سازمانها نداشتند ارتباط گرفت و در آن موقع هم پاسخی در نشریه کار درج شد که ما از مذاکره با هر نیروی سیاسی حتی جمهوری اسلامی هیچ هراسی نداریم ولی این مذاکره باید علنی باشد و موضوع مشخص و در جریان باشد و وقتی تازه از فرنگ برگشته بود حرفهای نرم و لطیفی می زد که با پدر قلدرش قابل مقایسه نبود. اما چه پیش آمد که از او کسی ساخته شد که هیچ خدایی را بنده نبود.

بنابراین ما بر تجارب تاریخی تاکید داریم و سعی می کنیم جبهه ای از جمهوری خواهان را تشکیل دهیم اما هر جمهوری خواهی را؟ خیر بصرف جمهوری خواهی که دموکرات نمی شود. به همین دلیل می گوئیم جمهوری خواهان دموکرات. ما در چنین سستی می خواهیم این نیرو را متحد کنیم تا برآید و آلترناتیو شود. ما مخالف موجودیت مجاهدین نیستیم. حتی آنان را به مذاکره دعوت می کنیم اما در عین حال مواضع غیر دموکراتیک شان را مورد انتقاد و افشا قرار می دهیم. ما با

سوال: در استراتژی شما اشاره می شود به جمهوری دموکراتیک پارلمانی. کلمه ای که من در آنجا علاقه دارم ولی دیده نمی شود، کلمه فدرالیست است. شما چگونه با مسئله فدرالیست برخورد می کنید؟

بهزاد کریمی: پیرامون موضوع فدرالیست باید عرض کنم که در استادیوم ماروشن و صریح آمده است که ما طرفدار سیستم عدم تمرکز در ایران هستیم و آنهم بدلیل باور به دموکراسی از تمرکز هیجوقت دموکراسی حاصل نمی شود. در

تشخیص داد تا اسم گذاری روی نیروها یا ذکر نشان دادن نیروها. زیرا این واقعیت حداقل در مورد سازمان ما روشن است که بقول "برشت": آنچه که هست اینگونه نمی ماند.

باری، با این ملاحظه باید بر این مبنای بعنوان نیروهای که مادر چارچوب جبهه ای آمادگی همکاری با آنها را داریم به این موارد اشاره کنم: ۱- باور به رای مردم در مورد نظام آتی حکومت ایران. ۲- هم باور داشت به لزوم جدائی دین از دولت. ۳- احترام به تمامیت ارضی در مقابل تجاوز بیگانه. ۴- باور داشت به دموکراسی و وفاداری به دموکراسی. منتهی باید تاکید کنم که سازمان اکثریت بر این نظر انحصار طلبانه نیست که یک جبهه بلا منازع از چنین نیروهایی باید تشکیل شود و نیروی بلا منازع بدون رقیب و انحصاری جمهوری اسلامی فعلی باید باشد. ما بر این باور هستیم که به یمن نهادهای دموکراتیک درون جامعه که هنوز شکل نگرفته اند، هر نیروی سیاسی باید در جامعه ما شانس خودش را برای گرفتن قدرت داشته باشد.

در مورد اینکه چه و راست توسط کدام عوامل در جامعه کنترل می شوند؟ این شاید آموزش شناخته شده ای باشد بخصوص وقتی که با کشورهای اروپایی مقایسه کنیم که در این قبیل جوامع بلحاظ شکل گیری نهادهای سیاسی مردمی دموکراتیک، کنترل در اساس توسط این نهادها صورت می گیرد. چنین نهادهایی در جوامع ما شکل نگرفته بجز در مقطعی که جامعه در حال جوش و جنبش بوده ما کمتر چنین نهادهایی را شاهد بودیم در نتیجه انگشت گذاشتن بروی یک نهاد مردمی و عمومی در جامعه ما و مدعی این شدن که این فلان نیرو کنترل خواهد کرد غیر ممکن است.

تا آنجا که بهمهده سازمانهای سیاسی است ما میگوئیم که نیروی تعدیل در جامعه با ششم شاید از این زاویه بتوان و فاعدا می توان موضعگیریهای سازمان را در قبال نیروهای مختلف جامعه سیاسی ایران توضیح داد.

سوال: در استراتژی شما اشاره می شود به جمهوری دموکراتیک پارلمانی. کلمه ای که من در آنجا علاقه دارم ولی دیده نمی شود، کلمه فدرالیست است. شما چگونه با مسئله فدرالیست برخورد می کنید؟

بهزاد کریمی: پیرامون موضوع فدرالیست باید عرض کنم که در استادیوم ماروشن و صریح آمده است که ما طرفدار سیستم عدم تمرکز در ایران هستیم و آنهم بدلیل باور به دموکراسی از تمرکز هیجوقت دموکراسی حاصل نمی شود. در

است و بسیاری چیزها هم هرگز جبران نخواهد شد. ما با حکومتی رودروئیم که استبدادش تا درون خانه ها و افکار ریشه ها رفته است. راهگشائی برای غلبه بر فقر خود عین استراتژی است. طبیعتاً در استراتژی ما جهات اجتماعی وجود دارد. برنامه هایی هست که می تواند فقط در خدمت صندوق بین المللی پول قرار داشته باشد و برنامه هایی هم می خواهد آرام آرام و بتدریج برای غلبه بر فقر، عدالت اجتماعی را بوسیله آورد. ما دیگر به عدالت اجتماعی بیکاره و یک شبه و با ضرب و شتم و یا دیکتاتوری پرولتاریا اعتقاد نداریم. عدالت اجتماعی یک روند کاملاً طولانی و دراز مدت است و بر بنیاد رشد و ترقی و در پیوند با آزادی و دموکراسی می تواند باشد. اگر چنین روند شاید بیست سی ساله ای استراتژی نیست پس چیست؟ ما یک چنین جبهه ای را می خواهیم تشکیل دهیم.

ما این حکومت جمهوری اسلامی را یک حکومت مستبد و نالایقی که کشور و مردم را به فقر و ویرانی کشانده است می شناسیم از این ما مزاده معجزه ای بر نمی خیزد و از نظر ما باید بروی حکومت دیگری بیاید که شکل مناسبی را در جامعه ما جمهوری مبتنی بر پارلمان با جهات و خصائل عدم تمرکز.

در مورد سؤال سوم شما، تا آنجائی که به ما بر می گردد و در خط مشی مان نیز گفته ایم می گوئیم تحولات در جامعه ما مسالمت آمیز صورت بگیرد. این یک جنبه نظری است. تجربه عملی مردم ایران طی شصت، هفتاد سال اینست که این تحول اگر مسالمت آمیز صورت گیرد شورش و کور معلوم نیست کدام نیرو بر آن سوار خواهد شد. دقیقتر اینکه نیروهای حاکم خواهند گشت که در این شورش و کشتار سدی دارند. همین الان تا ج به سرو عمامه به سرهایی که در قدرتند یا کسانی که تا ج و عمامه ندارند اما همه آنها را به عاریت گرفته اند به انتظار نشسته اند. اما همه چیز به ما یا به کل اپوزیسیون مربوط نمی شود این حکومت است که مردم را به شورش در استادیوم و خیابان وامی دارد. در صورت شورش و قیام - که استاد ما نیز آنرا نفی نکرده است - تصمیم مقتضی خودمان را در آن موقع خواهیم گرفت. جامعه اشکال متنوعی را می تواند به خود بگیرد و ما نمی توانیم منفعل باقی بمانیم. ما نسبت به مردم همدردیم و با ریشه بایی مسائل سعی می کنیم با توجه به امکاناتمان جهت بدهیم.

سؤال: در یک سیستم دموکراتیک پارلمانی که استراتژی سازمان اکثریت است یک منظره ای از احزاب سیاسی راپیش شرط قرار می دهد. لطفاً کاملاً مشخص و بنام بگوئید چه احزابی را برای بازسازی ایران دموکراتیک در نظر می گیرید؟ و اینکه نیروهای راست و چپ افراطی یا... چگونه مهار می شوند؟

پورنقوی: پیش از آنکه به ذکر اسامی بپردازم یا نپردازم - نه بنا به ملاحظه این یا آن سازمان سیاسی - مناسبتر می دانم که مبنای مورد نظرمان را برای همکاریهایی که در چارچوب کوشش برای تحقق یک جبهه جمهوری از نیروهای جمهوری خواه و دموکرات را در برمی گیرد را بیان کنم. بنا بر این کیفیت، راحت تر می توان نیروهای را که زبان مشترکی با آنها داریم

سؤال: مناسبات سازمان شما با سایر سازمانهای سیاسی در چه وضعی است؟

علی پورنقوی: در یک سمت ارتباطی با حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان فدائیان خلق بعلاوه تعدادی از شخصیتهای چپ صورت می گرفت که حاصل آن انتشار سندی بود به نام، کوشش برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ. در سمت دیگر، مناسبات باره کارگر، سازمان اتحاد فدائیان و قبل تر سازمان اتحاد کار مطرح است و همچنین حزب توده ایران. در خلال سالهای اخیر، ارتباطاتی با این سازمانها وجود داشته است. عموماً در این ارتباطات موضوع همکاری های ممکنه بین نیروهای چپ با این دید که این همکاری ها در راستای نزدیکی آنها موثر خواهد بود، مطرح بوده است. به عنوان یک مورد عملی می توانم وعده و قولی که از سوی سازمان اتحاد فدائیان خلق دایر بر آمادگی سازمان مذکور برای همکاریهایی با ما داده شده را ذکر کنم. دیدگاه ما در این مورد این است که خاصه بلحاظ اختلاف نظرات، راهی طولانی و دشوار در پیش است.

سؤال: در جلسه ای که دو هفته قبل سازمان شما، حزب دموکراتیک مردم ایران، جمهوریخواهان ملی و جبهه ملی (فراکسیون متحده) داشتند نکته ای طرح شد که اتحادی که تشکیل شده، اتحادی استراتژیک است، می خواست بدانند چه تفاوتی بین دوستان اکثریت و سازمانهایی که به لحاظ طبقاتی می توان برود و دموکراتیک نامید، وجود دارد؟

پاسخ: اتحاد نیروهای چپ بر مبنای منافع زحمتکشان اتحادی ضروری است یا خیر و آیا می توان در دو اتحاد شرکت کرد. ۳- سازمان شما در برابر پیش گیری نیروهای مردمی که بصورت قیام یا انقلابی بر ضد رژیم وارد صحنه شدند چه موضعی خواهد گرفت؟

بهزاد کریمی: امروز چپ از درون یک شکست بیرون آمده است. این نخستین حقیقتی است که می بایست پذیرفت. چپ که این را نپذیرد نیرویست که هنوز در همان شکل و نظام و ساختار قبلی مانده که ما آنرا قبول نداریم. ما بر آرمهای چپ و جهت گیری مردمی اش، براد و عدالت با در آنجا که به نقد و مخالفت با نظامهای مبتنی به استثمار سرمایه داری است، هنوز با پرجانیم. اما در اینکه چه چیزی را باید جایگزین کنیم تنها به ما بر نمی گردد. این یک پاسخ بین المللی و تاریخی است. ولی اگر چپ بگوید که در همین جهت حرکت کند کار بزرگی کرده است و ما بر چنین سیرو محوری حرکت می کنیم و هدف خودمان را بر این قرار داده ایم که چپ شکل بگیرد که برود و بنیاد ممزوج و در پیوند با هم یعنی داد و مکراسی شکل بگیرد. هیچکدام بدون دیگری نمی تواند مطرح باشد.

سؤال: می شود که ما اگر بخوایم با چند جریان یک جبهه تشکیل بدهیم این استراتژیک است یا تا کتیکی؟ واقعیت این است که علی رغم وجوه روشن که در تعاریف آنها هست اما نباید تعاریف دگم سابق را دنبال کرد.

کشور ما امروز روزه بنگلادش دوم شدن دارد. اگر تمام نیروهای دست در دست همدیگر بدهند به دهها سال و امکانات فراوان احتیاج

سخنرانی در کنفرانس انجمن پژوهشگران ایران لندن

جنبش چپ ایران، تحولات و آینده آن در سال ۲۰۰۰

فرخ نگهدار - ۲ فوریه ۱۹۹۵

سخنرانی فرخ نگهدار در کنفرانس ایران در آستانه ۵ سال دوازدهم که اخیراً در دانشگاه لندن و به ابتکار انجمن پژوهشگران برگزار شد، حاوی دو مبحث بود: بخش اول که به متد شناخت هویت و انتخاب ماهیت نیروی چپ در ایران مربوط می‌شود، با اندکی تلخیص در این شماره و طرح وی پیرامون استراتژی و تاکتیک استقراری مکرر در ایران در شماره آینده به چاپ خواهد رسید.

تعاریف و توصیفات از دیگران را نخواهم پذیرفت که اعتماد به امکان گفتگو و استقرار مناسبیات حقوقی دموکراتیک میان ارکان جامعه سیاسی کشور را از میان می‌برد.

"سازمان مجاهدین خلق سازمانی شبه نظامی است که بر اساس یک ایدئولوژی توتالیتر شکل گرفته است. تروریسم که شکل اصلی مبارزه این سازمان پیش از انقلاب بود، پس از سی ام خرداد ۳۶۰ ابعاد گسترده تری می‌یابد. ... مردم ایران که به سعادت خود می‌اندیشند در دام تبلیغات اغواکننده اینگونه سازمانهای خودکامه نخواهند افتاد."

این تعریف سه سازمان معتبر کشور ما، جمهوری خواهان ملی، نهضت مقاومت ملی و حزب دموکراتیک مردم ایران است که اخیراً در آغاز و پایان بیانیه ای مشترک انتشار یافته و بعداً مورد تأیید رسمی سازمان مشروطه خواهان ایران نیز قرار گرفته است. جندی قبل از آن وزارت خارجه آمریکا اعلان و کیهان لندن نیز آن را تیز درشت کرده بود که "سازمان مجاهدین و رژیم جمهوری اسلامی هر دو تروریست هستند".

تا آنجا که من مطلع شده ام نظر مسئولین سازمان ما بدرستی این بوده است که این موضع گیری تند است و باید نخستین بیانیه مشترک به اوضاع سیاسی کشور و سیاستهای حاکم بردارد و در مورد مجاهدین باید با ارسال نامه ای مشترک برای آنها، آنان دعوت به گفتگو شوند. لذا آنها از امضای متن اجتناب کرده اند.

تعریف یک نیرو به عنوان یک سازمان تروریستی خودکامه به روشنی گویای انتخاب یک مشی و هدف روشن سیاسی در قبال است. اگر دعوت به گفتگو و اعمال فشار بر این راستا هدف عمده تلقی می‌شد آنگاه قطعاً این تعریف از آنجا برگزیده نمی‌شد. مرحوم قاضی زمانی گفته بود کومه در جنگجوی مسلح با ما جدی نیست چون آنها ما را بورژوازی و بورژوازی را ضد انقلاب تعریف می‌کنند. مجاهدین همه نیروهای سیاسی ایران که رهبری رهبران را نمی‌پذیرند یا خائن و یا زائده رژیم خمینی تعریف می‌کنند. این تعاریف هدایت گشایش باب گفتگو با دیگران و استقرار مناسبیات دموکراتیک با آنان نیست. همدنش براندازی است.

من به مثابه یک فعال چپ طبعاً نمی‌توانم از دیگران بخواهم که دیگران را چه تعریف کنند. چرا که این تعاریف تابع اهداف سیاسی خود آنهاست. فقط می‌خواهم یادآور شوم که میان تعاریف و اهداف سیاسی همخوانی و وحدتی قابل تأکید وجود دارد.

چه اهدافی را آرزوی منم؟

حالت به اهدافی می‌پردازم که آنها را شناسیده چپ می‌داند.

در بیان تئوریک چپ ایران سالها خود را جزئی از جنبشی همگانی با خصلت ضد امپریالیستی دموکراتیک، با ملی و دموکراتیک دانسته و آن را مضمون یک مرحله انقلاب قلمداد کرده، که بعداً و یا در روند باید به جنبشی و یا به انقلابی سوسیالیستی فراروید.

امروز من ماهیت چپی که خود را عضو آن می‌دانم دیگر ضدامپریالیستی تعریف نمی‌کنم. لزومی نیز نمی‌بینم آن را استقلال طلب و ملی تعریف کنم. تاسیس جنبش برای تحقق اهداف تحقق یافته بی معناست. ایران هیچگاه فاقد حاکمیت ملی و غیر مستقل نبوده است. خواسته صدق که تأمین عدالت بیشتر در مناسبیات ایران و غرب بود هم چنان امروز به قوت خود باقی است. اما تأمین عدالت بیشتر در مناسبیات ایران و غرب امروز نه از طریق تشدید تضاد بین ایران و غرب که از طریق همبستگی جنوب و همکاری با شمال و چاره جوئی های مشترک امکان پذیر است و تأمین آن همبستگی و همکاری نه خصلتی ملی که عمیقاً انترناسیونالیستی دارد. ملی گرایان ایران نیز اگر در تعریف خود تجدید نظر نکنند به پیشینه خود پشت خواهند کرد. بسیج ایرانیان علیه غرب و یا

فقط با انقلاب بهمن بین نیروهای رژیم سابق شکاف افتاد: آنها اگر چه هر دو خواهان احیای سلطنت هستند، اما یکی بازگشت سلطنت را طلب می‌کند چون فکر می‌کند این کار بیشترین امکانات را برای احیای همان قدرت و عظمت فراهم می‌کند. دیگری تصور می‌کند احیای سلطنت می‌تواند بیشترین امکانات را برای احیای دموکراسی در ایران فراهم کند. تقلیل نام هواداران احیای نظام سلطنت به نام هواداران تاسیس سلطنت مشروطه تصور سیاسی یکسویه ای از نیروهای آن را دامن می‌زند. این کار بدان می‌ماند که در کنفرانس حاضر نیز بجای عنوان "چپ و آینده آن" می‌توانستیم "چپ دموکراتیک و ایران" تا چند سال پیش چپ ایران در کلیت خود خواهان کسب قدرت حکومتی توسط حزب طبقه کارگر و حفظ آن از طریق اعمال زور بوده است. شاید مرحوم خلیل ملکی نامدارترین کسی باشد که سالها قبل تر افکار دیگری را طرح کرد و بهمان دلیل از بستر اصلی جریان رانده شد. اما امروز شکاف در جنبش چپ انکار ناپذیر است.

وجود چپ انقلابی را به عنوان چپ نمی‌پذیرد و آنرا عموماً "جزو لیبرال ها" تحلیل می‌کند. این تصور همانقدر راست است که تصور کسانی که دیگر رجزها پهلوی را سلطنت طلب نمی‌دانند. تردید نیست که تحولات در جنبش چپ ایران زمینه های نزدیکی با نهضت ملی-لیبرالی را مساعدتر ساخته است اما این بدان معنا نیست که در چپ ایران جناح بندی وجود ندارد.

رکن دیگر جامعه سیاسی ایران یعنی "نهضت اسلامی" در کنفرانس حاضر تحت عنوان "منهت و آینده آن" مورد بررسی قرار گیرد. بحث ها در اینجا، نه صرفاً بحث مذهب و آینده آن بلکه پیرامون حکومت مذهبی و اسلام به مثابه یک نهضت سیاسی است.

نهضت اسلامی، اگر تاریخی تعریف شود، با شعار مشروطه در دوره مشروطه یا به عرصه پیکار سیاسی گذاشته و خواسته تاریخی آن استقرار ولایت خود بوده است. رویداد مسجد گوهرشاد، عملیات فدائیان اسلام، واقعه ۱۵ خرداد و اعمال مشابه بنام آن ثبت است. نهضت اسلامی بدون روحانیون مثل نهضت چپ منهای روشنفکران است. تشکل سیاسی مانند نهضت آزادی پاره ای از نهضت ملی-لیبرالی است و نه نهضت روحانیت. ملاحظه مجاهدین به عنوان شاخه ای از نهضت اسلامی نیز قطعاً اشتباه است.

تذکر من از آن رو نیز هست که این تصور پیش نیاید که شرکت کنندگان در بخش مذهب در این کنفرانس همان نهضت تاریخی شکل گرفته از شیخ فضل الله تا خمینی و تا امروز را نمایندگی می‌کنند و با این که آنها جناح غیر حاکم نهضت اسلامی ایران اند. نهضت اسلامی جناح غیر حاکم ندارد.

شکاف در نهضت اسلامی بر سر شیوه تلقیق منافع مذهب (روحانیت) با مصالح و نیازهای حکومت کردن است: یک گرایش شرط دوام حکومت را در منطبق بودن واقعیت ها بر خواسته های خود می‌بیند و گرایش دیگر دوام حکومت را در منطبق بودن خواسته ها بر واقعیت ها تلقی می‌کند. بدین سان تاریخ معاصر ایران با ۴ نیروی عمده سیاسی یعنی نهضت چپ، نهضت ملی، طرفداران احیای نظام سلطنت و طرفداران حفظ نظام ولایت یا نهضت روحانیت مواجه است. آینده ایران نیز قطعاً از اراده و عمل همین ۴ نیرو و کیفیت شکاف های درون هر یک تأثیر می‌پذیرد.

بیان هویت تاریخی یا وجه عینی هویت برای تدوین یک مشی سیاسی کافی نیست. وجه ذهنی هویت این نیروها یعنی اصول عقاید، اهداف سیاسی و وجه رفتاری هر نیروی سیاسی و نیز موقعیت عینی و توان مادی آنان باید تعریف و شناخته شود. اما تا وقتی سیاست هنوز سیاست است به یقین باید گفت امکان ندارد که اصول عقاید، اهداف سیاسی و وجه رفتاری همه نیروهای سیاسی کشور طوری تعریف شود که مورد توافق همگانی قرار گیرد. بیان ماهیت دیگران از جانب من نوعی نه یک کار آکادمیک که یک تصمیم سیاسی است در خدمت اهداف معین.

از آنجا که انتخاب من و لذا فکر و تلاش من اینست که ایران در راستای دموکراسی قرار گیرد طبعاً

فیل از شروع سخن چه پجاست که از ابتکار انجمن پژوهشگران و بویژه آقای دکتر لاجوردی و نیز از مسئولان دانشگاه لندن که زحمت تدارک این جلسات را عهده دار بوده اند تشکر کنم.

تا آنجا که حافظه یاری می‌دهد این نخستین بار است که صاحب نظران و فعالان سیاسی ایران در طیفی به این وسعت گرد آمده اند تا چاره خویش را برای فردا در میان بیاورند. به این رویداد جز گشایشی در کار پیکار برای اشاعه دموکراسی نامی دیگر نتوان نهاد چرا که تجربه بهمن آموخت که فقط چون فرشته سخن بدر آید دیو استبداد بیرون رود و نه بالعکس.

وقتی من لیست دعوت شدگان را دیدم متوجه شدم از طیف چپ هم، جز از راه کارگر و یا از اتحاد فداییان، همه حضور دارند. اما فکر دیگری در کشور ما هست که تنها روحانیون شیعه را شایسته حکومت می‌داند. مجاهدین نیز غایبند. مناسب بود هر گاه حضار محتتم از تصمیم و واکنش مقابل مطلع می‌شدند. شاید هم پاسخ به این سوال - و بطور کلی وسعت دامنه ای طیفی که می‌باید به گفتگو فرا خوانده شوند - خود از ارکان مباحثات در این روزهاست. من خود چنین خواهم کرد.

در این فرصت ابتدا نگاهی خواهم داشت به متد تعریف و گروه بندی نیروهای سیاسی ایران، سپس خواهم پرداخت به تعریف ماهیت جنبش چپ، ویژگی ها و اهداف آن. در بخش دیگر به بحث پیرامون استراتژی و تاکتیک تأمین دموکراسی در ایران خواهم پرداخت.

تعریف چپ: شناخت هویت، انتخاب ماهیت

سلنت نهضت چپ در تعریف خود و دیگران آن بوده که بر تحلیل طبقاتی متکی شود. اما تا آنجا که به شرایط مشخص ایران و نیز حد دانش من باز می‌گردد تصورم این نیست که تکیه بر تحلیل طبقاتی برای شناخت و تعریف نیروهای سیاسی ایران روشی کارساز باشد. این تردید از آنجا ناشی می‌شود که در ایران طبقات اجتماعی مختلف وجود ندارند و یا نیروهای سیاسی از آنها تأثیر پذیر نیستند.

مارکسیسم به جامعه شناسی و علم سیاست کمک کرده است که جنبش های سیاسی با بار طبقاتی و سمت گیری اجتماعی آنها در نظر گرفته شوند. اما از آنجا که با تعریف طبقاتی در تأثیر این بار اغراق و تلاش اصلی این می‌شود که حزبی خود را به رای خویش نمایند طبقه ای معین تعریف کند، بویژه آنجا که حزب و طبقه یکی گرفته می‌شوند، باید گفت که این احکام هم دور شدن از واقعیت ها و هم دور شدن از مصالح اجتماعی را در بر دارد.

جریان های سیاسی محصول روندهای تاریخی اند. حزب سیاسی خلق الساعه دروغ است. نه توطئه داخلی و نه سرکوب حکومتی قادر به انحلال جریان های سیاسی تاریخی شکل گرفته نیستند. مردم در تشخیص هویت هر نیرو یا هر حزب قبل از همه بر شناخت تاریخی تکیه می‌کنند. هویت تاریخی وجه عینی و بسیار پایدار هویت هر جریان سیاسی است. هویت تاریخی در عین حال همه پذیرترین وجه تقسیم بندی نیروهاست.

دو سال پیش در مقاله ای که در توضیح همین فکر نوشته شده بود من نیروهای سیاسی کشور را در چهار جریان عمده سلطنت طلبان، چپ ها، ملیون و مذهبیون تقسیم کردم. حقایق تاریخی حاکی از دوام پذیری این تقسیم بندی است و اهمیت کنفرانس های حاضر نیز از نظر من قبل از همه این است که سیمایی در راستای واقعیت از جامعه سیاسی ایران را آرایه داده است. می‌گویم در راستای واقعیت، تا تفاوت ها پنهان نماند: در نام گذاری ها در این کنفرانس ها از عنوان "سلطنت مشروطه و آینده آن" سخن رفته است. حال آنکه صحیح تر آن بود که از "نظام سلطنت" نام برده می‌شد. زیرا اگر بخواهیم در تاریخ ایران چیرانی واقعاً مشروطه خواه را جستجو کنیم جبهه ملی ایران و از فرم های ۲۶ تا انقلاب جبهه ملی و نهضت آزادی چنین بوده اند. این هویت آنان با انقلاب به پایان رسید. آنان بلااستثنا مخالف بازگشت سلطنت اند.

شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" تا قبل از سرنگونی سلطنت شعار هیچ کدام از کسانی نبود است که امروز بازگشت سلطنت را مطرح می‌کنند. تنها کسی که تا حدی نظر بدین سو داشت و به همین علت نیز مغضوب شد مرحوم علی امینی

همسایگان یک فکر ترقی خواه نیست.

فکر تجدید طلبی و مبارزه با وابستگی که از تعریف ماهیت چپ برای دو سه دهه حذف شد اکنون مجدداً جایگاه خود را باز می‌یابد. فراموش نکنیم که ماهیت اجتماعیون عامیون، ۵۳ نفر و حزب توده ایران در دهه ۲۰ در ذهن مردم قبل از آنکه با تأیید ضدامپریالیستی آنان توضیح داده شود، با تأیید ضد ارتجاعی، تجدید طلبانه و ضد استبدادی توضیح داده می‌شد. به اعتقاد من نخستین و نیز پایه ای ترین انتخاب چپ، انتخاب نو در برابر کهنه، انتخاب پیشرفت در برابر رجعت و رکود است. امروز در کشور ما از معماری و شهرسازی گرفته تا زبان و زبان شناسی، تا پزشکی و شعر و فیلم، تا رژیم غذایی و مد و طرز نشستن و عادات روزانه و غیره و غیره همه و همه عرصه های پیکار فکر تجدید خواه با فکر گذشته گراست و در این پیکار چپ ها، ملیون و سلطنت طلبان همه در نقطه نقطه ایران رو در روی سنت کرایان حاکم به مقاومتی سنگین برخاسته اند.

در مورد تعریف ماهیت جنبش چپ به مثابه جنبش دموکراتیک باید گفت این مفهوم چه به عنوان طرفداری از آزادی سیاسی و چه به عنوان جنبشی که خواست ها و منافع اکثریت یعنی توده مردم را برجسته می‌کند تعریفی است که با انتخاب توده روشنفکران ایران و با تلاش تاریخی آنان انطباق دارد. و به همین دلایل موضوع انتخاب من نیز هست. جنبش چپ و نیز نهضت ملی ایران در بردن اندیشه دموکراسی به کشور، در ترویج ایده آزادی، در افشای استبداد، در طول تاریخ معاصر ایران نقشی اصلی را داشته اند. ترکیب شعرا، نویسندگان، فیلمسازان، نقاشان و دیگر هنرمندان روزنامه نویسان و اندیشمندان بهترین نشان این نقش است.

خواستار عدالت اجتماعی، چه از طریق انجام اصلاحات و تحولات و سیاست گذاری های اقتصادی و اجتماعی بسود کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و چه از طریق یک انقلاب اجتماعی همواره یک مطالبه جدی چپ بوده است. تا قبل از فرو پاشی شوروی چپ ایران عموماً نظام سوسیالیستی را الگوی کامل اصلاحات و تحولات و سیاست گذاری های فوق تلقی کرده و آن را نظامی مبتنی بر مالکیت اجتماعی (دولتی و تعاونی) تعریف می‌کرده است. اما خواسته من و بسیاری از فعالان جنبش چپ دیگر تحقق انقلاب اجتماعی به معنای استقرار نظام مبتنی بر مالکیت دولتی و تعاونی بر وسایل تولید نیست.

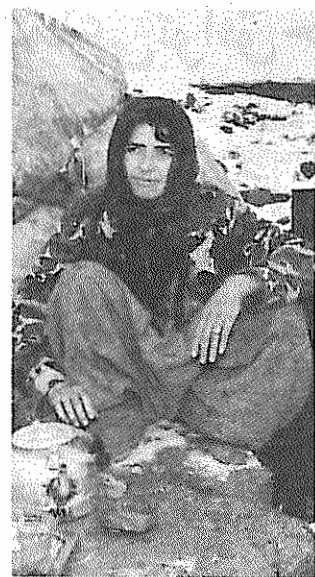
سه سال پیش وقتی این جمع بندی در ذهنم قطعی شد اعلام کردم "من یک رفرمیست هستم زیرا تئوری ساختن نظام آلترا تئوری بر پایه مالکیت دولتی و تعاونی شکست خورده و هیچ تئوری دیگری نیز جایگزین آن نیست. لذا طرفداری از انقلاب اجتماعی عملاً موضوعیت خود را از دست داده و این به معنای آن است که این بار شعار عدالت اجتماعی را باید صرفاً از طریق اصلاحات مشخصی بی گرفت که روندهای توزیع و باز توزیع و اختصاص منابع و امکانات را در جهت مهار و

کاهش نابرابری طبقاتی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از چپ های ایران از قدیم اصرار داشته اند که بر پایبندی خود بر حقوق اقلیت های ملی تا سرحد جدایی تأکید ورزند. در تعریف چپ ایران من بر این خواسته متکی نشدم صرفاً به این دلیل که در هیچ کجای کشور هیچ نیرویی وجود ندارد که خواهان جدایی باشد، اما بسیاری که به علت اعتراض به ستم ملی به دروغ به جدا سری منم شده اند. در چنین وضعیتی افشای این دروغ به مراتب اهمیتی بیشتر از تأکید بر حقی دارد که کسی طالب آن نیست. در ایران ما معرفی خود تحت عنوان حامی تمامیت ارضی و مخالف جدایی طلبان یک فریبکاری و معرفی خود تحت عنوان حامی جدایی طلبان و مخالف تمامیت ارضی غوی از یک فریب خوردگی است.

بدین ترتیب من سه خواسته عمده یعنی تجدید طلبی، دموکراسی و عدالت را در ترسیم سیمای چپ برجسته می‌بینم یا بهتر بگویم می‌گویم که کوشم برجسته ببینم. این چهره خطوط دیگری نیز دارد. همچون دفاع از صلح و امنیت ملی و بین المللی، پاسداری از محیط زیست، نفی خشونت در تمامی اشکال آن و به ویژه در وضع فعلی دفاع از حقوق و مبارزه زنان.

آنچه باید در ترسیم سیمای چپ راهنمای عمل قرار گیرد علاوه به مرز بندی با سلطنت طلبان، مذهبیون

مردم کردستان عراق، قربانیان اصلی رقابت‌های احزاب کرد



داخلی کردستان، حاضر به حمل کالاهای جنوب کردستان نیستند، چرا که بارها محموله کامیون‌ها به غارت رفته است.

عواقب این وضع برای مردم، مرگبار است. گزارشی که اخیراً از وضع سلیمانیه در هفته نامه آلمانی "دی تسایت" چاپ شد، حاکی است

امراض مختلف، که بسیاری از آنها ناشی از بیماری‌های شیمیایی عراق در آخرین سال جنگ با ایران است، و شرایط ناسامان بهداشتی، از میان مردم قربانی‌های بسیار می‌گیرد. وی، تیغوس و مالاریا در کردستان عراق رواج دارد. اکثر مردم بیکارند و مردم درآمدی ندارند.

در ظاهر، حزب دمکرات و

اتحادیه میهنی در اصول اختلافی ندارند. هر دو می‌گویند باید شهرهای بزرگ کردستان عراق منطقه غیرنظامی اعلام شود و هر دو خواهان برگزاری انتخابات مجددند. اما هر یک، دیگری را متهم می‌کند که قصد تقلب در انتخابات را دارد. حتی برگزاری یک اعتصاب غذا در مقر پارلمان کردی در اربیل هم نتوانسته است رهبران دو حزب را وادار به ترک مواضع سرسختانه خود علیه یکدیگر کند.

اخیراً درگیری‌ها در کردستان عراق به یک حادثه دلخراش انجامید. بمبی که در یک اتوبوس کار گذاشته شده بود، در زاخو، مرکز نفوذ حزب دمکرات منفجر شد و بر اثر این انفجار، ۷۳ نفر کشته و ۱۴۱ نفر مجروح شدند. همه قربانیان، غیرنظامی بودند. حزب دمکرات، با اشاره به اینکه اتوبوس منفجر شده، شماره‌ای از اربیل، مرکز قدرت اتحادیه میهنی داشته است، اتحادیه میهنی را متهم به دست داشتن در این حادثه کرد. اتحادیه میهنی اعلام کرد این بمب گذاری، کار سازمان امنیت رژیم صدام است که می‌خواهد از این طریق به درگیری‌های داخلی در کردستان دامن زند.

سلاح‌های جدید آمریکایی

آمریکایی‌ها در صدد تولید نسل جدیدی از سلاح‌ها برای دهه آینده میباشند تا بدین ترتیب در جنگ‌های آینده برتری نیروی هوایی شان تضمین شده باشد. فرمانده نیروی هوایی آمریکا ژنرال رونالد فوگ لمان در مصاحبه ای به خبرنگاران گفت: یکی از این سلاح‌ها بمب‌هایی هستند که از اقمار مصنوعی در فضا پرتاب و هدف مورد نظر پرتاب خواهند شد و دقیقتر، از سلاح لیزری که در جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ مورد استفاده قرار گرفت، خواهند بود. سیستم

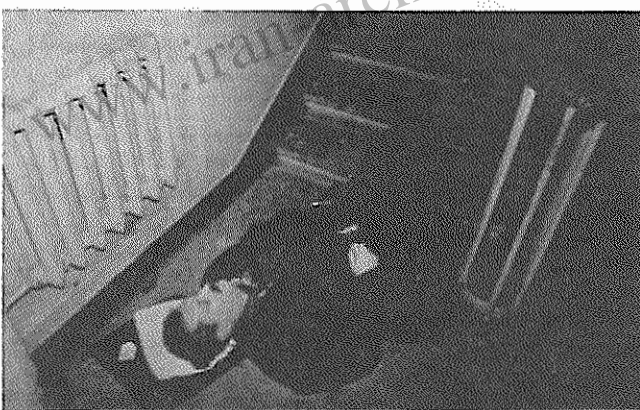
پیروزی حزب حاکم در انتخابات پارلمانی تاجیکستان

حزب حاکم امامعلی رحمان اف رئیس جمهور تاجیکستان که خود چند ماه پیش در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شده بود، در انتخابات پارلمانی نیز اکثریت آرا را به خود اختصاص داد. ناظران سازمان امنیت و همکاری در اروپا اعلام کردند که انتخابات تاجیکستان، عادلانه برگزار نشده است. نیروهای اصلی اپوزیسیون تاجیکستان، این انتخابات را تحریم کردند.

به نظر می‌رسد در تاجیکستان، قدرت رحمان اف تحکیم شده است. فقیرترین جمهوری شوروی پس از فروپاشی این کشور، نخست تحت کنترل رحمان نسیف سیاستمدار باقی مانده از زمان برژنف بود. دوسال پیش، ائتلاف اپوزیسیون ضد کمونیست، متشکل از ناسیونالیست‌ها و بنیادگرایان، با یک قیام مسلحانه حکومت نسیف را سرنگون کرد. امادوره حکومت مشترک مذهبیون و ملی‌گرایان بسیار کوتاه بود. طرفداران حکومت سرنگون شده، با حمایت ارتش روسیه و ازبکستان، در کلجاب که پس از دوشنبه مرکز تاجیکستان، از مهم ترین شهرهای این جمهوری است، قدرت را به دست گرفتند و در یک جنگ داخلی خونین شش ماهه، حکومت جدید را ساقط کردند. مرد قدرتمند جدیدی که از این جنگ پیروز بیرون آمد، امامعلی

رحمان اف اهل کلجاب بود. جنگ داخلی تاجیکستان، به قیمت جان ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر تمام شد. ۵۰۰ هزار نفر از مردم تاجیکستان آواره شدند. صد هزار نفر از آنها به افغانستان پناه بردند. اکنون به نظر می‌رسد در اغلب مناطق تاجیکستان، آرامش برقرار است. با این حال گزارش‌های رسیده از دوشنبه حاکی است گاه شهبادر شهر صدای تیراندازی به گوش می‌رسد. از آنجا که شمار مردان مسلح در تاجیکستان زیاد است، در اغلب موارد نمی‌توان تشخیص داد کدام باند علیه کدام دسته می‌جنگد. در دوشنبه تا به حال چنین بوده است که وزیری را که یک گارد مسلح خصوصی نداشته باشد، جدی نمی‌گرفتند. اما اخیراً رحمان اف دستور داده است که گاردهای مسلح خصوصی مقامات دولتی، منحل و خلع سلاح شوند. هنوز ۲۵ هزار سرباز روس در تاجیکستان مستقرند. با این حال، مردم تاجیکستان به این نیرو به عنوان یک نیروی اشغالگر نمی‌نگرند. شاید علت همزیستی مسالمت آمیز روس‌ها و تاجیک‌ها این باشد که پس از انقلاب اکتبر، دولت شوروی تاجیک‌ها را از یوغ سلطه بی‌رحمانه امیران ازبک رهانید و جمهوری تاجیکستان را بنیاد نهاد. ناسیونالیسم تاجیک به طور سنتی اقوام ترک را رقیب اصلی خود می‌داند.

تروییکی از محبوبترین چهره‌های تلویزیون روسیه



ولادیسلا وولیتف، رئیس مهم‌ترین مانال تلویزیونی، هفتمین روزنامه نگار روس است که در سال جاری میلادی به قتل رسید. در تیشچ چنانچه از صد هزار نفر شرکت کردند به شراکت حاکم بر روسیه اعتراض نمودند. گفته می‌شود ولیتف می‌خواست به حکومت با پایا بر تلویزیون خاتمه دهد و به همین دلیل از سوی آن به قتل رسید.

آیا توسعه اجتماعی با برگزاری کنفرانس قابل دستیابی است؟

بقیه از صفحه ۱۶

اما اگر بتوان از تصویر تیره جهان که کپنهاگ یارد یگر در برابر دیدگان ما گسترده تنها یک درس گرفت، آن درس این است که برای کاستن از این تیرگی نمی‌توان منتظر نتیجه بحث ۲۰۰ ساله انقلاب پارفرم ماند. روزانه ده‌ها هزار کودک بر اثر گرسنگی و ابتلا به بیماری‌های می‌میرند. صد‌ها میلیون انسان شب‌ها سرگشته بر بالین می‌گذارند. صد‌ها میلیون نفر بی‌کارند. نظام نا عادلانه اقتصاد جهانی، مراد خام و نیروی کار کشورهای فقیر را به بی‌بایی نا چیز از آنها می‌گیرد تا برای اقلیتی از ساکنان کره زمین، رفاه فراهم آورد. هر گامی که در راه کاستن از ابعاد این فاجعه برداشته شود، مثبت است.

تنها با کنفرانس‌ها و بیانیه‌ها نمی‌توان به توسعه اجتماعی دست یافت، اما می‌توان هنجارهایی نهاد که بتوان با آن، عمل دولت‌ها را سنجید. برای کنفرانس کپنهاگ، همان اصلی صادق است که برای گرد همایی حفظ محیط زیست و توسعه اجتماعی در بود و ژانویه کنفرانس جمعیت و توسعه در قاهره صادق بود: انتظار معجزه از این مجامع بیهوده است، اما ما یوس شدن از آنها نیز تنها بدین خاطر که از این امزاده‌ها نمی‌توان انتظار معجزه داشت، خطاست.

البته در کنفرانس کپنهاگ، اغنای جهان رفتاری نداشتند که بتوان آن را گره گشای مشکلاتی که موضوع این کنفرانس بود دانست. آنها که پیوسته فقرا را به کنار نهادن مبارزه طبقاتی فرا خواندند، خود به مبارزه طبقاتی ادامه می‌دهند تا نگذارند نظام نا عادلانه‌ای که این همه امتیاز نصیبشان کرده، تحول یابد. هیچ کشور عمده ثروتمند از الگویی هر چند کوچک میزبان که از پس گرفتن بخشی از بدهی‌های کشورهای فقیر چشم پوشید، پیروی نکرد. در عوض، نمایندگان کشورهای غنی در این کنفرانس نیز برای طفره رفتن از بخشودگی بدهی‌ها، یارد یگر گفتند که اول باید مخارج نظامی کشورهای فقیر کاهش یابد. نکته جالب اینجاست که کشورهای که بیش از همه از لزوم کاهش مخارج نظامی در جهان سوم سخن می‌گویند، خود بیش از همه از صد و در اسلحه به جهان

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

خروج نیروهای سازمان ملل از سومالی

نیروهای سازمان ملل پس از دو سال حضور در سومالی، بدون اینکه تأثیری مثبت بر روند رویدادهای این کشور مصیبت زده شاخ آفریقا نه جای بگذارند، سومالی را ترک کردند. درست همزمان با آغاز عقب نشینی نیروهای که قرار بود به جنگ داخلی در سومالی پایان دهند، گروه‌های متخاصم در این جنگ، یارد یگر درگیر زد و خورد‌هایی سخت شدند که با تلفات جانی همراه بود. در طول دو سال حضور نیروهای سازمان ملل در سومالی، این نیروها و به ویژه آمریکایی‌ها صد‌ها نفر از اهالی سومالی را کشتند. برای سازمان ملل، تجربه ناموفق سومالی به بهای جان ۱۳۲ سرباز و ۱/۶۶ میلیارد دلار تمام شد.

انتخاب نخست وزیر جدید لهستان

پارلمان لهستان به دنبال استعفای والد مارپا و لا ک نخست وزیر پیشین از حزب دهقانان، اولسکی رئیس پارلمان را که عضو فراکسیون اتحاد نیروهای چپ است، به عنوان نخست وزیر جدید برگزید. بدین ترتیب، برای نخستین بار پس از کناره گیری حزب کمونیست سابق از قدرت، یک سیاستمدار از حزب جانشین آن، ریاست دولت لهستان را بر عهده می‌گیرد. انتخاب اولسکی علیرغم میل لخ والسار رئیس جمهوری دست راستی لهستان صورت می‌گیرد که مخالفت او با دولت قبلی به کناره گیری پاولاک انجامید.

اجلاس جدید کنگره خلق چین

اجلاس جدید کنگره خلق (پارلمان) چین، هفته گذشته با سخنانی لی پنگ نخست وزیر این کشور گشایش یافت. لی پنگ در سخنان خود اذعان داشت دولت چین در مبارزه با تورم، مرتکب خطاهایی شده است. رشد سریع اقتصاد چین که نرخ آن در سال گذشته به ۱۲ درصد بالغ شد، با تورم بی سابقه در این کشور همراه است. علاوه بر تورم، مبارزه با فساد در دستور کار کنگره خلق قرار دارد. در آستانه تشکیل کنگره خلق، در چارچوب مبارزه با فساد، برخی از نزدیکان تنگ شیائو پنگ مبتکر اصلاحات اقتصادی چین، برکنار یا دستگیر شده‌اند. ناظران، این رویداد را نشانه‌ای از تدارک دوران پس از مرگ تنگ که سخت بیمار است می‌دانند. به گفته این ناظران، رهبران چین و به ویژه زیانگ ژه مین رئیس جمهور، می‌خواهند ضمن ادامه مشی تنگ، با محدود کردن گروه او قدرت خود را تحکیم نمایند.

باید آماده جنگ‌های محلی شویم

پاول گراچف وزیر دفاع روسیه، طی سخنانی در جمع فرماندهان ارتش این کشور گفت نیروهای مسلح روسیه نیازی به مانورهای استراتژیک ندارند، زیرا تا یک جنگ جهانی هنوز خیلی وقت باقی است. باید نیروهای مسلح را آماده جنگ‌های محلی کنیم. گراچف از جمله از لزوم آموزش جنگ شهری سخن گفت. وزیر دفاع روسیه مدعی شد که مقاومت نیروهای چینی در جنگ بر سر تصرف گروسی مرکز چچن، شکسته است، اما انتظار می‌رود که عملیات تروریستی علیه وحدت روسیه تا مدت‌ها ادامه یابد.

محاصره بنادر لبنان توسط اسرائیل

اسرائیل که بیش از ۱۲ سال است جنوب لبنان را در اشغال خود دارد، اخیراً دست به محاصره بنادر این کشور در حد فاصل بین مرزهای دو کشور و بندر صور در ۶۰ کیلومتری جنوب بیروت زده است. بهانه اسرائیل برای این اقدام، عملیات نیروهای حزب الله است که به ادعای اسرائیلی‌ها از دریا نیز برای حمله به اسرائیل استفاده می‌کنند.

سوم سود می‌برند. بیشترین بودجه‌های نظامی در کشورهای جنوبی توسط کشورهای عرب متحد غرب هزینه می‌شود که تا دندان مسلح شدنشان به ابتکار غرب است و سودش هم به جیب کشورهای غربی می‌رود. مسئله بدهی‌های جهان سوم به مهم‌ترین معضل "جنوب" تبدیل شده است. معضلی که متأسفانه کشور ما هم که نمی‌تواند بداند دچار می‌شود، اکنون به برکت سیاست‌های خانمان سوز جمهوری اسلامی با آن روبرو است. خواست لغو بدهی‌ها، مهم‌ترین خواست "طبقاتی" در جهان ماست، خواستی که صرف نظر از اینکه "رفرمیست" باشیم یا "انقلابی"، باید از آن با تمام قوا حمایت کنیم. بدهی‌های جهان سوم اکنون حتی ادامه حیات کل اقتصاد سر فایه داری را نیز به خطر انداخته است. اگر اوضاع به همین منوال پیش رود، زمانی حجم بهره‌ای که کشورهای جهان سوم باید سالانه بپردازند، از تولید ناخالص داخلی آنها تجاوز خواهد کرد. حداکثر در آن زمان، بازپرداخت بدهی‌ها خود به خود منتفی خواهد شد و شالوده مجموعه اقتصاد جهانی به هم خواهد ریخت. هر اقتصاد دانی از تصور دولت‌هایی که یکی پس از دیگری اعلام ورشکستگی کنند، به خود می‌آورد.

کنفرانس کپنهاگ و مجامع مشابه، محل مناسب برای طرح خواست‌هایی مانند لغو بدهی‌هاست. اینکه کشورهای جنوب به علت نا هماهنگی و بی‌لیاقتی رژیم‌های حاکم بر آنها نتوانستند از این فرصت استفاده کنند، مسئله‌ای دیگر است. نمونه کشور خودمان را در نظر بگیریم: پیروی سفیهانه سران جمهوری اسلامی از فتوای خمینی مبنی بر مهد و والد بودن سلمان رشدی، در آستانه کنفرانس کپنهاگ روابط تهران و کشورهای شمال اروپا تیره کرد و باعث شد ایران در این کنفرانس شرکت فعالی نداشته باشد. این تنها یک نمونه از این واقعیت است که برای حکام اغلب کشورهای جهان سوم، ملاحظاتی حفظ قدرت و محظورات ایدئولوژیک، مهم‌تر از سرنوشت مردم است. تا وقتی این رژیم‌ها حاکمند، چشم‌انداز موفقیت چندان برای عادلانه تر کردن جهان وجود ندارد. بدین لحاظ نیز دمکراسی در خدمت عدالت اجتماعی است.

در کنفرانس کپنهاک پیرامون برنامه عمل برای توسعه اجتماعی توافق حاصل شد

کشورهای ثروتمند چنین پاسخ می‌دهند که بسیاری از کشورهای جهان سوم، به جای صرف منابع این کشورها در راه توسعه اجتماعی، بخش بزرگی از این منابع را صرف خرید اسلحه و تقویت نیروی نظامی خود می‌کنند، و بدهی‌های چنین کشورهای را نباید لغو کرد. برخی کشورهای فقیر در برابر این خواست کشورهای اروپایی که منع کامل کار کودکان در اسناد کنفرانس گنجانده شود، مقاومت کردند.

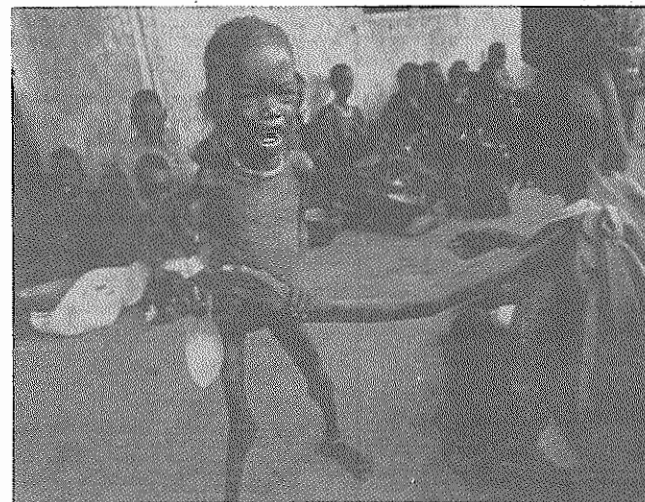
بیشرفت اقتصادی و اجتماعی اندک و وظیفه جامعه بین‌المللی این است که بدین منظور، استانداردهای لازم را تعیین کند. موضوع یکی از حادترین موارد بحث در کپنهاک، بدهی‌های میلیاردی کشورهای جهان سوم بود. در کنفرانس، کشورهای فقیر تا کنین کردند توسعه اجتماعی یا وجود بار سنگین قروض بردوش فقیرترین‌های جهان، ممکن نیست، و خواهان لغو این بدهی‌ها شدند. در مقابل،

کشورهای حاضر در کنفرانس امضا شد، توافق کردند. در این برنامه عمل، دولت‌های امضاکننده متعهد شدند علیه فقر مبارزه کرده، نیازهای اساسی همه مردم را تأمین نمایند. علیرغم این توافق، دو سند مصوب کپنهاک یعنی بیانیه و برنامه عمل، ضمانت اجرایی حقوقی ندارند.

در حاشیه کنفرانس کپنهاک سازمان ملل آماری جدید از فقر در جهان ارائه داد که طبق آن، ۱/۳ میلیارد انسان در فقر مطلق به سر می‌برند و روزانه با کمتر از یک دلار سر می‌کنند. بخش بزرگی از این جمعیت را زنان، کودکان و سالخورده‌گان تشکیل می‌دهند. دبیرکل سازمان ملل در نطق افتتاحیه خود گفت مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر جدا نیستند، و افزود رشد اقتصادی نمی‌تواند بدون ترقی اجتماعی دوام یابد. غالی خاطر نشان کرد از یک سو دگرگونی شرط لازم برای ارتقای سطح زندگی همه مردم است و از سوی دیگر، پیشرفت اجتماعی شالوده دگرگونی را تشکیل می‌دهد. دبیرکل سازمان ملل تا کنین کرد دولت‌ها مسئول رعایت حقوق بشر و ایجاد چارچوب مناسب برای



حلقه گفت‌وگو در توسعه اجتماعی در کپنهاک



ساله همچنان باقی است. یک کودک گرسنه در سودان. آیا کنفرانس کپنهاک می‌تواند مشکلی را برطرف کند؟

هفته گذشته کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی در کپنهاک با شرکت بیش از ۲۰ هزار نماینده از ۱۸۰ کشور جهان برگزار شد. برای نخستین بار در تاریخ سازمان ملل، سران دولت‌های عضو این سازمان گرد هم آمدند تا بر اهمیت توسعه اجتماعی و رفاه همگانی تأکید ورزند. موضوعات اصلی این اجلاس عبارت بود از فقر، بیکاری و عدالت اجتماعی. کنفرانس کپنهاک با سخنان پطرس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد آغاز به کار کرد. وی در نطق خود، نمایندگان کنفرانس را فراخواند منشوری در راستای توسعه اجتماعی تصویب کنند. غالی گفت در سال‌های اخیر، توجه جهانیان بیش از حد به عملیات نظامی سازمان ملل برای حفظ صلح معطوف شده و این امر به قدر کافی مورد توجه قرار نگرفته است که توسعه اجتماعی، پیش شرط اصلی صلح است. به گفته غالی، ۷۹ درگیری نظامی از ۸۲ درگیری سال‌های اخیر در جهان، ریشه‌های اجتماعی داشته است. به دنبال بحث‌های حاد در کنفرانس، نمایندگان حاضر پیرامون رتوس برنامه عملی که در پایان کار گرد همایی توسط رؤسای جمهور و رؤسای دولت اکثر

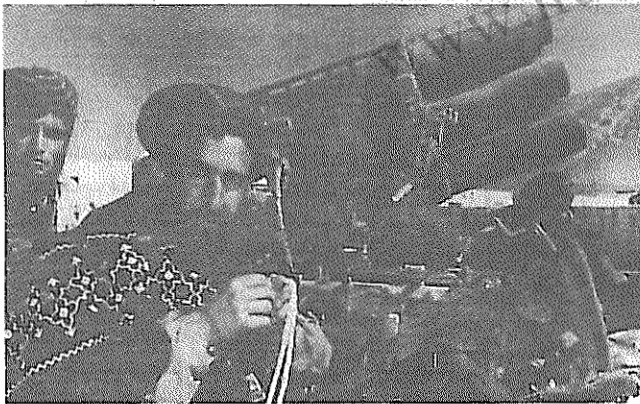
آیا توسعه اجتماعی

بازگزار کنفرانس قابل دستیابی است؟

کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی در کپنهاک نمی‌توانست به مهم‌ترین سؤال در مورد توسعه اجتماعی پاسخ دهد، این سؤال که تلاش همگانی بشری راه دستیابی به شعار این گرد همایی است یا مبارزه طبقاتی؟ کسی هم این انتظار را نداشت که کپنهاک پاسخگوی این سؤال باشد. اما کنفرانس کپنهاک حداقل این خاصیت را داشت که به ما یادآوری کند در جهانی بس نا عادلانه زندگی می‌کنیم، جهانی که به گفته یکی از نمایندگان اروپایی، در سایه "خطر دائمی انفجار بمب فقر" به سر می‌برد. اگر بخواهیم با اسلوب مبارزه طبقاتی به جهان بنگریم، این سخنان یادآور هراس هر طبقه حاکم از انفجار و انقلاب اجتماعی است، و بدیهی است که آنچه طبقه حاکم خطرناک می‌داند، از دیدگاه مبارزه طبقاتی امری مطلوب و راه گشا باشد: انقلاب.

بقیه در صفحه ۱۵

افغانستان همچنان در آتش جنگ و بحران می‌سوزد



خبرنگاران از قندهار گزارش می‌دهند که اکثر مردم این شهر، حکومت طالبان را به وضعیت قبل از آن ترجیح می‌دهند. طالبان توانسته‌اند در شهر ۲۰۰ هزار نفری قندهار، امنیت ایجاد کنند. اما این امنیت، همراه با شلاق زدن به اتهام زنا و حداقل چهار مورد اعدام بوده است. دزدی را با صورت رنگ زده در خیابان‌ها گردانده‌اند. موسیقی ممنوع است، و قرار است مدارس، جای خود را به مکاتب قرآن بدهند که تنها پسران را خواهند پذیرفت. طالبان علیرغم سرسختی در اجرای مقررات اسلامی، ناچار به برخی نهمش‌ها نیز شده‌اند. زمانی که مراجع زنان به مغازه‌ها ممنوع شد، کسبه به شورای شهر که تحت کنترل طالبان است عرضیه‌ای دادند و شورا با انجام خرید توسط زنان، به شرطی که این کار از پشت پیشخوان خارج از مغازه صورت گیرد، موافقت کرد. برای مردم قندهار که ۱۶ سال جنگ و هرج و مرج را تجربه کرده‌اند، امنیت فعلی غنیمی است. در طول جنگ، قندهار تحت کنترل باندهای مختلف بود. زنان و کودکان، پیوسته مورد تجاوز قرار می‌گرفتند یا ربوده می‌شدند. مردان مسلح، هر چه راه دستشان می‌رسید می‌زدیدند. خیابان‌ها پر از پست‌های بازرسی بود که کارشان فقط باج‌گیری از عابران بود.

رهبر طالبان، ملا محمد عمر است که می‌گوید در خواب از پیامبر اسلام دستور گرفته است افغانستان را از باندهای مسلح نجات دهد. او در یک مدرسه مذهبی پاکستان درس‌هایی دیده است. از اقدامات دیگری که به طالبان نسبت می‌دهند، سوزاندن حبش و نابودی آزمایشگاه‌های سازنده هروئین است.

در جنگ داخلی افغانستان، طی ماه‌های اخیر نیروی جدیدی موسوم به "طالبان" سربرآورده است. طالبان که شمار آنها را حدود ۵۰ هزار نفر برآورد می‌کنند، اکنون به دروازه کابل رسیده‌اند. آنها مدعی‌اند که نه در پی کسب قدرت، بلکه تنها خواهان اینند که مدافعان کابل، سلاح‌های خود را به زمین بگذارند و راه را برای ورود طالبان به مشابیه نیروی بی‌طرفی که ضامن برقراری نظم و قانون است، باز کنند. در مقابل، برهان‌الدین ربانی، رئیس جمهوری که بیش از دو ماه اضافه بر مدت مسئولیت پیش‌بینی شده‌اش، ادعای زمامداری را حفظ کرده، اما تنها بر کابل حکومت می‌کند، می‌گوید تنها به یک شرط کناره‌گیری خواهد کرد، و آن اینکه طالبان در دولت موقتی که قرار است جانشین دولت فعلی شود، نقش مستقیمی بر عهده گیرند. در حالی که ربانی می‌گوید تنها در صورت شرکت طالبان در دولت انتقالی، گذار مسالمت‌آمیز را تضمین خواهد کرد، طالبان حاضر به ائتلاف با نیروهای که از نظر آنها "جناپیکار" نیستند. بیش از چند ماه نیست که طالبان به صحنه سیاست افغانستان وارد شده‌اند. در حوال آنها، هاله‌ای از یک وجهه "عیار" مانند ایجاد شده است. مردم افغانستان، چیز زیادی درباره طالبان نمی‌دانند، و تنها شنیده‌اند که آنان کمر همت به نجات افغانستان از هرج و مرج و راهزنی بسته‌اند. نحوه شکل‌گیری طالبان، موضوع شایعات بسیار است. گروه‌های رقیب، می‌گویند که پاکستان در حلقه طالبان را مسلح کرده و آموزش داده است. اگرچه اسلام‌آباد این اخبار را تکذیب می‌کند، اما سلاح‌های سنگین طالبان و مهارت آنها در کاربرد این سلاح‌ها، حاکی از این است که این گروه نمی‌تواند از کمک یک دولت خارجی بی‌بهره باشد. آنها که از عملکرد طالبان تمجید می‌کنند، بیش از آنکه حمایت

تکذیب کردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد روز هفتم اسفند ماه، نیروهای دولت ربانی در شمال غربی کابل مواضع حزب شیعه وحدت اسلامی را مورد حمله قرار دادند. طبق این گزارش، در این حمله حداقل ۹ نفر جان خود را از دست دادند. خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارش خود به نقل از منابع افغانی "نوشت هدف از حمله نیروهای ربانی به شیعیان، بسط حوزه نفوذ خود به منظور تدارک مقابله با حمله احتمالی طالبان به کابل بوده است. طالبان تهدید کرده‌اند در صورتی که نیروهای دولتی، سلاح‌های خود را به آنها تحویل ندهند، کابل را نیز تصرف خواهند نمود.

امور افغانستان اظهار امیدواری کرد انتقال قدرت از برهان‌الدین ربانی رئیس جمهور فعلی که بنا بر روزاول اسفند انجام گیرد و به تعویق افتاد، در روزاول فروردین صورت پذیرد. به نظر می‌رسد موفقیت‌های طالبان، که یک نیروی افراطی سنی‌اند، جمهوری اسلامی را نسبت به آینده طرفداران خود در افغانستان نگران کرده است و از این رو، تهران به گفتگوهایی که شیعیان افغانستان در آن حضور ندارند، خوش بین نیست. اخیراً جمهوری اسلامی به دولت کابل اعتراض کرد که چرا برخی مواضع خود در کابل را در اختیار طالبان گذاشته تا آنها نیروهای شیعه را تحت فشار بیشتری قرار دهند. این اعتراض تهران از جانب کابل رد شد و دولت ربانی، جمهوری اسلامی را متهم به دخالت در امور داخلی افغانستان کرد. برخی روزنامه‌های جمهوری اسلامی می‌نویسند پاکستان از طالبان حمایت می‌کند. از جمله، روزنامه ایران ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد در تابستان امسال، طالبان نخست کامیون پول از پاکستان گرفته‌اند. پاکستان و طالبان، این گزارش‌ها را

گفته می‌شود طالبان را دو گروه از ملایان سنی رهبری می‌کنند که یکی در قندهار و دیگری در شهر مرزی کوپت با پاکستان مستقر است. درباره انگیزه‌های پاکستان در حمایت از طالبان، از سوی برخی ناظران این ازبایی مطرح شده است که پاکستان اخیراً منفعت خود را در برقراری یک دولت باثبات در افغانستان دیده است و از این رو، تهران تجارز با جمهوری‌های آسیای میانه را از طریق راه‌های زمینی افغانستان گسترش دهد. مشاوران ربانی می‌گویند اسلام‌آباد نخست از حکمت با حمایت کرد اما هنگامی که پی‌برد حزب اسلامی قادر به در هم شکستن دولت ربانی نیست، به حمایت از گروهی جدید روی آورد. نظریه دیگری حاکی است بی‌ظنربوتو نخست وزیر پاکستان در مقابل به مخالفان خود در ارتش و سازمان امنیت پاکستان که به حکمت یار کمک می‌کنند، طالبان را تقویت کرده است. و بالاخره، تشریح دیگری حاکی است خیزش طالبان برای کسب قدرت در کابل، قیام پشتون‌های جنوب افغانستان علیه تاجیک‌های شمال است که فعلاً کنترل کابل را در دست دارند.